داده‌های مرکز آمار نشان می‌دهد مالکان مسکن طی سال گذشته معادل ۸۴ درصد درآمد مالیاتی دولت، درآمد کسب کرده‌اند

کمک خرج ۴۰۰ همتی اجاره‌نشین‌ها به مالکان

صفحه ۱۶

فرهیختگان

روزنامه خبری، تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
۵۰۰۰ تومان

فصل جدید رادیو مضمون: روایت سال‌های جنگ

شماره مسلسل ۴۷۱۲
شنبه ۱۵ مهر ۱۴۰۲
۲۱ ربیع‌الاول ۱۴۴۵
۷ اکتبر ۲۰۲۳
شماره ۳۹۷۴

برای آتیلا پسیانی که نقش‌های مختلف مثبت و منفی زیادی به یادگار گذاشت اما پشت دوربین نقش بازی نکرد

ضد ایران رل بازی نکرد

صفحه ۱۳

www.Fdn.ir | Sat | 7 Oct 2023 | vol.15 | No. 3974 | 16 Pages

مواضع رسانه‌های غربی و برخی مقامات مثل وزیر خارجه آلمان در ماجرای آرمیتا یک‌بار دیگر نشان داد جامعه ایران در چه موقعیت پیچیده‌ای قرار دارد

نوبل و قاحت

قصه آرمیتا و بازسازی یک ایده؛ حقیقت چیست؟ روایت‌ها کدام است؟

۷ و ۲

اطلاعات درباره فیلم سینمایی «جنگجوی صحرا» متناقض و محدود است

پروژه زیرزمینی سعودی

۱۲

آموزش ۱۰۰ هزار تسهیلگر توسعه روستا با مشارکت دانشگاه آزاد از ماه آینده آغاز می‌شود

شبکه علمی دانشگاه آزاد در خدمت رشد روستاها

۴

گزارش «فرهیختگان» از دومین نشست مطالعاتی طرح سیاست و قدرت در شاهنامه

منطق قدرت به روایت شاهنامه

۱۵،۱۴

دبیرکل مجمع جهانی بیداری اسلامی حمله تروریستی در استان حمص سوریه را محکوم کرد

آمریکا و اسرائیل مخالف ثبات در سوریه هستند

دکتر ولایتی با صدور پیامی حمله تروریستی به مراسم فارغ‌التحصیلی افسران ارتش سوریه در استان حمص این کشور را که به شهادت ده‌ها تن از افراد نظامی و غیرنظامی انجامید را محکوم کرد.

متن بیانیه به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

عملیات تروریستی در جشن فارغ‌التحصیلی دانشجویان افسری دانشگاه حمص که منجر به شهید و زخمی شدن نزدیک به ۴۰۰ تن گردید، اقدام جنایتکارانه‌ای است که یک‌بار دیگر چهره کریه و خشن تروریسم را به نمایش گذاشت. انجام عملیات تروریستی پهپادی در دانشکده افسری حمص که یکی از مراکز مهم آموزش نیروهایی است که نقش موثری در تامین امنیت و ثبات این کشور و مبارزه با گروه‌های تروریستی داشته و دارند، پرده از این واقعیت کنار می‌زند که آمران و عاملان چنین جنایتی که برخی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی در پشت پرده آن قرار دارند، همچنان به‌دنبال ناامن‌سازی سوریه با هدف چپاول و بهره‌برداری‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی خود هستند.

مجمع جهانی بیداری اسلامی ضمن محکومیت این عملیات تروریستی، دولت آمریکا و رژیم تبهکار صهیونیستی را جزء عوامل محرک، طراح و بنیادین این اقدام وحشیانه می‌داند که با ابزار تروریسم تکفیری درصدد پیشبرد و تامین منافع خود هستند و این در حالی است که تجربه بیش از یک دهه گذشته هم گواه روشنی بر این واقعیت است که ثبات و امنیت در سوریه برخلاف راهبردهای منطقه‌ای این دو بازیگر خطرناک است.

در پایان ضمن اعلام حمایت و کمک همه جانبه جمهوری اسلامی ایران به دولت و ملت سوریه برای مقابله جدی و قاطع با گروه‌های تروریستی و دفع شر آنها، تاکید می‌کند که راه‌حل امنیت و ثبات پایدار در سوریه در دو اقدام فوری و موثر خروج تمام کشورها و بازیگرانی است که به‌صورت غیرقانونی و در اشکال مختلف و با اهداف مشخص در این کشور حضور دارند و دیگر، مسئولیت‌پذیری نهادهای مسئول بین‌المللی به‌ویژه شورای امنیت سازمان ملل متحد که بدون هرگونه رویکرد جانبدارانه، درجهت منافع ملت سوریه عمل نماید.

کانون تبلیغاتی
سیهرجوان
۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹
مجری انحصاری
تبلیغات محیطی
دانشگاه آزاد اسلامی

رکود از رگ گردن به اروپا نزدیک‌تر شده است!

یادداشت

مجتبی رجب‌زاده
کارشناس اقتصاد

آخرین داده‌های شاخص مدیران خرید، تصویر نگران‌کننده‌ای را برای اقتصاد ناحیه یورو ترسیم می‌کند، و نشان می‌دهد که احتمالا در سه‌ماهه جاری منقبض می‌شود. علی‌رغم بهبود جزئی در ماه سپتامبر، شاخص مدیران خرید ترکیبی برای ناحیه یورو زیر آستانه بحرانی ۵۰ واحد باقی ماند، که نشان‌دهنده چالش‌های اقتصادی مداوم است. پیش‌بینی بانک تجاری هامبورگ از انقباض ۰٫۴ درصدی برای سه‌ماهه جاری به‌طور قابل توجهی بدتر از انتظارات قبلی بوده؛ که نشان‌دهنده نگرانی‌های فزاینده از رکود احتمالی در ناحیه یورو است.

تحلیلگران اقتصادی، از جمله کریستوف ویل در کامرزبانک، به‌طور فزاینده‌ای نگران ضعیف شدن شرایط اقتصادی در ناحیه یورو هستند. برخلاف دوره‌های قبلی ضعف اقتصادی که عمدتا در آلمان متمرکز بود، به نظر می‌رسد کندی فعلی بر همه کشورهای ناحیه یورو تاثیر می‌گذارد. محرک اصلی این فشار اقتصادی، چرخه تهاجمی بانک مرکزی اروپا برای افزایش نرخ بهره است که بیش از ۴٫۵ درصد افزایش یافته است. بانک‌های مرکزی بزرگ جهان در تعهد خود برای حفظ نرخ‌های بهره بالاتر در صورت لزوم برای مبارزه با تورم، تزلزل‌ناپذیر بوده‌اند؛ اما این امر اکنون تاثیر قابل توجهی بر فعالیت‌های اقتصادی دارد.

براساس یک نظرسنجی که نشان از یک انقباض اقتصادی احتمالی دارد، اکثر مشاغل منطقه یورو گزارش کرده‌اند که در این ماه کاهش فعالیت‌ها و سفارش‌های جدید ادامه دارد. در ۴۷٫۱، رقم اصلی برای شاخص مدیران خرید منطقه یورو بسیار بهتر از سطح ۴۶٫۷ آگوست بود، اما بسیار پایین‌تر از علامت کلیدی ۵۰ باقی ماند. اس‌اند پی گلوبال که این نظرسنجی را گردآوری کرده است، گفت که تقاضای تولید همچنان به کاهش خود ادامه می‌دهد، اما سفارشات در بخش خدمات نیز کاهش یافته است، که شدیدترین کاهش را در تجارت جدید از زمان همه گیر شدن تجربه کرد. شاخص کل PMI بالاتر از افت خفیف پیش‌بینی‌شده توسط رویترز به ۴۶٫۵ بود. این نتایج نشان‌دهنده ادامه فشارهای اقتصادی در منطقه یورو و نگرانی‌های افزایش نرخ بهره و کاهش تقاضا برای خدمات و تولید هستند. افت شاخص PMI نشان‌دهنده ضعف در فعالیت‌های اقتصادی و کاهش سفارشات جدید است که ممکن است به تدریج به انقباض اقتصادی منجر شود. این موضوعات می‌توانند تاثیرات منفی بر بازار کار و نرخ بیکاری داشته باشند و به چالش‌های بیشتری برای منطقه یورو منجر شوند.

آلمان به‌عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد اروپا، به دلیل کاهش مداوم تقاضا برای کالاها و خدمات، با کاهش فعالیت تجاری همراه شده است. فرانسه، دومین اقتصاد بزرگ در ناحیه یورو، همچنین با انقباض در بخش خدمات غالب خود دست و پنجه نرم می‌کند که ناشی از کاهش تقاضا و سفارشات جدید کمتر است. در مقابل، اسپانیا با نرخ رشد ۰٫۵ درصدی تولید ناخالص داخلی در سه‌ماهه گذشته متمایز شده، که نشان‌دهنده بازگشت قوی‌تر از سقوط اقتصاد در همه‌گیری کووید در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر ناحیه یورو است.

بانک مرکزی اروپا که اخیرا برای مبارزه با تورم، نرخ بهره کلیدی خود را به بالاترین حد خود، یعنی چهار درصد افزایش داده است، ممکن است قیمت تولید را کاهش دهد. با این حال، کاهش درآمد قابل تصرف مصرف‌کنندگان به دلیل هزینه‌های استقراض بالاتر، منجر به کاهش هزینه‌ها گشته، که در کاهش شاخص کسب‌وکار جدید خدمات منعکس شده است. علاوه‌بر این، بخش تولید از اواسط سال ۲۰۲۲ با چالش‌های مداومی روبه‌رو بوده است که آخرین ارقام شاخص مدیران خرید تولیدی نشان‌دهنده ضعف مداوم آن است. با توجه به توضیحات ارائه‌شده، می‌توان تحلیلی کامل‌تر از وضعیت اقتصادی در ناحیه یورو ارائه داد:

۱. رکود اقتصادی

داده‌های شاخص مدیران خرید نشان می‌دهد که منطقه یورو به سمت رکود اقتصادی حرکت می‌کند. شاخص مدیران خرید به زیر آستانه بحرانی ۵۰ واحد رسیده و انتظار می‌رود که انقباض اقتصادی به‌شدت در سه‌ماهه جاری تشدید شود. این مساله نشان‌دهنده چالش‌های مداومی است که منطقه یورو در برابر رکود اقتصادی با آن روبه‌روست.

۲. فشار نرخ بهره

افزایش نرخ بهره توسط بانک مرکزی اروپا به بیش از ۴٫۵ درصد نگرانی‌هایی در بازار ایجاد کرده است. این اقدام به‌منظور مبارزه با تورم صورت گرفته است اما ممکن است باعث کاهش تولید و افزایش هزینه‌ها شود. این فشار اقتصادی به تدریج بر تمام کشورهای منطقه یورو تاثیر می‌گذارد و به چالش‌های اقتصادی بیشتری منجر می‌شود.

۳. کاهش تقاضا و تولید

کاهش مداوم تقاضا برای کالاها و خدمات در آلمان و دیگر کشورهای منطقه یورو، باعث کاهش فعالیت تجاری و تولید شده است. همچنین، افزایش نرخ بهره منجر به کاهش هزینه‌های قرضی و درآمد مصرف‌کنندگان شده است. این عوامل تا حدی می‌توانند به ترازویی منفی بر سمت تولید و تقاضای اقتصادی تاثیر بگذارند.

۴. افزایش نرخ بیکاری

نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که نرخ بیکاری در منطقه یورو در حال افزایش است و از نرخ تاریخی پایین خود افزایش می‌یابد. این موضوع نشان‌دهنده افت فعالیت‌های اقتصادی و تاثیرات منفی افزایش نرخ بهره بر بازار کار است.

۵. کاهش تولیدی و افزایش تولیدی

با افزایش تقاضا برای کاهش کالاهای تولیدی و افزایش تقاضا برای خدمات، شاخص مدیران خرید نشان می‌دهد که تولید کمتری انجام می‌شود. این موضوع می‌تواند به مرور زمان به کاهش تولید و افزایش تولیدی منجر شود و تاثیراتی منفی بر اقتصاد منطقه یورو داشته باشد. در کل، وضعیت اقتصادی منطقه یورو به دلیل فشارهای متعددی از جمله افزایش نرخ بهره، کاهش تقاضا، و کاهش تولیدی، نگرانی‌های زیادی را به همراه دارد و احتمال رکود اقتصادی را تشدید کرده است. تدابیر اقتصادی و مالی ممکن است برای مقابله با این چالش‌ها از اهمیت بسیاری برخوردار باشند.

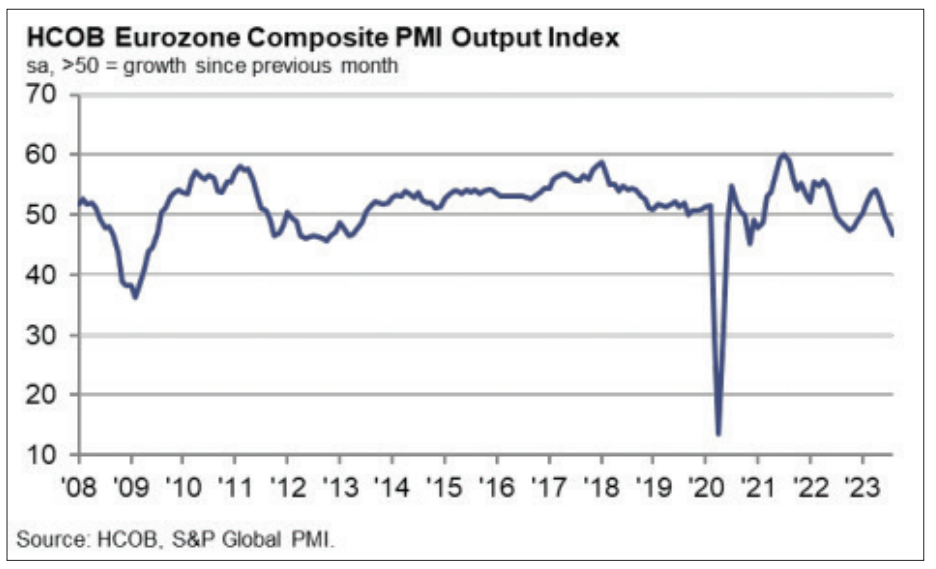

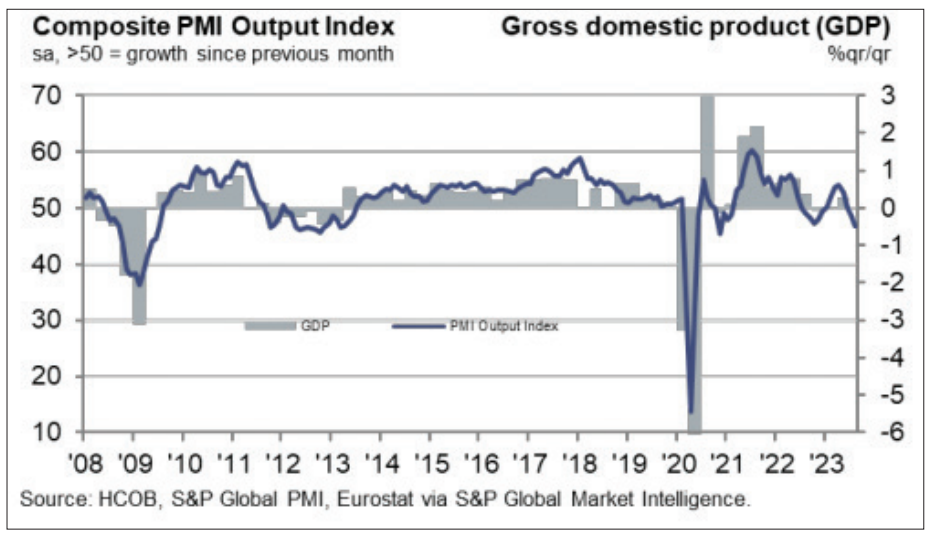

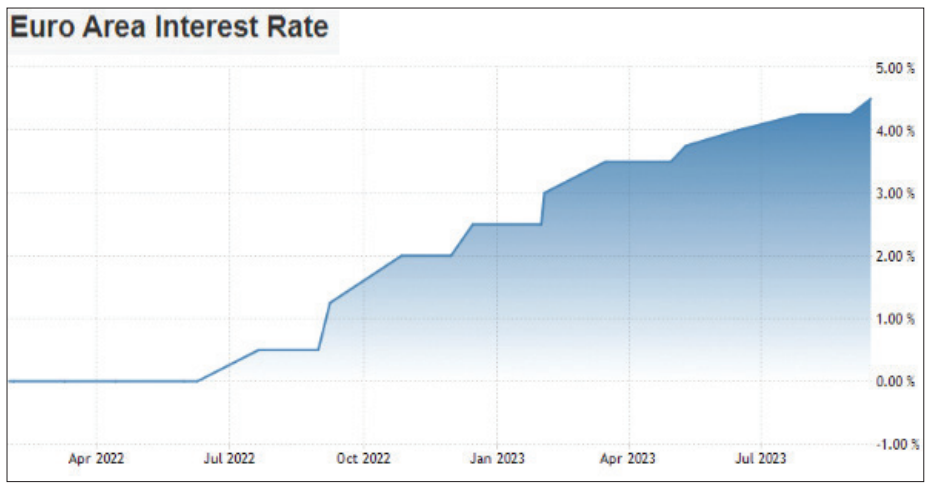

شنبه ۱۵ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۷۴
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

مواضع رسانه‌های غربی و برخی مقامات مثل وزیر خارجه آلمان در ماجرای آرمیتا یک‌بار دیگر نشان داد جامعه ایران در چه موقعیت پیچیده‌ای قرار دارد

قصه آرمیتا و بازسازی یک ایده: حقیقت چیست؟ روایت‌ها کدام است؟

عطیه همتی
دبیرگروه نقد روز

خبر یک خط بود «بیهوش شدن یک دختر دانش‌آموز ۱۶ ساله در متروی تهران» که به‌سرعت توانست در صدر اخبار کشور قرار بگیرد. آرمیتا گراوند دانش‌آموز ۱۶ ساله تهرانی بعد از وارد شدن به داخل قطار متروی متوقف در ایستگاه میدان شهدای تهران، بیهوش شده و بلافاصله به زمین می‌افتد. موضوعی که ابهامات آن می‌توانست دوباره غائله جدیدی را به راه بیندازد. این ماجرا شروع آزمون سخت رسانه‌ای دیگری بود که دوباره بر سر راه مسئولان و همه رسانه‌های کشور قرار گرفت. با این تفاوت که از رسانه‌ها و مسئولان امر توقع می‌رفت با توجه با تجربیات سال گذشته این بار با هوشیاری هرچه بیشتری نسبت به قبل موضوع را اطلاع‌رسانی کنند و با دادن پاسخ ابهامات و پرسش‌های افکار عمومی راه را بر ایجاد شبهه و شیطنت‌های رسانه‌ای رسانه‌های خارج از ایران ببندند. واکنش رسانه‌های خارج از ایران به حادثه آرمیتا گراوند و همچنین اظهارنظرهای بی‌محابا و تند و تیز مقامات غربی به این اتفاق به‌خوبی نشان‌دهنده رصد گسترده مسائل داخلی ایران توسط آنان است چراکه می‌خواهند از کوچک‌ترین اتفاق و شبهه در جهت برهم زدن نظم و امنیت و آرامش کشور استفاده کنند. در سال‌های اخیر زنان و مسائل آنان به‌خصوص مساله پوشش این دستاویز را فراهم کرده‌است. اما آزمون رسانه‌ای آرمیتا گراوند از رسانه‌های ایرانی چطور گرفته شد و در کدام مرحله‌ها موفق بوده یا نبوده‌ایم؟

«آب یخ» انتشار فیلم مترو روی آتش رسانه‌های فارسی‌زبان

بلافاصله بعد از خبری شدن این ماجرا همه رسانه‌های فارسی‌زبان این موضوع را سر دست گرفتند تا از ظرفیت این حادثه برای تولید غائله و آشوبی دیگر در کشور استفاده کنند. اینترنشنال ادعا کرد به گفته یکی از خبرنگاران خارج از ایران! این دانش‌آموز چون مقنعه خود را سر نکرده مورد تذکر حجاب‌بانان قرار گرفته و بعد از درگیری با آنها سرش به جایی خورده و بعد غش کرده است. بعد از این خبر، خبرگزاری ایرنا با انتشار ویدئویی از لحظه وارد شدن آرمیتا به داخل قطار نشان داد هیچ برخورد و حتی نزاع کلامی رخ نداده‌است و این دانش‌آموز تنها چندثانیه بعد از وارد شدن به مترو به علت افت فشار بیهوش شده است. همین اطلاع‌رسانی به‌موقع و انتشار ویدئو بدون فوت وقت توانست آب یخی بر آتش روشن شده توسط رسانه‌های فارسی‌زبان باشد. اتفاقی که سال قبل نیز می‌توانست به همین سرعت انجام شود اما تاخیر و سهل‌انگاری‌ها در انتشار آن بر شدت ماجرا افزود. بعد از وارد کردن شبهه به این ویدئوی چندثانیه‌ای و مطرح کردن این ابهام که ممکن است پیش از وارد شدن به محل قطار درگیری رخ داده باشد باز هم ویدئوهایی از لحظه ورود این دختر دانش‌آموز به ایستگاه مترو و دقایق حضور وی در ایستگاه متروی شهدا منتشر شد که ماجرا را برای شنوندگان خبر بیهوشی آرمیتا به‌طور کامل شفاف می‌کرد.

ایجاد چتر حمایتی داخلی برای خانواده آرمیتا گراوند

بعد از حوادث شهریورماه سال گذشته و التهاباتی که به بهانه فوت مهسا امینی در مقر پلیس امنیت اخلاقی، شکل گرفت این موضوع مطرح شد که این دختر جوان سابقه عارضه مغزی و عمل جراحی داشته است. اما فیلم صحبت‌های پدر مهسا امینی در بالای سر دخترش درباره ضربه نخوردن و سابقه بیماری او درست یک‌ماه بعد منتشر شد! دقیقا بعد از آنکه با تغییر ماهیت اعتراض به اغتشاش، آشوب‌های خیابانی به اوج خود رسیده بود دیگر انتشار فیلم صحبت‌های پدر مهسا امینی کارایی لازم را نداشت چون فیلمی که انتشار آن در همان روزهای ابتدایی می‌توانست برطرف‌کننده ابهامات باشد و جلوی پیشروی التهابات را بگیرد به نوشداروی بعد از مرگ سهراب بدل شود. حاصل این سناریوی رسانه‌ای این بود که ریشه‌های شکل‌گیری اعتراض به حاشیه رفته و با تلاش رسانه‌های معاند برای دامن زدن به آتش آشوبکار به رادیکال‌ترین شکل ممکن ادامه پیدا کرد. در ماجرای آرمیتا گراوند اما کار رسانه‌ای حساب‌شده‌تر بود. خبرگزاری ایرنا پس از انتشار ویدئوهای مترو در اقدامی دیگر با پدرومادر این دانش‌آموز گفت‌وگو کرد. در این گفت‌وگو مادر آرمیتا به‌روشنی بیان می‌کند تمامی فیلم‌های مترو را دیده و برای وی مسجل شده است که هیچ‌گونه درگیری و زدوخوردی بین آرمیتا و نیروهای مترو بر سر حجاب وجود نداشته است. او درباره علت این حادثه به‌صراحت می‌گوید: «دخترم با دوستانش برای رفتن به مدرسه در متروی شهدا قرار گذاشته بود که پس از ورود به ایستگاه قطار هنگام سوارشدن دچار افت فشار شد و پس از به‌هم‌خوردن تعادلش سرش با لبه واگن قطار برخورد می‌کند.» شهین احمدی مادر آرمیتا در ادامه از کسانی که به دنبال حاشیه‌سازی درباره این ماجرا هستند خواست به جای این کار برای سلامتی دخترشان دعا کنند. صحبت‌های واضح و آشکار پدر و مادر آرمیتا درباره وضعیت سلامتی دخترشان و وضعیت رسیدگی مناسب بیمارستان، همان اول حاشیه امن و چتر حمایتی برای این خانواده در داخل کشور درست کرد و بین آنها و رسانه‌های خارج از ایران فاصله‌گذاری جدی انجام داد. عدم همراهی این خانواده با رسانه‌های ضدایرانی و حمایت آنان از سوی مسئولان کشور باعث شد این خانواده از شر حاشیه‌سازی‌ها و شیطنت‌های رسانه‌ای داخلی و خارجی دور بمانند. موضوعی که در ادامه نیز باید لحاظ شود و به این دوران محدود نشود.

شاهد از غیب برای گاردین رسید؟

بعد از مصاحبه شفاف و روشن خانواده گراوند با رسانه‌های داخلی کشور و تقاضا برای عدم تولید حاشیه درباره دخترشان و کوتاه شدن دست رسانه‌های خارجی از این خانواده بازار حاشیه‌ها و خبرهای کذب حسابی گرم شد. روز گذشته در خبری اعلام شد مادر آرمیتا پس از ممانعت ماموران از حضور او در اتاق آرمیتا فریاد و اعتراض کرده که به همین دلیل ماموران امنیتی مستقر در بیمارستان او را بازداشت کردند. خبری که بلافاصله از سوی رسانه‌های داخلی کشور تکذیب شد تا منبع خبر رسانه‌های خارج از ایران در ماجرای آرمیتا گراوند باز هم زیر سوال برود. روزنامه گاردین نیز روز گذشته در گزارشی به قلم «پاتریک وینتور» و «دیپا پرنت» ادعا کرد با دوتن از شاهدان عینی حادثه آرمیتاگراوند گفت‌وگو کرده است. گاردین مدعی شد این افراد شاهد ضرب‌وشتم آرمیتا توسط یک حجاب‌بان زن در داخل واگن مترو بوده و معتقدند یک حجاب‌بان آرمیتا را به‌خاطر نداشتن حجاب هل داده است. در متن این خبر که روز پنجشنبه ۱۳ مهر به نقل از شاهدانی عینی به شرح وقایع روز بی‌هوش شدن آرمیتا گراوند پرداخته آمده‌است: «یکی از زنان مامور حجاب‌بان، آرمیتا را پس از ورود به واگن مترو به دلیل بر سر نداشتن حجاب اجباری «محکم هل داده» است. یکی از شاهدان عینی به گاردین گفت که اندکی پس از ورود آرمیتا به واگن مترو در روز نهم مهر، یک زن چادری و مجری طرح حجاب اجباری با او به دلیل نپوشاندن موهایش شروع به مشاجره کرد. براساس این گزارش، زن با فریاد از آرمیتا پرسیده است چرا روسری (مقنعه) بر سر ندارد و این دختر نوجوان پاسخ داده: «مگر من از تو می‌خواهم که چادرت را برداری؟» در ادامه، بحث آن دو به خشونت کشیده و زن حجاب‌بان با حمله فیزیکی به آرمیتا، او را به‌شدت هل داده است. شاهد عینی دیگری به گاردین گفت که آرمیتا وقتی روی زمین افتاد «هنوز هوشیار بود.» شاهدان گفته‌اند در ادامه همان زن چادری حجاب‌بان را دیده‌اند که پشت آمبولانسی منتظر ایستاده که برای بردن آرمیتا به بیمارستان آمده بود. گاردین در ادامه گزارش خود یادآور شد رسانه‌های حکومتی تا این لحظه هیچ فیلمی از داخل واگن منتشر نکرده‌اند.

همه این گفت‌وگوهایی که گاردین مدعی آن شده درحالی است که طبق فیلم حادثه باید همه آنها در مدت زمان حدودی سه ثانیه رخ داده باشد و رفتار هیچ‌کدام از کسانی که آنجا حضور دارند نشان از درگیری یا نزاع در آن لحظه را نمی‌دهد. همچنین این ادعا دقیقا خلاف ادعای اولیه رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از ایران مبنی‌بر درگیری آرمیتا دقایقی قبل از بیهوش شدن است. پیش از این آنها مدعی شده بودند آرمیتا قبل از ورود به مترو درگیری داشته و به‌خاطر اثرات ناشی از آن بعد از ورود به قطار دچار حادثه شده است.

ذره‌بین مقامات غربی روی اتفاقات ایران

دامنه ماجرای آرمیتا گراوند به دلیل اطلاع‌رسانی درست رسانه‌ها در داخل کشور و همچنین سرد شدن التهابات سال گذشته و عدم همراهی مردم با فراخوان‌های اپوزیسیون چندان گسترده نشد. اما تلاش‌های خارج از ایران برای بحرانی کردن کشور و همچنین اظهارنظرهای بی‌محابای برخی مقامات کشورهای غربی جالب توجه بود. اظهارنظرها و واکنش‌هایی که به خوبی نشان از مطالعه جدی آنان روی مسائل اجتماعی داخل کشور به‌خصوص در حوزه زنان دارد و حتی می‌توان تقدیرها و جایزه‌های جهانی و غربی برای ادامه‌دار کردن مبارزات علیه حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را بخشی از برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات آنان در جهت تشویق مبارزات سیاسی و اجتماعی زنان ایرانی دانست.

آنالینا بربوک، وزیر خارجه کشور آلمان در اظهارنظری اعلام کرد: «دوباره دختر جوانی در ایران برای جانش می‌جنگد فقط برای اینکه در مترو دیده می‌شده است. این غیرقابل تحمل است.» خانم بربوک در اظهارنظری بی‌ربط و در واکنش به فیلم منتشرشده از خانواده گراوند در توییتر نوشت: «جای پدر و مادر جلوی دوربین نیست. حق آنهاست که بر بالین دخترشان باشند.» اظهارنظری که به خوبی نشان می‌دهند این دست اطلاع رسانی‌های به موقع چقدر می‌تواند مفید و اثربخش باشد. عزرا زایا، یکی از مقامات ارشد وزارت امور خارجه آمریکا در امور حقوق بشر نیز درباره این ماجرا اظهارنظر کرد و تلاش کرد بیهوش شدن آرمیتا را به مساله حجاب گره بزند. وزیر خارجه کانادا نیز از همتایان غربی خود جا نماند و درباره این موضوع اظهارنظر کرد تا بیش از پیش مشخص شود که دولت‌های غربی تلاش می‌کنند آتش خاموش‌شده التهابات سال گذشته را هر طور که شده روشن نگه‌دارند و برای این هدف نیز منتظر کوچک‌ترین تحرکات و اخبار داخل کشور هستند تا با مرتبط کردن آن به مساله حجاب ماجرا را بزرگنمایی کنند. این اظهارات البته با واکنش سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران نیز روبه‌رو شد. ناصر کنعانی در پیامی تند و تیز نوشت: «به جای اظهارات مداخله‌جویانه و جانبدارانه و ابراز نگرانی غیرصادقانه نسبت به زنان و دختران ایرانی، بهتر است نگران پرسنل بهداشتی، بیماران آمریکا، آلمان و انگلیس باشید و به وضعیت آنها رسیدگی کنید.»

تلاش برای زیر سوال بردن واقعیت

خبرگزاری ایرنا چهارشنبه ۱۲ مهر به شکل جامع و کاملی با چندتن از همکلاسی‌ها و همراهان آرمیتا در روز حادثه گفت‌وگو کرد و این دانش‌آموزان به شکل جامع و کاملی درباره جزئیات اتفاقات آن روز به‌خصوص لحظات بیهوشی آرمیتا، نحوه زمین خوردن و اصابت سر این دانش‌آموز با سکوی مترو، خارج کردن وی از قطار و همچنین انتقال او به بیمارستان صحبت کردند. تطبیق همه صحبت‌ها با فیلم‌های منتشرشده از متروی ایستگاه شهدای تهران و همچنین تهیه و انتشار به‌موقع این مصاحبه از سوی رسانه‌های داخلی و پاسخ مناسب به افکار عمومی توانست بیش از پیش حربه قدیمی کلیشه‌شده «تحت فشار قرار گرفتن از سوی حاکمیت برای عدم بیان واقعیت» را نخ‌نما کند.

در سوی مقابل رسانه‌های معاند برای زیر سوال بردن روایت ارائه‌شده فعال شدند. در همین راستا دویچه‌وله فارسی روز چهارشنبه ۱۳ مهر در خبری به نقل از شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان مدعی شد که رئیس حراست وزارت آموزش و پرورش در محل مدرسه محل تحصیل آرمیتا گراوند حاضر شده و با تهدید معلمان این دانش‌آموز، تاکیدکرده است که انتشار هرگونه خبر یا حتی عکسی از آرمیتا گراوند ازطریق صفحات مجازی و به‌وسیله معلمان این دانش‌آموز، جریمه سنگینی خواهد داشت و معلم خاطی، مستقیم اخراج خواهد شد. همچنین این سایت مدعی شد دوستان آرمیتا تحت فشار هستند تا از هرگونه اطلاع‌رسانی پیرامون وضعیت آرمیتا در روز حادثه خودداری کرده و علاوه‌بر آن جلوی دوبین‌های خبرگزاری رسمی بنشینند و بروز هرگونه حادثه‌ای را منکر شوند. این قبیل اخبار قرار است با بستن همه راه‌های شفاف‌سازی فیلم روز گذشته خبرگزاری ایرنا را به شکل ناشیانه‌ای زیر سوال برده و به نوعی پاسخی به آن باشند.

چه اشتباهات رسانه‌ای انجام دادیم؟

حرف نزدن که بلدی!

در آزمون رسانه‌ای بیهوش شدن آرمیتا گراوند در متروی تهران با وجود آنکه عملکرد بسیار بهتری را نسبت به سال قبل و ماجرای فوت مهسا امینی در مقر پلیس امنیت اخلاقی، دیدیم، اما باز هم شاهد برخی اشتباهات فاحش رسانه‌ای در داخل کشور بودیم که منجر به تامین خوراک رسانه‌های خارج از ایران شده و زمینه را برای ایجاد شبهه و به‌هم ریختن افکار عمومی مردم فراهم کردند.

پایگاه خبری فراز دیلی ساعت ۱۱ چهارشنبه شب مدعی شد با پدر آرمیتا گفت‌وگویی انجام داده و او در این گفت‌وگو گفته سرکار است و اطلاع چندانی از وضعیت آرمیتا ندارد و فقط همین‌قدر می‌داند که دخترش در کما به‌سر می‌برد! خبری که بلافاصله با همان تیتر در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد و با آنچه که رسانه‌های داخلی پیش از این عنوان کرده بودند تضاد آشکاری داشت. اما دقایقی بعد مازیار خسروی، سردبیر فراز در حساب کاربری خود اعلام کرد اشتباه بزرگی رخ داده که منجر به این اطلاع‌رسانی غلط شده است و خبر منتشرشده در رسانه‌اش را تکذیب کرد. خسروی در ادامه این توییت بابت این اتفاق از خوانندگان خبر عذرخواهی کرده و همه مسئولیت اشتباه را به‌عنوان سردبیر این سایت فراز به عهده گرفت. پس از آن نیز این خبر از درگاه این رسانه حذف شد. این موضوع نشان از عدم هوشیاری برخی مدیران رسانه‌ای کشور در وقت بحران‌ها و بزنگاه‌های سیاسی دارد. بحران‌های رسانه‌ای اخیر به شکل جدی گویای این ماجراست که کوچک‌ترین شیطنت یا سهل‌انگاری در تولید محتوا و همچنین عدم اطمینان از منبع خبر چه خطرات و صدمات جبران‌ناپذیری برای کشور دارد و چقدر به تنش‌های اجتماعی در داخل کشور دامن خواهد زد.

روزنامه همشهری در یادداشتی که چهارشنبه ۱۲مهرماه منتشر کرد جمله‌ای نوشت که می‌توان از آن به‌عنوان یک اشتباه رسانه‌ای جدی یاد کرد. همشهری در یادداشتی می‌نویسد: «اگر سوار مترو شده باشید و مسافر هرروزه این ناوگان باشید شاهد هستید که ماموران انتظامی در مترو بدون درگیری لفظی و برخورد فیزیکی با هنجارشکنان، فقط صرف بیان یک جمله تذکر رعایت حجاب می‌دهند.» این یادداشت درحالی منتشر شد که همه رسانه‌های داخلی بیهوش شدن آرمیتا گراوند را با ذره‌بین بررسی کرده و همه فیلم‌های منتشرشده از مترو حاکی از آن است که این دانش‌آموز نوجوان کوچک‌ترین تنشی در مترو نداشته و به فاصله چندثانیه بعد از سوار شدن قطار به علت افت فشار بیهوش می‌شود. این موارد نشان می‌دهد که این ماجرا اساسا هیچ ارتباطی با عدم پوشش موی سر توسط وی نداشته و دلیلی موجهی برای پیوند زدن موضوع به ماجرای حجاب از سوی روزنامه همشهری وجود ندارد. یادداشت روزنامه همشهری بار دیگر با ایجاد شائبه گزکی به دست رسانه‌های خارج‌نشین برای فضاسازی داد.

آمنه سادات ذبیح‌پور، خبرنگار سیاسی صداوسیما بعد از آنکه فیلم‌های منتشرشده از سوی مترو تهران به خوبی مساله عدم کوچک‌ترین برخورد با آرمیتا را نشان می‌داد، به یکباره توییت بحث‌برانگیز و بی‌موردی درباره دوربین و مدل قطار موردنظر می‌زند که بازتاب‌های رسانه‌ای گسترده‌ای پیدا کرده و بهانه تازه‌ای دست رسانه‌های خارج از ایران می‌دهد تا با ایجاد شبهه راه تنفسی برای خودشان پیدا کنند. ذبیح‌پور در توییت خود می‌نویسد: «برخی‌ها در ماجرای بی‌هوش شدن آرمیتا در مترو پرسیدند که چرا فیلمی از داخل واگن منتشر نشده. پرس‌وجو کردیم گفتند قطارهای سری ۱۰۰ دوربین ندارند.» بلافاصله بعد از این توییت ایرنا با راهبران خط چهار متروی تهران که آرمیتا در آن حضور داشت گفت‌وگو کرد و در آن تاکید شد که قطار حامل آرمیتا از سری ۱۰۰ و فاقد دوربین است. اما اختلاف بر سر مدل قطار و اینکه آیا از سری ۱۰۰ بوده یا ۱۱۰ در شبکه‌های اجتماعی داغ شد. برخی نیز به نقل قول مدیران و مقامات مترو مبنی‌بر وجود دوربین در واگن‌های مترو تهران تاکید کردند و این دست خبرها را از آرشیو خبری خبرگزاری‌ها بیرون کشیدند و خواهان انتشار آن شدند. ایجاد شائبه در فضای مسموم و ملتهب این روزها از جمله اقدامات عجیبی بود که توسط خبرنگار صداوسیما انجام شد.

ادامه در صفحه ۷

فرهیختگان
دانشگاه
شنبه ۱۵ مهر ۱۴۰۲ | شماره ۳۹۷۴ | WWW.FDN.IR

«فرهیختگان» در گفت‌وگو با روسای دانشگاه‌ها عملکرد اساتید در حوزه‌های مختلف تولید علم را بررسی کرد

راه‌های نرفته حل مسائل کشور از مسیر مقاله

آموزش ۱۰۰ هزار تسهیلگر توسعه روستا با مشارکت دانشگاه آزاد از ماه آینده آغاز می‌شود

شبکه علمی دانشگاه آزاد در خدمت رشد روستاها

رشته «حکمرانی روستایی» در مقطع کاردانی دانشگاه آزاد راه‌اندازی شد

در بیست‌ویکمین همایش ملی و سومین همایش بین‌المللی حسابداری ایران مطرح شد

نقش محوری دانشگاه‌ها در مسیر عبور از اقتصاد سنتی به دیجیتالی

آمار ازدواج در میان فارغ‌التحصیلان کمتر از دانشگاه نرفته‌هاست

قوانین آموزشی دانشگاه ازدواج را تسهیل نمی‌کند

با اعلام نتایج کنکور ۱۴۰۲

۴۳ درصد داوطلبان امکان ورود به دانشگاه را پیدا کردند

در بیست‌ویکمین همایش ملی و سومین همایش بین‌المللی حسابداری ایران مطرح شد

نقش محوری دانشگاه‌ها در مسیر عبور از اقتصاد سنتی به دیجیتالی

بیست و یکمین همایش ملی و سومین همایش بین‌المللی حسابداری ایران در دانشگاه آزاد واحد تبریز با حضور بابک نگاهداری رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس، مجید عشقی رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار، علیرضا منادی رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی، فرزاد جهان‌بین معاون فرهنگی و دانشجویی دانشگاه آزاد، علی ثقفی مرد حسابدار ایران، جمع کثیری از اساتید و دانشجویان حسابداری کشور و مدیران ارشد حسابداری استان و کشور در سالن همایش استاد شهریار دانشگاه آزاد واحد تبریز برگزار شد. آرش رنجبران، رئیس دانشگاه آزاد استان آذربایجان‌شرقی و واحد تبریز در این همایش ضمن قرائت پیام دکتر طهرانچی رئیس دانشگاه آزاد در این همایش، گفت: «این همایش یکی از مهم‌ترین رویدادهای پژوهشی حوزه مالی و حسابداری کشور است و دستاوردهای این همایش عمدتا مبنای بسیاری از تصمیمات مهم کشور در این حوزه تاثیرگذار است.»

جهان‌بین: دانشگاه آزاد امروز نمونه برجسته‌ای از تاب‌آوری است

در ادامه، جهان‌بین معاون فرهنگی و دانشجویی دانشگاه آزاد ضمن تقدیر و تشکر از عوامل برگزاری این همایش در واحد تبریز گفت: «باعث افتخار است که این کنفرانس مهم در یکی از معتبرترین دانشگاه‌ها در حوزه حسابداری برگزار می‌شود.»

جهان‌بین با اشاره به موضوع تاب‌آوری و پایداری که یکی از موضوعات اصلی همایش است، اظهار داشت: «دانشگاه آزاد امروز نمونه برجسته‌ای از این پایداری و تاب‌آوری است که از ورشکستگی به یک مجموعه پویا و پرنشاط و سرپا تبدیل شده است و این تجربه می‌تواند مورد مطالعه عمیق قرار گیرد. در سال ۹۳ حدود یک میلیون و ۸۰۰ هزار دانشجو داشتیم و این عدد در سال ۹۷ به ۸۳۰ هزار نفر رسید. دانشگاه آزاد به‌عنوان دستگاهی که هیچ دریافتی از دولت ندارد، در آستانه ورشکستگی بود زیرا عمده درآمد دانشگاه آزاد از محل شهریه بود.» وی خاطرنشان کرد: «با وجود چالش‌های مختلف حوزه آموزش عالی درحال حاضر یک میلیون و ۲۵۰ هزار دانشجو در واحدهای دانشگاه آزاد مشغول به تحصیل هستند که عمده آنها در مقاطع کاردانی و کارشناسی تحصیل می‌کنند.»

معاون فرهنگی و دانشجویی دانشگاه آزاد با اشاره به سیاست دانشگاه در مقطع تحصیلات تکمیلی ادامه داد: «با توجه به سختگیری‌هایی که در مقطع کارشناسی‌ارشد و دکترا برای پیش‌دفاع و کفایت علمی وجود دارد، ۴۰ درصد دانشجویان دکترا نمی‌توانند کفایت علمی را در پیش‌دفاع دریافت کنند و سیاست، افزایش کیفیت در تحصیلات تکمیلی است.» وی ادامه داد: «دانشگاه آزاد سندی آماده کرده که بر سه محور راهبردی دانشگاه کارآمد و پایدار، دانشگاه سرآمد و پاسخگو و دانشگاه پرورشگر قوه عاقله و گسترش‌دهنده فضای انقلابی متکی است. ذیل این سه محور، پنج چرخش تحول‌آفرین داریم که یکی از چرخش‌های مهم چرخش از اقتصاد شهریه‌محور و مبتنی‌بر ارزش افزوده املاک به درآمدهای دانش پایه و دانش‌بنیان پایدار است. برای این تاب‌آوری، ایجاد زیرساخت‌هایی مانند حسابیار، آموزشیار، پژوهشیار و... که امکان مدیریت داده‌های بزرگ را می‌دهد، توجه به فرهنگ سازمانی و عبور از دانشگاه صرف آموزشی و تقاضا محور به دانشگاه حل مساله براساس آمایش و توجه به سازمان یادگیرنده و درک تحولات و تطبیق خود با آن ضروری بود که در دانشگاه اتفاق افتاد و امروز سه ضلع سیاست‌ها و تدابیر دقیق و پیشرو، نیروی انسانی مجاهد و توانمند و پذیرای تحولات و شبکه دانشگاه عامل اصلی این پایداری است.» جهان‌بین تاکید کرد: «بودجه امسال دانشگاه آزاد که ۶۸ درصد آن متکی به شهریه است و ۲۲ درصد حاصل فعالیت‌های غیر شهریه‌ای و ۱۰ درصد ناشی از ارزش افزوده و سود مالی نتیجه این امور است و تاب‌آوری و پایداری به دنبال دارد، حاصل اتفاق نیست.»

پدر علم حسابداری ایران: بنیاد مالی رشته حسابداری راه‌اندازی شود

علی ثقفی، پدر علم حسابداری ایران نیز در این همایش با بیان اینکه سرمایه‌گذاری برای رشته حسابداری در کشور خیلی جزئی بوده پیشنهاد کرد بنیاد مالی برای رشته حسابداری راه‌اندازی شود. وی گفت: «حسابداری دارای ساختاری بسیار محکم است، نظم و ترتیب بسیار عالی دارد، این ساختار محکم به دلیل این است که پول و ثروت جابه‌جا می‌کند.» وی افزود: «مجلس، بورس و سازمان امور مالیاتی و دیوان محاسبات همه با حسابداری سروکار دارند. برای اینکه زنده بودن‌مان تداوم پیدا کند و روزبه‌روز رشد کنیم، پیشنهاد می‌کنم شورایی تشکیل دهیم تا حرف آخر را بزنند.»

ثقفی بیان کرد: «براساس این شورا که متشکل از تعدادی از همکاران علاقه‌مند به حسابداری است بنیادی تشکیل دهیم که آن بنیاد بتواند تداوم حسابداری را در نظر و عمل برقرار کند. وی به موضوعات این شورا اشاره کرد و گفت: «سرمایه‌گذاری در رشته حسابداری هم نظری و هم عملی باشد. دو عامل اصلی که موجب تولید محصول و خدمت می‌شود یکی سرمایه و یکی کار و مدیریت موضوع بهره‌وری است که چطور ترکیب اینها را ترتیب دهد و از کدام استفاده کند. بنابراین سرمایه و کار از عوامل اصلی هستند.» ثقفی با قدردانی از برگزاری باشکوه بیست‌ویکمین همایش ملی و سومین همایش بین‌المللی حسابداری ایران گفت: «همه کشورها نیازمند سرمایه هستند، اگر سرمایه‌گذاری صفر باشد، محصول هم صفر خواهد بود. در ۴۷ سال سابقه من از حسابداری در ایران سرمایه‌گذاری برای رشته حسابداری خیلی جزئی بوده و پیشنهادم این است، بنیاد مالی برای رشته حسابداری راه‌اندازی کنیم.»

نگاهداری: حسابداری تامین‌کننده اطلاعات بخش عمومی و خصوصی با رعایت استانداردهاست

بابک نگاهداری، رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز گفت: «حسابداری به‌عنوان سیستم اطلاعاتی تامین‌کننده اطلاعات بخش عمومی و خصوصی با رعایت استانداردهاست.»

رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی افزود: «بحث در مورد آینده ایران و آینده‌پژوهی ایران یک بحث بسیار راهبردی در شرایط فعلی کشور است و چنین همایش‌هایی که دغدغه آینده دارند از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. لازمه ساختن ایران آینده برخورداری از یک وحدت و انسجام اجتماعی است. برخورداری از یک اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی قوی است.»

نگاهداری به فرمایش مقام معظم رهبری درخصوص وحدت و یکپارچگی اشاره کرد و گفت: «جامعه‌ای که در آن وحدت و انسجام نباشد، این جامعه نمی‌تواند آینده خودش را بسازد، نمی‌تواند به قله‌های پیشرفت که مد نظرش است برسد. بحث وحدت برای ساختن آینده حتی در حوزه کاری حسابداری و هر حوزه دیگری در کشور از اهمیت بسیار راهبردی برخوردار است.» وی به موضوع ساختن ایران آینده و دستیابی به پیشرفت حبل‌المتین جامعه امروزی ایران اشاره کرد و گفت: «همه انرژی‌ها، گروه‌ها و تخصص‌ها باید برای ساختن ایران آینده بسیج شوند تا در این شرایط باعث وحدت گفتمانی و یک انسجام اجتماعی برای مقابله با آینده‌ستیزی ایران شود.» رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به فرمایش مقام معظم رهبری اشاره کرد و گفت: «ما باید یاد بگیریم با تفکرات مختلف، با سلیقه‌های مختلف کنار هم زندگی، کار و تلاش کنیم. برای ساختن ایران آینده ما نیاز به گفتمان فراگیرتری داریم که سلایق مختلف را بتوانیم بسیج و منسجم کنیم.» وی گفت: «برای ساختن ایران آینده، باید مفهوم فراگیری همچون وطن‌دوستی، دیگرخواهی، مردم دوستی و دغدغه‌مندی نسبت به دیگری ایجاد شود و آن مفهوم، مفهومی است به نام شرافت و در مورد مفهوم شرافت مقام معظم رهبری فرمودند که شرافت آخرین سنگر انسانیت است و این شرافت می‌تواند انسجام اجتماعی را بین آحاد مردم ایران برای بسیج امکانات فراهم کند.»

وی افزود: «بزرگ‌ترین سرمایه ایرانی شرافت و آبروی ایرانی است. شرف در آموزه‌های دینی و آموزه‌های ملی ما جایگاه بالایی دارد. همه در هر کجا هستیم باید به بازتولید شرافت اقدام کنیم. در حوزه گزارشگری و حسابداری مالی، شرف حسابداری به شفافیت است. شرف حکومت به کارآمدی و شرف نمایندگی به مردمی بودنش است.» وی بیان کرد: «برای رسیدن به پیشرفت و اعتلا در اقتصاد مالی مدرن شفافیت مالی را این‌گونه تعریف می‌کنند؛ شفافیت مالی یعنی بازکردن اطلاعات شرکت‌ها، سازمان‌ها دولت‌ها و ذی‌نفعان برای ذی‌نفعان و مردم؛ گزارشگری مالی اگر بتواند به‌طور شفاف صنعت خودش را توسعه بدهد باعث انسجام اجتماعی می‌شود که نیازمند توسعه کشور و پیشرفت ایران آینده است.» نگاهداری گفت: «حسابداری به‌عنوان سیستم اطلاعاتی تامین‌کننده اطلاعات بخش عمومی و خصوصی با رعایت استانداردهاست، اگر به بسط استانداردها در حسابداری تلاش کنیم، کیفیت داده‌های حسابداری را ارتقا دهیم، مدیریت حکمرانی داده‌محور را ممکن کنیم، این باعث پیشرفت و ساختن ایران آینده بهتر می‌شود.»

دکتر طهرانچی در پیامی اعلام کرد

همایش بین‌المللی حسابداری ایران راهگشای حل چالش‌ها است

همچنین پیام دکتر محمدمهدی طهرانچی، رئیس دانشگاه آزاد اسلامی به بیست‌ویکمین همایش ملی و سومین همایش بین‌المللی حسابداری ایران نیز قرائت شد. در این پیام آمده است: «حمد و سپاس به محضر باری تعالی و درود بر پیامبر خاتم و اهل‌بیت کریمش که چراغ راه بشریتند و با تبریک میلاد باسعادت پیامبر رحمت و مهربانی و ششمین اختر تابناک آسمان امامت و ولایت، حضرت امام جعفر صادق(ع) برگزاری بیست‌ویکمین همایش ملی و سومین همایش بین‌المللی حسابداری فرصت مغتنمی است تا محققان و پژوهشگران به تبادل آخرین دستاوردهای علمی در حوزه پایداری اقتصادی، تاب‌آوری کسب‌وکارها، راهکارهای گزارشگری مالی شفاف، دقیق و کارآمد که مقدمه بهره‌وری و برنامه‌ریزی است، بپردازند و مطمئنا پیگیری و تداوم اهداف همایش گامی بزرگ در راه اعتلای سرمایه‌های علمی و معنوی ایران اسلامی خواهد بود.»

در بخش دیگری از این پیام آمده است: «بدیهی است برگزاری چنین همایشی در سطح ملی و بین‌المللی می‌تواند راهگشای مناسبی برای حل چالش‌ها و شناسایی استعدادها در این حوزه و به‌ویژه اقتصاد مقاومتی باشد. در مسیر عبور از اقتصاد سنتی به اقتصاد دیجیتالی، دانشگاه‌ها به‌عنوان مرجعیت علمی، نقش محوری داشته و با استفاده از بسترهای نوین نظیر سکوهای نرم‌افزاری هوشمند توسعه اقتصاد و و مولد پایدار نقش بی‌بدیلی دارند. در این راستا برگزاری همایش‌های علمی قدمی بزرگ برای رسیدن به این هدف محسوب می‌شود.» در ادامه این پیام تاکید شده است: «همان‌گونه که در سند تحول و تعالی دانشگاه آزاد اسلامی موضوع پایداری اقتصادی و رسیدن به سازمانی یادگیرنده هوشمند در دو ساحت فیزیکی مجازی مورد تاکید قرار گرفته است، برگزاری این همایش و دستاوردهای آن می‌تواند به‌عنوان گامی موثر در جهت گسترش دانش و کاربست آن برای دستیابی به این مهم تلقی گردد. موجب افتخار است امروز دانشگاه آزاد اسلامی در حوزه‌های اقتصادی و مالی به‌عنوان یکی از سرمایه‌های بزرگ علمی کشور در کنار سایر محققان و پژوهشگران نقش موثری در ارائه آخرین یافته‌های علمی ایفا می‌کند و می‌تواند در گام دوم انقلاب روشنگر افق‌های جدیدی در این زمینه باشد.»

خبر

اعلام نتایج انتخاب رشته متقاضیان رشته‌های با آزمون دانشگاه آزاد

نتایج انتخاب رشته متقاضیان رشته‌های با آزمون دانشگاه آزاد اسلامی شرکت‌کننده در آزمون سراسری سال ۱۴۰۲ اعلام شد و داوطلبانی که در دانشگاه آزاد انتخاب رشته کرده‌اند می‌توانند با مراجعه به سامانه http://azmoon.org با درج کد ملی و کد دسترسی نتیجه انتخاب رشته خود را مشاهده کنند. پذیرفته‌شدگان رشته‌های باآزمون ۱۴۰۲ دانشگاه آزاد می‌توانند جهت اطلاع از شرایط و ضوابط ثبت‌نام به راهنمای ثبت‌نام که روز شنبه ۱۵ مهر در سامانه مرکز سنجش، پذیرش و فارغ‌التحصیلی دانشگاه آزاد اسلامی به آدرس http://sanjesh.iau.ir قرار خواهد گرفت مراجعه کنند. لازم به ذکر است درخصوص داوطلبانی که نتایج آنها به‌صورت ذخیره اعلام شده است، طی اطلاعیه جداگانه روز شنبه ۱۵ مهر اطلاع‌رسانی می‌شود. همچنین نتایج پذیرش براساس سوابق تحصیلی در مقاطع کارشناسی پیوسته و کاردانی ناپیوسته مهرماه ۱۴۰۲ دانشگاه آزاد اعلام شد و روی سامانه http://azmoon.org قرار گرفت. پذیرفته‌شدگان این مقاطع می‌توانند جهت اطلاع از شرایط و ضوابط ثبت‌نام به راهنمای ثبت‌نام که روز شنبه ۱۵ مهر در سامانه مرکز سنجش، پذیرش و فارغ‌التحصیلی دانشگاه آزاد به آدرس http://sanjesh.iau.ir قرار خواهد گرفت، مراجعه کنند.

شنبه ۱۵ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۷۴
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

آموزش ۱۰۰ هزار تسهیلگر توسعه روستا با مشارکت دانشگاه آزاد از ماه آینده آغاز می‌شود

شبکه علمی دانشگاه آزاد در خدمت رشد روستاها

رشته «حکمرانی روستایی» در مقطع کاردانی دانشگاه آزاد راه‌اندازی شد

سارا طاهری
خبرنگار گروه دانشگاه

پدیده مهاجرت از روستا به شهر از بزرگ‌ترین مشکلات امروز کشور ماست که نیازمند اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌ریزی متناسب با ریشه‌های این پدیده است. مسئولان وزارت کشور برای شکل دادن به مهاجرت معکوس، برنامه تحولی و جدید در اداره امور روستاها و حکمرانی روستایی را کلید زدند. انعقاد یک تفاهمنامه سه‌جانبه در اسفند سال گذشته بین دانشگاه آزاد و سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها و قرارگاه جهادی وزارت کشور در همین راستا صورت گرفته است. یک رشته دانشگاهی به نام «حکمرانی روستایی» توسط دانشگاه آزاد راه‌اندازی شده که در مقطع کاردانی در واحدهای مراکز استان‌های دانشگاه آزاد درسراسر کشور درحال پذیرش دانشجو است. در این گزارش به مناسبت روز روستا، با حمید ملانوری نماینده قرارگاه جهادی وزارت کشور و سمیه قدیری مدیرکل توانمندسازی و مهارت‌های کاربردی کارکنان دانشگاه آزاد درخصوص اقدامات این دو نهاد برای توسعه روستاها به گفت‌وگو نشسته‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

نماینده قرارگاه جهادی وزارت کشور:

آموزش دهیاران را با همکاری دانشگاه آزاد آغاز کردیم

حمید ملانوری، نماینده قرارگاه جهادی وزارت کشور در گفت‌وگو با «فرهیختگان» درخصوص همکاری وزارت کشور با دانشگاه آزاد توضیح داد: «بعد از شکل‌گیری قرارگاه جهادی وزارت کشور و با توجه به دستور وزیر در این دوره مبنی بر اینکه توجه جدی به حوزه روستایی کشور شود، همکاری خود را با دانشگاه آزاد آغاز کردیم. ما بعد از انقلاب زیرساخت‌های لازم را برای روستاها ایجاد کردیم ولی علی‌رغم تمام زیرساخت‌ها، امکانات و منابعی که ایجادشده متاسفانه شاهد بحث مهاجرت و تخلیه روستاها بودیم، تا جایی که این روزها جمعیت روستایی کاهش پیدا کرده است.» او اضافه کرد: «به همین دلیل به‌دنبال یک برنامه نو و تحولی در راستای اداره امور روستاها و حکمرانی روستایی بودیم تا بتوانیم ضمن تثبیت جمعیت در روستاها، مهاجرت معکوس را شکل دهیم و جمعیت روستاها به جایگاه اصلی خود برگردد و کارکردهای اصلی‌اش را- که عمده‌ترین آن بحث تولید است- پیدا کند و امنیت اجتماعی، نظامی، اقتصادی و امنیت غذایی که محصول حضور روستایی در مناطق روستایی و فعالیت اوست، دوباره به‌طور جدی رنگ‌وبو پیدا کند.»

ملانوری تصریح کرد: «در این دوره با توجه به این رویکرد و به این دلیل که به‌دنبال برنامه جدید و تحولی بودیم، یکی از مسائلی که باید حتما پیگیری می‌کردیم این بود که بتوانیم برنامه‌های خود را با مراکز علمی هماهنگ و همراه کنیم. قاعدتا اگر بین مجامع و مراکز علمی، پژوهشی و تحقیقاتی با حوزه اجرا و برنامه عملیاتی ارتباطی تنگاتنگ و معنادار پیدا شود، می‌توانیم توفیق بهتری در این حوزه داشته باشیم. به همین دلیل برای اتصال مراکز علمی اقدام کرده‌ایم.» او بیان کرد: «همچنین برای اینکه در راستای تحقق برنامه تحول و توسعه پیشرفت روستاها بتوانیم موفق شویم باید بتوانیم مخاطبان و همکاران خود در حوزه اجرا- اعم از استانداری‌ها، فرمانداری‌ها، بخشداری‌ها، شهرداری‌ها و دهیاری‌ها و همچنین جامعه محلی یعنی روستاییان- را آموزش دهیم و با این نوع تفکر و روش آشنا کنیم.» نماینده قرارگاه جهادی وزارت کشور اظهار کرد: «به‌دنبال این بودیم که یکی از مراکز علمی و دانشگاهی کشور به کمک ما بیاید بنابراین با بررسی‌های انجام‌شده با توجه به ساختار سازمانی و نوع برنامه‌ریزی، مدیریت و آموزش دانشگاه آزاد به این جمع‌بندی رسیدیم که با این دانشگاه همکاری داشته باشیم تا بتوانیم برنامه‌های آموزشی خود را در سطح کشور پیش ببریم. در این زمینه تفاهمنامه‌ای سه‌جانبه بین سازمان مرکزی دانشگاه آزاد، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور که متولی امور شهرداری و دهیاری است و همچنین قرارگاه جهادی پیشرفت همه‌جانبه روستا در وزارت کشور به امضا رسید.»

عزم وزارت کشور برای تربیت ۱۰۰ هزار تسهیلگر توسعه روستاها

او درباره جزئیات این تفاهمنامه توضیح داد: «قرار شد ما از ظرفیت‌های دانشگاه آزاد را برای آموزش در سراسر کشور استفاده کنیم و بتوانیم ضمن اینکه همکاران خود را در راستای مدیریت جدید و اداره روستاها با سبک جدید آشنا کنیم، نهادهای مردمی، مدنی و عمومی را نیز آموزش دهیم و با این قضیه همراه کنیم، ازجمله بحث آموزش تسهیلگران روستایی که در برنامه ششم توسعه کشور دولت به آموزش ۱۰۰ هزار تسهیلگر در روستاها مکلف شده است. موضوعی که تاکنون کمتر به این موضوع پرداخته شده و می‌تواند عامل موثر و محرک جدی برای توسعه روستاها و توانمندسازی مردم در مناطق روستایی باشد. برای این موضوع با دانشگاه آزاد برنامه‌ریزی کرده‌ایم و برای برگزاری دوره‌های آموزشی آماده خواهیم شد.» ملانوری گفت: «همچنین شناسایی علاقه‌مندان به این حوزه و آموزش تسهیلگران را براساس این تفاهمنامه دنبال می‌کنیم که بتوانیم در تمام روستاهای کشور افراد تسهیلگر به‌معنای واقعی و تخصصی داشته باشیم تا برای توانمندسازی مردم و کارآفرینی و اداره امور روستاها با مشارکت مردم و به‌صورت مردم‌پایه کمک کنند. بنابراین ما هم در راستای آموزش دهیاران، تسهیلگران و شوراها و توسعه بحث کارآفرینی و توانمندسازی و فعالیت‌های مشترک اقتصادی با دانشگاه آزاد در قالب یک تفاهمنامه همکاری خود را آغاز کرده‌ایم.»

به گفته او تمام آموزش‌های تسهیلگران در قالب آموزش‌های کوتاه‌مدت خواهد بود.

رشته «حکمرانی روستایی» در مقطع کاردانی دانشگاه آزاد راه‌اندازی شد

نماینده قرارگاه جهادی وزارت کشور همچنین توضیح داد: «تاسیس یک رشته دانشگاهی به نام «حکمرانی روستایی» کاری مشترک بین قرارگاه، سازمان شهرداری‌های و دهیاری‌ها و دانشگاه آزاد است که توانسته‌ایم این رشته را تاسیس کنیم و الان در مقطع کاردانی در واحدهای مراکز استان‌های دانشگاه آزاد در سراسر کشور درحال پذیرش دانشجو هستیم و قرار است تا مقطع دکتری پیش برویم که با سرفصل‌های آموزشی جدید و کاربردی در اداره امور روستاها می‌تواند به کسانی که به‌نوعی متولی اداره امور روستا هستند یا در امور روستاها مداخله دارند (اعم از استانداران، فرمانداران، بخشداران و اعضای شوراهای اسلامی، دهیاران و شهرداران) کمک کند. این افراد با تحصیل در این رشته می‌توانند حتما افراد موثرتری باشند. این اقدام کار مشترک ما با دانشگاه آزاد در قالب همین تفاهمنامه است.

مدیرکل توانمندسازی و مهارت‌های کاربردی کارکنان دانشگاه آزاد مطرح کرد

آموزش تسهیلگران روستا با ۶ ویژگی منحصربه‌فرد

سمیه قدیری، مدیرکل توانمندسازی و مهارت‌های کاربردی کارکنان دانشگاه آزاد با بیان اینکه تفاهمنامه همکاری‌های آموزشی، پژوهشی، مطالعاتی و سرمایه‌گذاری بین سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، قرارگاه جهادی وزارت کشور و دانشگاه آزاد در اسفند سال گذشته به امضا رسید، گفت: «یکی از برنامه‌های مهمی که درحال برنامه‌ریزی آن برای اجرای این تفاهمنامه هستیم، طرح آموزش تسهیلگران توسعه روستایی است. باید بگویم در راستای اجرای سند برنامه ششم توسعه، آموزش ۱۰۰ هزار نفر تسهیلگر روستایی در دستور کار وزارت کشور قرار گرفته بود که این مساله به‌صورت جدی با همکاری دانشگاه آزاد درحال انجام است.» او افزود: «با توجه به اینکه آموزش تسهیلگران روستایی یک مساله مهم و کلیدی به‌شمار می‌رود، طبیعتا نیاز است این آموزش به‌صورت کاملا علمی و عملی انجام شود، از این رو دانشگاه آزاد تلاش کرده برای اولین‌بار در سطح کشور علاوه‌بر ایجاد یک مدل بومی آموزشی در حوزه روستایی، به ارائه خدمات آموزشی در راستای توسعه روستایی هم بپردازد.»

آموزش تسهیلگران در ۴ استان آغاز می‌شود

مدیرکل توانمندسازی و مهارت‌های کاربردی کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی در همین زمینه ادامه داد: «در همین راستا علاوه‌بر ایجاد کارگروه‌های فکری برای چگونگی اجرای طرح آموزش تسهیلگران روستایی، مطالعاتی جدی برای شکل‌گیری و رسیدن به یک مدل بومی مناسب با مخاطبان این دوره آموزشی انجام گرفت و درنهایت پس از برگزاری جلسات متعدد فرآیند آموزش تسهیلگران روستایی درحال اجراست.» قدیری اظهار کرد: «با توجه به برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته، مقرر شد تا این آموزش در گام اول در ۴ استان خراسان رضوی، خوزستان، فارس و البرز انجام شود. البته باید این را هم بگویم که این آموزش در استان البرز شامل مخاطبانی از استان‌های تهران، البرز، قم و قزوین خواهد بود.» او به بومی‌سازی آموزش‌ها در حوزه روستا و همچنین ایجاد یک مدل بومی کلان در حوزه آموزش از سوی دانشگاه آزاد اشاره و تصریح کرد: «برای تحقق این مهم مقرر شد تا این آموزش از اجزای مختلفی برخوردار باشد. به صورت کلی برنامه آموزش تسهیلگران روستایی از ۶ ویژگی منحصربه فرد برخوردار است که باعث شده این برنامه آموزشی با دیگر برنامه‌ها متمایز باشد. وجود نظام مسائل، نظام تجربه‌نگاری، نظام پیگیری، تولید محتوای تصویری، بانک اطلاعاتی از چالش و مشکلات و همچنین ایجاد مدارس مهارتی تسهیلگری را باید همان ۶ ویژگی بارز برشمرد.»

مدیرکل توانمندسازی و مهارت‌های کاربردی کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی درباره ویژگی وجود نظام مسائل در بحث آموزش تسهیلگران روستا گفت: «نظام مسائل سعی در شناسایی مشکلات افراد و مناطق دارد که این مساله قبل از شروع دوره آموزشی انجام خواهد شد در نتیجه منجر به کشف دغدغه‌ها و اولویت‌بندی دغدغه‌ها می‌شود. این مهم باعث می‌شود تا بتوان آموزش را متمرکز بر پاسخ به نیازهای مخاطبان کرد. به عبارت دیگر نظام مسائل منجر به کشف نیازهای کلیدی مخاطبان دوره و همچنین روستاهای کشور خواهد شد که می‌تواند بهره‌وری آموزش را بهبود دهد.» قدیری در همین زمینه افزود: «در همین راستا نیز بستر ارتباطی جهت ارائه دغدغه‌ها، تنش‌ها، چالش‌ها و مشکلات افراد در حال ایجاد است تا در این بستر هر فردی در کشور بتواند مسائل خود را مطرح کند. همچنین این مسائل در تیم‌های رصد که در هر استان ایجاد شده است، مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت.»

بانک اطلاعاتی کشف تجارب موفق توسعه روستاها ایجاد می‌شود

او به دومین ویژگی این طرح اشاره و بیان کرد: «دیگر فعالیت جدی که در این دوره آموزشی قرار است دنبال شود، نظام تجربه‌نگاری خواهد بود. نظام تجربه‌نگاری سعی در کشف تجارب موفق و ناموفق افراد در مسیر توسعه روستاها دارد. یعنی از این طریق ضمن کشف تجارب موفق و ناموفق افراد فعال در روستاها، سعی در دسته‌بندی این تجارب و ایجاد بانک اطلاعاتی از تجارب خواهیم بود.» مدیرکل توانمندسازی و مهارت‌های کاربردی کارکنان دانشگاه آزاد اظهار کرد: «خروجی نظام تجربه‌نگاری می‌تواند منجر به یکپارچه‌سازی و دسته‌بندی تجارب جهت کاربرد همگانی در سطح کشور شود. همچنین در این خصوص کمیته‌هایی در حال شکل‌گیری است تا بتوان از این طریق فرآیندهای تعریف شده برای این نظام را اجرایی کرد. همچنین سامانه‌ای در این خصوص جهت ثبت و ضبط تجارب افراد در حوزه روستا در حال طراحی است.» قدیری درباره نظام پیگیری گفت: «یکی از ویژگی‌های منحصربه فرد این آموزش؛ ارائه تکالیفی عملی به مخاطبان دوره‌ها خواهد بود، به‌طوری که افراد ضمن حضور در دوره‌های آموزشی و کسب مهارت‌های لازم، بتوانند دوباره در بستر روستاها به انجام فعالیت‌های عملی خود اقدام کنند. در این نظام ضمن پیگیری فعالیت‌های اجرایی مخاطبان، تلاش داریم تا تحلیل کارکردهای آنها را هم ارائه دهیم.» او با تاکید بر اینکه در راستای اجرای نظام پیگیری علاوه‌بر تعریف پروژه‌های چالشی در سطح استان‌ها، چک لیست‌های عملکردی ایجاد خواهد شد، گفت: «افراد مطابق با این چک لیست و همچنین آموزش‌هایی که خواهند دید، می‌توانند به انجام اقدامات اجرایی برای رفع چالش‌های ذکر شده بپردازند. این چالش‌ها خروجی نظام مسائل خواهد بود که در هر منطقه و در میان هر فردی مشخص خواهد شد. همچنین قرار است سیستم امتیازبندی و سطح‌بندی مرتبط با اقدامات انجام شده افراد درباره رفع چالش‌های تعریف شده هم ایجاد شود.»

تولید محتوا آنلاین و آفلاین برای پوشش رسانه‌ای دوره‌ها

مدیرکل توانمندسازی و مهارت‌های کاربردی کارکنان دانشگاه آزاد تصریح کرد: «یکی دیگر از برنامه‌های جدی دانشگاه تولید محتوا آنلاین و آفلاین برای پوشش رسانه‌ای دوره‌های فوق خواهد بود و در همین راستا مقرر شده تا از کلاس‌های منتخب پوشش تصویری به عمل آید. درنهایت هم قرار است آرشیو آموزشی مرتبط با این حوزه ایجاد شود. همچنین تلاش می‌کنیم تا مستندی با توجه به ظرفیت‌های فنی و انسانی دانشگاه آزاد از این دوره تهیه شود.» قدیری درباره ایجاد بانک اطلاعاتی از چالش و مشکلات تصریح کرد: «یکی از نیازهای مهم روز کشور آن است که در ابتدا مشخص شود هر روستا با چه چالش‌هایی مواجه است. به همین دلیل یکی از اهداف این دوره ایجاد بانک اطلاعاتی از چالش‌ها و مشکلات هر روستا خواهد بود تا بتوان براساس این بانک برنامه‌ریزی روستایی را به صورت مطلوبی برای هر روستا انجام داد. در همین راستا باید بگویم که اطلاعات مورد نیاز درخصوص ایجاد این بانک اطلاعاتی، از طرح آمایش دانشگاه آزاد اسلامی و خروجی‌های ناشی از اجرای نظام مسائل و نظام تجربه‌نگاری تامین خواهد شد.»

مدارس مهارتی تسهیلگری راه‌اندازی می‌شوند

او به ایجاد مدارس مهارتی تسهیلگری اشاره و تصریح کرد: «مدارس مهارتی در این دانشگاه در حوزه‌های مختلف در حال فعالیت هستند، از این‌رو در نظر داریم تا مدارس مهارتی با محوریت تسهیلگری جهت پوشش آموزش‌های ایجاد شده و پیگیری آموزش‌های لازم را راه‌اندازی کنیم. البته برای این کار براساس مطالعاتی که در آینده برای ایجاد مدارس مهارتی در حوزه تسهیلگری در استان‌های مدنظر صورت می‌گیرد، اتفاق خواهد افتاد.» مدیرکل توانمندسازی و مهارت‌های کاربردی کارکنان دانشگاه آزاد افزود: «به صورت کلی باید عنوان کرد این برنامه آموزشی در چند گام اجرا خواهد شد که در گام اول آن مقرر شده تا علاوه‌بر اعلام فراخوان ثبت‌نام در استان‌های تهران، البرز، قم، قزوین، فارس، خراسان رضوی و خوزستان این آموزش در این استان‌ها شروع شود که طبق برنامه‌ریزی‌ها ثبت‌نام گام اول این دوره در آبان ماه امسال انجام خواهد شد.» قدیری درباره چگونگی انتخاب متقاضیان برای حضور در این آموزش‌ها گفت: «افراد ثبت‌نام‌کننده در این مرحله علاوه تکمیل فرم‌های الکترونیکی توسط کارگروه‌های تخصصی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. همچنین افراد در فرم‌های الکترونیکی باید علاوه‌بر پاسخ به یک یا چند چالش در حوزه روستایی به ارائه وضعیت موجود روستا خود هم پرداخته و چالش‌های پنهان روستاها را مشخص کنند.» او خاطرنشان کرد: «این فرم‌های الکترونیکی کمک می‌کند تا ضمن ارزیابی قدرت حل مساله مخاطبان، بتوان سطح دغدغه‌مندی، تعهد، هوش، آگاهی محیطی و خلاقیت آنان را مورد ارزیابی قرار داد. نکته مهم اینکه افراد مطابق با پاسخ‌های خود امتیاز لازم را کسب کرده و مجوز لازم برای حضور در گام دوم آموزش را کسب خواهند کرد.»

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۰۰۱۶۰۰۶۳۱۹ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محمودآباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم وحید فخرآیین فرزند خداشکر به شماره شناسنامه ۹۳۸۶ صادره از تهران در دو دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی نیم‌دانگ مشاع عرصه آن وقف می‌باشد. (کاربری زراعی) به مساحت ۱۹۷ مترمربع پلاک ۸۲۵ فرعی از ۴۵ اصلی بخش ۱۰ واقع در خشت سر خریداری از مالک رسمی آقای مسلم قلی‌زاده محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۷/۱۵ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۷/۳۰
میم الف:۱۵۸۰۱۹۲- مهدی آزاد - رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محمودآباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم مریم نفطی‌وسطی‌کلائی فرزند برارگل به شماره شناسنامه ۲۵۷۰ صادره از قائمشهر در سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۰۰ متر مربع پلاک ۳۶۷۱ فرعی از ۱۴ اصلی بخش ۱۰ واقع در سوراخ مازو خریداری از مالک رسمی آقای محمد محمدزاده محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۷/۱۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۷/۳۰
میم الف:۱۵۸۰۱۸۰مهدی آزاد - رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۰۰۱۶۰۰۶۱۵۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محمودآباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم فاطمه زمانی‌فرد فرزند جلیل به شماره شناسنامه ۱۴۵۰ صادره از تهران در دو دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی که میزان ۳ سیر مشاع عرصه آن وقف می‌باشد (کاربری زراعی) به مساحت ۱۸۵/۸۸ مترمربع پلاک ۱۰۴۰ فرعی از ۷ اصلی بخش ۱۰ واقع در کلوده خریداری از مالک رسمی آقای علی‌اکبر قادی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۷/۱۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۷/۳۰
میم الف:۱۵۸۰۱۸۶مهدی آزاد - رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۰۰۱۶۰۰۶۳۱۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محمودآباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم زهره زمانی‌فرد فرزند جلیل به شماره شناسنامه ۳۲۰۵۰ صادره از تهران در دو دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی که میزان ۳ سیر مشاع عرصه آن وقف می‌باشد. (کاربری زراعی) به مساحت ۱۸۵/۸۸ مترمربع پلاک ۱۰۴۰ فرعی از ۷ اصلی بخش ۱۰ واقع در کلوده خریداری از مالک رسمی آقای علی‌اکبر قادی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۷/۱۵ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۷/۳۰
میم الف:۱۵۸۰۱۵۹
مهدی آزاد - رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۰۰۱۶۰۰۶۵۳۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محمودآباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/ خانم زهرارضازاده فرزند محمدرضا به شماره شناسنامه ۴۹۹ صادره از محمودآباد در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی که نیم‌دانگ مشاع عرصه آن وقف می‌باشد. (کاربری مسکونی) به مساحت ۱۵۶ متر مربع پلاک ۷۲۷ فرعی از ۴۵ اصلی بخش ۱۰ واقع در خشت سر خریداری از مالک رسمی آقای حسین مقدس محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۷/۱۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۷/۳۰ میم الف:۱۵۸۰۱۶۴
مهدی آزاد - رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۰۰۱۶۰۰۶۱۶۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محمودآباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/ خانم فرزانه زمانی‌فرد فرزند جلیل به شماره شناسنامه ۱۳۸۲۹ صادره از تهران در دو دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی که میزان ۳ سیر مشاع عرصه آن وقف می‌باشد. (کاربری زراعی) به مساحت ۱۸۵/۸۸ متر مربع پلاک ۱۰۴۰ فرعی از ۷ اصلی بخش ۱۰ واقع در کلوده خریداری از مالک رسمی آقای علی‌اکبر قادی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۷/۱۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۷/۳۰ میم الف:۱۵۸۰۱۷۲
مهدی آزاد- رئیس ثبت اسناد و املاک

فرهیختگان
سازمان آگهی‌های روزنامه
تلفن وفکس:
(۰۲۱) ۶۲۹۹۹۴۹۵
ایمیل: a66348018@gmail.com
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

مدرسه عالی مهارتی رسانه‌ای فرهیختگان
۰۹۱۰۸۱۰۶۵۳۵

«فرهیختگان» در گفت‌وگو با روسای دانشگاه‌ها عملکرد اساتید در حوزه‌های مختلف تولید علم را بررسی کرد

راه‌های نرفته حل مسائل کشور از مسیر مقاله

چرا مقالات علمی دردی از صنعت دعوا نمی‌کند؟

فاطمه طاری‌بخش
خبرنگار گروه دانشگاه

در سال‌های اخیر روند تولید علمی ایران از حیث نگارش مقاله، کاهش چشمگیری داشت به طوری که برخلاف هدف‌گذاری که در برنامه ششم توسعه وجود داشت، امروز ایران جایگاه دوازدهم دنیا را ندارد و به رتبه ۱۵ دنیا رسیده است که نشان می‌دهد مسیر طی‌شده از لحاظ رشد کمی مقالات دستخوش تغییر شده است.

هرچند شاید در ظاهر تعداد مقالات ما از ۶۰ هزار و ۴۹۲ مقاله در سال ۹۸ به ۷۱ هزار و ۷۰۶ مقاله برای ۱۴۰۲ رسیده باشد؛ اما با نگاهی به سرعت رشد ۱۱ برابری که ایران در اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ نسبت به دنیا داشت، باید عنوان کرد عملا شرایط کشور از لحاظ نگارش کمی مقاله تغییر کرده است. با این حال نمی‌توان این مساله را هم کتمان کرد که دو دسته نگاه درباره لزوم حفظ و رشد تولید مقالات از لحاظ کمی در کشور وجود دارد. برخی از کارشناسان معتقدند امروز که ایران به عنوان یکی از قدرت‌های علمی دنیا پذیرفته شده، دیگر نیاز نیست رشد کمی مقالات را همانند دو دهه قبل دنبال کنیم و به جای آن باید تمرکز را بر روی کیفیت گذاشت؛ اما نگاه مقابل معتقد است از دست رفتن جایگاه ایران در این حوزه به معنی عقب‌نشینی از جمع قدرت‌های علمی دنیا خواهد بود و لازم است تا تمرکز اصلی همچنان بر روی انتشار مقاله و چاپ آنها در مجلات بین‌المللی باقی بماند. در این میان اما آنچه را که نمی‌توان کتمان کرد، عدم همخوانی مقالات منتشرشده با واقعیت‌ها و چالش‌های کشور در حوزه‌های مختلف است؛ موضوعی که می‌طلبد تا فکر اساسی برای آن شود؛ اتفاقی که در صورت تحقق هم به حفظ جایگاه علمی ایران منجر می‌شود و هم بستر را برای مشارکت اعضای هیات علمی در رفع چالش‌ها و رسیدن به راهکارهای علمی و عملیاتی جدید فراهم می‌کند. «فرهیختگان» در این گزارش به سراغ عبدالله معتمدی، فرهاد دانشجو و صفر نصرالله‌زاده، روسای دانشگاه‌های علامه طباطبایی، تربیت مدرس و تبریز رفت تا در خصوص برنامه‌ریزی این دانشگاه‌ها برای افزایش کیفیت و کمیت مقالات پرسش‌هایی داشته باشیم.

رئیس دانشگاه علامه طباطبایی:

نسبت اساتید درگیر با قراردادهای ارتباط با صنعت خوب نیست

عبدالله معتمدی، رئیس دانشگاه علامه طباطبایی درباره کمیت و کیفیت مشارکت اساتید در قراردادهای جامعه و صنعت گفت: «یکی از زمینه‌هایی که می‌توانیم با صنعت ارتباط داشته باشیم گرفتن طرح‌های پژوهشی دستگاه‌های اجرایی است. خوشبختانه در سال‌های اخیر هم رشد بسیار خوبی به لحاظ کمی و تعداد طرح‌هایی که دانشگاه‌ها می‌گیرند و مبلغ آن داشته‌ایم. با این حال از آنجایی که می‌دانید در طرح‌های پژوهشی که یک استاد از بیرون می‌گیرد، حدودا و حداکثر ۱۰ درصد بالاسری برای دانشگاه‌ها دارد و ۹۰ درصد آن به استاد بازمی‌گردد. البته بخشی از این ۹۰ درصد بیمه و مالیات می‌رود و مقداری از آن از بین می‌رود و اصل این مبلغ به استاد باز می‌گردد.» او در همین زمینه افزود: «یکی از مباحث مهم این است که این طرح‌ها به لحاظ مبلغ و تعداد رشد داشته‌اند. در دانشگاه علامه طباطبایی این رشد نسبت به دو سال قبل چهار یا پنج برابر شده است؛ با این حال باید این را هم بگویم که در دانشگاه ما، نسبت کسانی که درگیر طرح‌های پژوهشی هستند با توجه به جمعیت کل اعضای هیات‌علمی آمار مناسبی نیست.» رئیس دانشگاه علامه طباطبایی بیان داشت: «یکی از کارهای ما این است که اعضای هیات‌علمی را تشویق کنیم تا به این سمت حرکت کنند؛ با این حال درباره پایین بودن نسبت اعضای هیات‌علمی دیگر به نسبت کل جمعیت‌مان در دانشگاه باید بگویم شاید به این دلیل باشد که برخی از استادان ما اولا بیشتر وجه همت خود را در حوزه آموزشی گذاشته باشند. برخی دیگر از وجه همت اساتید ما در حوزه پژوهشی در ارتباط با فعالیت‌هایی مثل مقاله و کتاب و... است. برخی از همکاران تنها درصورتی به سمت کارهای پژوهشی می‌روند که سفارش بگیرند. چون نظام منظمی از طرف دستگاه‌های اجرایی وجود ندارد که این طرح‌ها و پروژه‌ها به‌خوبی منتشر شود، علی‌القاعده اتفاقی که می‌افتد آن خواهد بود که همکاران ما برای گرفتن پروژه به سازمان‌ها مراجعه می‌کنند.» معتمدی در همین زمینه افزود: «یعنی ما کمتر پروژه‌هایی را داریم که از سمت سازمان‌ها بیایند. اخیرا و با راه‌اندازی سامانه نان و... امید است که این اتفاق بیفتد تا این ظرفیت انجام شود اما در حال حاضر به نظر می‌رسد که ما همچنان ظرفیت بهتری داریم تا بتوانیم اساتید بیشتری را درگیر این کار کنیم اما از آن بهره نمی‌گیریم.»

استادی که از «نان» طرح بگیرد دانشجویش را خودش انتخاب کند

او درباره راهکارهای تشویقی برای افزایش فعالیت اساتید در قراردادهای ارتباط با صنعت عنوان کرد: «یکی از بحث‌ها این است که اگر بتوانند طرح خود را از سامانه نان انتخاب کنند می‌توانند برای آن دانشجو بگیرند و خودشان دانشجو را انتخاب کنند. این امکان وجود دارد که براساس طرحی که وجود دارد ما برای آنها دانشجوی پسادکتری بگیریم که در اجرای پژوهش به آنها کمک کند. اگر طرح مستلزم نوع خاصی از همکاری باشد مثلا حضور در یک موسسه‌ای باشد یا اینکه راه‌اندازی دفتری باشد دانشگاه می‌تواند به این موضوعات نیز کمک کند.»

چالش ارتباطات بین‌المللی در کاهش تولیدات علمی موثر بوده است

رئیس دانشگاه علامه طباطبایی با تاکید بر اینکه همواره چاپ و داشتن مقاله و کمیت مقاله اهمیت داشته است، گفت: «البته کمیتی که همراه با کیفیت باشد؛ نه اینکه صرفا روی کمیت تمرکز داشته باشیم. یعنی درواقع مقالاتی که بتوانند در مجلات معتبر چاپ شوند. این موضوعات یک ارزش است چراکه وقتی قرار است قضاوتی درباره موضوعات دانشگاهی و رتبه کشورها شود یکی از شاخص‌های آن مقالاتی است که در چنین مجلاتی به چاپ می‌رسد. بنابراین اینکه ما بتوانیم مقالات بیشتری را در مجلات معتبر دنیا چاپ کنیم به نظر من بسیار پسندیده است.» معتمدی درباره علت کاهش رشد کمیت مقالات به «فرهیختگان» گفت: «اینکه چرا در سال‌های اخیر با کاهش مواجه بودیم شاید به این دلیل باشد که اعضای هیات‌علمی مشکلاتی برای ارتباطات بین‌المللی دارند. یعنی شرکت در همایش‌های بین‌المللی به دلیل مشکلات ارزی و... پیش می‌آید و گران بودن قیمت ارز شرایط سختی را ایجاد کرده است برای اینکه هیات‌علمی بتواند در محافل بین‌المللی به‌راحتی شرکت کند این خود مشکلاتی را در این زمینه ایجاد کرده است.» او با تاکید بر اینکه اساتید ما نمی‌توانند در محافل بین‌المللی شرکت کنند، افزود: «این موضوع قطعا بدون تاثیر نیست و روی به‌روز شدن دانش هیات‌علمی‌ها و ارسال مقاله برای نشست‌های علمی یا همایش‌های بین‌المللی تحت تاثیر قرار می‌گیرد و این محدودیت‌ها به دلیل مسائل مالی برای آنها ایجاد شده است. از سمت دیگر ممکن است بخشی از این کاهش به این دلیل باشد که در سال‌های اخیر تعداد دانشجویان ما در کل نسبت به سال‌های قبل کمتر شده است. یعنی ما از چهار میلیون دانشجویی که داشتیم امروز به جمعیت سه میلیون نفری در این حوزه رسیده‌ایم. بخشی از این کاهش طبیعتا در حوزه تحصیلات تکمیلی است. همچنین سیاست دانشگاه‌ها نیز در حوزه‌های مرتبط با شرط دفاع از پایان‌نامه و... تغییر کرده و این موضوع شاید در روند رشد مقالات تاثیرگذار بوده است.» رئیس دانشگاه علامه طباطبایی درباره لازمه افزایش کیفیت مقالات بیان کرد: «ما در ابتدا باید به مجلات خودمان از لحاظ کیفیت‌بخشی کمک کنیم. یکی از سیاست‌هایی که وزارت علوم در پیش گرفته این است که مجلات داخلی ما نمایه‌های بین‌المللی بگیرند. همین مساله باعث می‌شود تا مجلات به سمت استانداردسازی حرکت کرده و نمایه‌های بین‌المللی بگیرد. این مساله باعث می‌شود تا به همان نسبت سطح مقالاتی که می‌پذیرد و چاپ می‌کند بالاتر برود.» معتمدی خاطرنشان کرد: «از سمت دیگر نظام داوری و ارزیابی ما باید نظام جدی‌تری باشد که بتوانیم این سبک را حفظ کنیم. موارد دیگری از این مورد وجود دارد که گاهی اوقات ارتباطاتی وجود دارد که بدون توجه به کیفیت مقالاتی چاپ می‌شود و همین مهم در برخی موارد هزینه‌های زیادی که از دانشجوی دکتری می‌گیرند یا از طریق دیگر ممکن است مقالاتی را چاپ کنند که کیفیت لازم را نداشته باشد.»

رئیس دانشگاه تربیت مدرس:

فاصله مقالات با جامعه کاربردی زیاد است

فرهاد دانشجو، رئیس دانشگاه تربیت مدرس درباره کند شدن و کاهش روند رشد مقالات گفت: «دانشگاه تربیت مدرس با مشکل افت و کاهش مقالات روبه‌رو نیست. در سال ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲، ۱۶ درصد رشد مقالات داشتیم و درحال حاضر ارجاع به مقالات ما نزدیک به ۱۰ درصد رشد داشته است. بنابراین این مشکل برای دانشگاه تربیت مدرس که تحصیلات تکمیلی است وجود ندارد. تعداد مقالات Q1 و... ما هم افزایش داشته است.» رئیس دانشگاه تربیت مدرس درباره سیاستگذاری‌های خود برای دانشگاه عنوان کرد: «به این دلیل که ما دانشگاه تحصیلات تکمیلی هستیم، با تمام کمبودهایی که اساتید و دانشجویان دارند به این علت که باید تمامی دانشجویان ما پروژه‌ای برای کارشناسی‌ارشد انجام دهند و رساله‌ای داشته باشند، طبیعتا امکان اینکه مقالات با کیفیت بهتری ارائه دهیم، بیشتر از بقیه دانشگاه‌هاست. یکی از دلایل این موضوع همت خود اساتید و دانشجویان دانشگاه است که باعث می‌شود تا مقالات با کیفیتی تولید شود. اما در هر صورت ما هم با این خطر روبه‌رو هستیم چراکه اگر به تجهیزات آزمایشگاهی رسیدگی نشود تا سال آینده و با فرسودگی تجهیزات مقالات به‌روز و باکیفیتی مانند قبل نخواهیم داشت.» او با اشاره به اینکه دانشگاه ما ۲۹۹ گروه علمی و تخصصی دارد، افزود: «این گروه‌ها در حوزه و موضوعات خاص به خودش، فعالیت‌هایشان را انجام می‌کنند. اما آنچه را نمی‌توان از قلم انداخت اینکه مقالات در ارتقا و فارغ‌التحصیلی دانشجویان تاثیر بسیاری دارد. ما امکان بیشتری به آنها نداده‌ایم و اساتید و دانشجویان همت بیشتری از خودشان گذاشته‌اند؛ البته به دلیل مسائل مالی که وجود داشته نتوانستیم به آنها کمک کنیم.»

۱۰ درصد از بودجه دانشگاه از طریق قراردادها تامین شد

دانشجو درخصوص قراردادهای ارتباط با صنعت و مشارکت اساتید در آنها بیان کرد: «این مهم در دانشگاه ما نسبت به سال قبل رشد داشته اما نسبت به آرمان ما فاصله بسیاری داریم. در سال گذشته ۱۰ درصد بودجه ما از این طریق تامین شد. برای امسال هم پیش‌بینی‌مان تامین ۳۰ درصدی بودجه از طریق ارتباط با صنعت است. نکته‌ای که باید در اینجا به آن اشاره کرد اینکه این ارتباط دو طرف دارد، یک طرف صنعت و جامعه کاربردی و طرف دیگر دانشگاه‌هاست. در هر دو طرف مشکلاتی برای این تعامل فعالانه وجود دارد.» رئیس دانشگاه تربیت مدرس در همین زمینه افزود: «صنعت اعتماد لازم را ندارد و دانشگاه اعتماد لازم را به صنعت ندارد، در این شرایط طبیعتا این ارتباط بیشتر شود همکاری بیشتری صورت می‌گیرد و باید وزارتخانه‌ها و... این اعتماد را به وجود آورند.» او درخصوص سیاست‌های درپیش‌گرفته دانشگاه برای جذب اساتید به این قراردادها عنوان کرد: «این قراردادها در ارتقا و ترفیع و درآمد تاثیر دارد. منفعت علمی و مالی دارد و مهم‌تر از همه اینکه در بهبود کشور تاثیر می‌گذارد و می‌تواند مشکل کشور را حل کند. هرچند که نمی‌توان این مهم را هم نادیده گرفت که از خودگذشتگی و همت بیشتر اساتید و دانشجویان هم تا جایی امکان‌پذیر است و باید حمایت مالی بیشتری صورت گیرد ضمن اینکه منابع ما محدود است.» دانشجو در این مورد که کشور از لحاظ کمیت مقاله اشباع شده، گفت: «بحث کمیت و کیفیت مقاله اگر با نیازهای امروز و فردای کشور در ارتباط باشد، طبیعتا لازم است که دنبال شود. اگر نیازهای امروز ما توسط پروژه‌های تحلیلی درآورده شود و از بین آنها مقاله‌ای ایجاد شود قطعا اثرگذار است. باید نیازهای آینده پیش‌بینی شود. این نوع مقالات خوب است اما اگر مقالات به این صورت باشد که کسی به آن رجوع نکند، این خوب نیست. به هر صورت فاصله دانشگاه‌های ما با جامعه کاربردی و ارائه دستاوردهای علمی که از نتیجه مقالات کاربردی آمده است، فاصله زیادی است. شاید رشدی داشته باشد اما با آرمان‌های ما فاصله بسیاری دارد.»

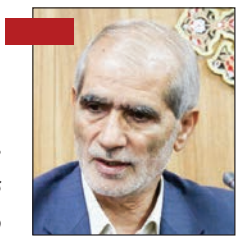

رئیس دانشگاه تبریز:

مأموریت‌گرایی دانشگاه‌ها به رشد کیفیت مقالات می‌انجامد

صفر نصرالله‌زاده، رئیس دانشگاه تبریز درباره رشد کمی مقالات ایران ولزوم حرکت به سمت کیفیت‌بخشی بیان کرد: «بخشی از این موضوع به نظر من به دلیل مشکلاتی است که در چاپ مقاله وجود دارد. برخی از اساتید ما در چاپ مقاله و سابمیت کردن مقالات و پیگیری آنها مشکلات و محدودیت‌هایی دارند که این موضوع تاثیرگذار است. بخش دیگر این است که درحال حاضر وزارت علوم بادقت برخی از مجلات را بررسی کرده و به‌عنوان مجلات کم‌اعتبار در سطح بین‌المللی کنار گذاشته است. در نتیجه به کیفیت مقالات بسیار توجه می‌کند و در این زمینه باید دقت زیادی صورت گیرد.» او در همین زمینه افزود: «با وجود اینکه امسال شاهد کمی افت در این زمینه هستیم اما شتاب ما کشور در این زمینه بد نیست. البته باید بگویم که وضع دانشگاه ما در این حوزه بسیار خوب بوده و افتی نداشتیم؛ تا جایی که در جایگاه دوم از لحاظ تعداد مقالات چاپ‌شده هستیم. یعنی اگر بخواهیم سرانه مقالات را در نظر بگیریم بعد از دانشگاه تربیت مدرس ما رتبه دوم را داریم و این موضوع نشان می‌دهد که دانشگاه ما رشد خوبی داشته است. در بحث کیفیت نیز در رتبه‌بندی دانشگاه تبریز تنها دانشگاهی است که ۲۰۰ پله رشد داشته است.»

دانشگاه‌های کشور در حوزه مقالات افت داشتند

او با اشاره به اینکه نمی‌توان گفت که کشور اشباع شده است، افزود: «واقعیت این است که ما درحال حاضر نزدیک به دو درصد تولید علم دنیا را در اختیار داریم. زمانی که رتبه ۱۵ را کسب می‌کنیم قطعا این موضوع به ما در حوزه تولید علم کمک می‌کند. منتها باید بحث کیفیت را بیشتر مورد توجه قرار داد. بسیاری از دانشگاه‌های ما امسال افت داشتند و باید این موضوع را بررسی کنیم. سال گذشته ۱۱ دانشگاه ما در رتبه‌بندی حضور داشتند که امسال به ۱۰ دانشگاه کاهش یافت. تقریبا جایگاه تمام دانشگاه‌های ما یا ثابت بودند یا افت داشتند.» نصرالله‌زاده درباره چگونگی رسیدن به افزایش کیفیت مقالات بیان کرد: «بحث آمایش آموزش عالی بسیار کمک‌کننده است. مأموریت‌گرایی دانشگاه‌ها نیز اهمیت دارد. بحث نیازمحور بودن رشته‌هایی که دانشگاه‌ها برمی‌دارند و آموزش مهارت به دانشجویان می‌تواند اثرگذار باشد. برخی از موضوعات برای رسیدن به سرمایه اجتماعی است. در بحث تشویق اساتید طرح‌های بسیار مهمی پیش آمده است. پایه‌های تشویقی به ۶۰ پایه رسیده است که زمینه‌های مختلفی را در بر می‌گیرد.»

آگهی مزایده حضوری

دستگاه مزایده‌گذار :
دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
موضوع مزایده حضوری :
فروش دو قطعه زمین هرکدام به متراژ ۱۰۰۰ متر مربع واقع در بلوار فردوس غرب (ناصر حجازی)، خیابان فرشته، کوچه وحدت
مهلت مراجعه برای اطلاع از شرایط مزایده و دریافت اسناد؛ (داشتن کارت ملی همراه متقاضی الزامی است)
از تاریخ ۱۴۰۲/۷/۱۵ لغایت ۱۴۰۲/۷/۲۶
تهران، میدان پونک، بلوار همیلا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، حوزه معاونت عمرانی، آقای مهندس مهدی‌زاده، تلفن تماس ۴۴۶۰۰۲۸۳ تلفن همراه : ۰۹۱۹۴۶۵۰۹۱۲
زمان برگزاری مزایده حضوری؛ ساعت ۰۹۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۷/۲۹
مکان برگزاری مزایده : تهران، خیابان آزادی، خیابان اسکندری شمالی، نبش خیابان فرصت شیرازی، دانشگاه آزاد اسلامی استان تهران.
دانشگاه در رد یا قبول پیشنهادات مختار و پرداخت هزینه آگهی به عهده برنده مزایده می‌باشد.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۰۰۱۶۰۰۶۳۲۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محمودآباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/خانم مریم عابدی فرزند سعادت به شماره شناسنامه ۱۲۶۴۲ صادره از تهران در دو دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی که نیم‌دانگ مشاع عرصه آن وقف می‌باشد (کاربری زراعی) به مساحت ۱۹۷ مترمربع پلاک ۸۲۵ فرعی از ۴۵ اصلی بخش ۱۰ واقع در خشت سر خریداری از مالک رسمی آقای مسلم قلی زاده محرز گردیده است. لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۲/۷/۱۵ تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۲/۷/۳۰ میم الف:۱۵۸۰۲۰۰
مهدی آزاد- رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۰۰۱۶۰۰۶۳۱۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محمودآباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/خانم محمدحسن گلذاری‌مقدم فرزند غفار به شماره شناسنامه ۲۵۷۲ صادره از قائمشهر در سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۰۰ متر مربع پلاک ۳۶۷۱ فرعی از ۱۴ اصلی بخش ۱۰ واقع در سوراخ مازو خریداری از مالک رسمی آقای محمد محمدزاده محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۲/۷/۱۵ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۲/۷/۳۰
میم الف:۱۵۸۰۱۹۶ مهدی آزاد - رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۰۰۱۶۰۰۶۳۱۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محمودآباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/خانم سعید فخرآئین فرزند خداشکر به شماره شناسنامه ۳۳۹۶۵ صادره از تهران در دو دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی نیم‌دانگ مشاع عرصه آن وقف می‌باشد (کاربری زراعی) به مساحت ۱۹۷ مترمربع پلاک ۸۲۵ فرعی از ۴۵ اصلی بخش ۱۰ واقع در خشت سر خریداری از مالک رسمی آقای مسلم قلی زاده محرز گردیده است. لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۲/۷/۱۵ تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۲/۷/۳۰ میم الف:۱۵۸۰۲۰۴
مهدی آزاد - رئیس ثبت اسناد و املاک

روزنامه فرهیختگان
صدای نخبگان
نگاه جوانان
FARHIKHTEGAN
فرهیختگان
FARHIKHTEGANONLINE
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

شنبه ۱۵ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۷۴
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

آمار ازدواج در میان فارغ‌التحصیلان کمتر از دانشگاه نرفته‌هاست

قوانین آموزشی دانشگاه ازدواج را تسهیل نمی‌کند

مطهره‌سادات قاسمی
خبرنگار گروه دانشگاه

خانواده به‌عنوان مبنایی‌ترین نهاد جامعه از محیط اطراف خود تاثیر می‌پذیرد اما نکته نگران‌کننده اینجاست که سال‌هاست زنگ خطر رو به سالمندی رفتن جمعیت کشور به صدا درآمده است اما هنوز هم آن‌طور که باید این مساله در فضای جامعه جدی گرفته نمی‌شود. البته برطرف شدن این معضل با بسترسازی دستگاه‌ها و مسئولان مربوط تحقق می‌یابد که در همین راستا مسئولیت تسهیل ازدواج جوانان و فرزندآوری را که مهم‌ترین راه‌حل معضل پیری جامعه است برخی سازمان‌ها و نهادها برعهده گرفته‌اند. یکی از این نهادها که بیشترین ظرفیت تعامل با جوانان در بازه زمانی مناسب برای ازدواج را دارد دانشگاه‌ها یا همان نظام آموزش عالی است که تشویق و تسهیل مسیر ازدواج و فرزندآوری جوانان را فراهم می‌کند. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با گردآوری پژوهشی مکتوب تاثیر نظام آموزش عالی بر نهاد خانواده را بررسی کرده است، هرچند به‌دلیل گستردگی نظام آموزش عالی در کشور این گزارش تنها بر وزارت علوم و در دو بخش مقررات آموزشی و خدمات رفاهی تمرکز کرده است. گزارش «فرهیختگان» از گزیده این پژوهش را در ادامه می‌خوانید.

دانشگاه ازدواج جوانان را به‌تعویق انداخته است؟

خانواده مبنایی‌ترین نهاد جامعه است و از دیگر نظامات اجتماعی تاثیر می‌پذیرد. یکی از این نظام‌ها که رشد چشمگیری در سال‌های اخیر داشته، نظام آموزش عالی است. سالنامه آماری سال ۱۳۹۹ نشان می‌دهد کل جمعیت هرگز ازدواج نکرده‌اند، زنان در گروه سنی ۲۵- ۲۰ سال حدود یک‌میلیون و ۳۷۰ هزار نفر و جمعیت مردان هرگز ازدواج نکرده در بازه سنی ۲۹- ۲۵ نیز حدود یک‌میلیون و ۹۰۰ هزار نفر برآورد شده‌اند. همچنین آمارهای جمعیتی سازمان ثبت احوال در سال ۱۳۹۹ میانگین سنی ازدواج زنان در کشور را ۲۳٫۴ سال اعلام کرد و گزارش طرح نیروی کار مرکز آمار نشان می‌دهد که ۷۳ درصد زنانی که در این سن هستند و وارد نظام تحصیلات دانشگاهی شده‌اند هرگز ازدواج نکرده و در مقابل تنها ۲۹ درصد از زنان ۲۳ ساله کشور دانشگاه نرفته، مجرد مانده‌اند. البته این درصد تجرد بالای افراد تحصیلکرده نسبت به افرادی که وارد نظام آموزش عالی نشده‌اند، بین مردان نیز وجود دارد و میانگین سن ازدواج مردان در کشور که ۲۷٫۶ سال است. ۷۰ درصد مردان ۲۷ ساله دانشگاه رفته ازدواج نکرده‌اند و در مقابل تنها ۴۹ درصد مردانی که وارد دانشگاه نشده‌اند، مجردند. هرچند نمی‌توان در این مساله صرفا نظام آموزش عالی را مقصر دانست، اما با توجه به اینکه دانشگاه‌ها بیشترین میزان مخاطب در سن ازدواج را دارند، ایجاد و تقویت فرصت‌ها در جهت کمک به تشکیل و استحکام خانواده و استفاده از ظرفیت‌های آموزشی و رفاهی آن می‌تواند به تقویت نهاد خانواده نیز کمک کند و عملکرد دو نهاد آموزشی و تربیتی خانواده و آموزش عالی در یک راستا قرار گیرند.

سنگ بزرگ مسیر تشویق به تشکیل خانواده نااطمینانی جوانان است

همان‌طور که گفته شد خانواده از مهم‌ترین و اصلی‌ترین نهادهای جامعه ایرانی است و کارکردهای گوناگونی همچون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد. یکی از کارکردهای فرهنگی آن جامعه‌پذیر کردن افراد است. در جوامع سنتی عمده این فرآیند در خانواده محقق می‌شد اما به‌مرور زمان نهادهای متعددی در جامعه تاسیس شد که در بخش‌هایی از وظایف خانواده شریک شدند و کارکردهای آن را تقبل کردند. در جامعه ایران آموزش‌وپرورش و آموزش عالی به‌عنوان دو نهاد مهم تربیتی درکنار خانواده، فرآیند جامعه‌پذیری افراد را برعهده دارند. این دو نهاد در دو بعد تربیت و آموزش دانش و مهارت، تاثیر زیادی بر افراد می‌گذارند. علاوه‌بر این، آموزش عالی و آموزش‌وپرورش بر نهاد خانواده نیز تاثیر می‌گذارند. به‌طوری‌که ویژگی‌های شخصیتی که هر فرد در خانواده کسب کرده بر استعدادها و اهداف آموزشی او تاثیر دارد. در ایران جوانان از ۱۸ تا ۲۸ سالگی در دانشگاه مشغول به تحصیل و تحقیق هستند، این بازه زمانی دقیقا سن ازدواج و فرزندآوری افراد است و به همین دلیل تاثیر دانشگاه بر دو شاخص مهم نهاد خانواده، یعنی ازدواج و فرزندآوری محل بحث و بررسی است. برخی اندیشمندان نااطمینانی را از عوامل به‌تعویق انداختن ازدواج مطرح می‌کنند. شناخت عوامل نااطمینانی به‌عنوان یکی از ملاک‌های مورد توجه در مقوله ازدواج در اولویت قرار دارد. درواقع نااطمینانی وضعیتی است که فرد از تحقق ملاک‌هایی که برای شروع و ادامه زندگی درنظر دارد، مطمئن نیست. این مساله از کمال‌گرایی و بالا بودن سطح توقعات برای شروع زندگی در افراد جامعه تا شرایط نابسامان اجتماعی- اقتصادی که باعث عدم اطمینان از تشکیل زندگی مستحکم و تامین هزینه‌های زندگیمی می‌شود، نشأت می‌گیرد. اما دوران دانشجویی با توجه به اقتضائات خاص خود مانند بالا بودن آمار ازدواج‌های موفق، پایین بودن سطح توقعات در این دوران و امکان ارائه خدمات رفاهی از سوی دانشگاه به دانشجویان متاهل تا حد قابل قبولی حس نااطمینانی را کاهش می‌دهد. درنتیجه حمایت از دانشجویان متاهل در راستای افزایش توانمندی اقتصادی می‌تواند در تصمیم جوانان برای شروع زندگی در دوران دانشجویی تعیین‌کننده باشد. اما این سوال مطرح می‌شود که آیا فضای حاکم بر دانشگاه‌های ما، برای افراد مجرد یا بدون فرزند، فشار اجتماعی ایجاد می‌کنند و فرد احساس می‌کند که درصورت تجرد و نداشتن فرزند به‌لحاظ ذهنی مورد تنبیه اجتماعی قرار می‌گیرد؟ به همین دلیل است که دانشگاه از جهت ساختاری نیز می‌تواند بر این مساله تاثیر بگذارد که پذیرش نقش خانوادگی اعم از همسری و والد شدن، به زمان و وقت نیاز دارد. علاوه‌بر این به جهت اهمیت خانواده، نهادهای اجتماعی هر جامعه نیز باید نقش خانوادگی افراد را به‌رسمیت شمارند و بر این اساس ساختارها و قوانین خود را تنظیم کنند. به همین دلیل ضروری است که تاثیر ساختار و مقررات دانشگاه بر ازدواج و فرزندآوری مورد بررسی قرار بگیرد. این مساله زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که نرخ باروری کل کشور در سال ۱۴۰۰ به ۱٫۷۱ و زیر سطح جانشینی رسیده است که به‌گفته جمعیت‌شناسان امکان بروز بحران سالمندی جمعیت در ایران وجود دارد، درحالی‌که از حدود ۱۳ میلیون جوان مجرد در کشور ۲٫۵ میلیون از آنان (تقریبا ۲۰ درصد) درحال تحصیل هستند.

یکی از مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار در کارآمدی دانشگاه، مقررات آموزشی است. این مقررات در قالب آیین‌نامه آموزشی توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برای چهار مقطع کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تدوین می‌شود. این مقررات با ساختار و الزاماتی که برای دانشجویان همراه می‌آورند می‌توانند نقش موثری بر تصمیم و رفتار دانشجویان در بعد ازدواج و فرزندآوری داشته باشند، به‌طوری‌که می‌توانند ایفای مسئولیت‌های نقش خانوادگی اعم از اقتصادی، اجتماعی و روانی را برای دانشجویان به‌رسمیت شمارند و به تسهیل شرایط بپردازند یا برعکس با نادیده گرفتن نقش خانوادگی دانشجویان، شرایط را برای ازدواج و فرزندآوری دشوار کنند.

علاوه‌بر مقررات آموزشی، نظام دانشگاهی در کشور خدمات رفاهی را برای دانشجویان فراهم می‌کند. برخی از این خدمات در جهت حمایت از دانشجویان متأهل و دارای فرزند است. در این زمینه، قوانین بسیاری همچون مواد ۲۲ و ۷ قانون جوانی جمعیت و حمایت از خانواده وجود دارد که دانشگاه را ملزم به ارائه خدمات رفاهی به دانشجویان کرده است.

تدوین مقررات در محور خانواده وظیفه اصلی آموزش عالی

یکی از مهم‌ترین بخش‌های نهاد آموزش عالی، مقررات آموزشی هستند. این مقررات گستردگی زیادی دارند و ساختار کلی نظام دانشگاهی را شکل می‌دهند. به همین جهت با توجه به آمارها و فرضیاتی که درخصوص رابطه نهاد خانواده و آموزش عالی مطرح شد، یکی از بررسی‌های مهم، تاثیر این قوانین بر دو شاخص فرزندآوری و ازدواج است. درواقع سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در سطح آموزش عالی به عهده نهادهایی چون مجلس شورای اسلامی، هیات دولت و شورای عالی انقلاب فرهنگی است. وزارت علوم و شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی نیز وظیفه سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در سطح وزارتی را برعهده دارد. این مقررات گستردگی زیادی دارند و ساختار کلی نظام دانشگاهی را شکل می‌دهند. علاوه‌بر قوانین آموزشی که وزارت علوم در قالب آیین‌نامه به دانشگاه‌ها ابلاغ می‌کند؛ در برخی از قوانین و احکام آموزشی دانشگاه‌ها، قانون حمایت از خانواده و جوانی نیز در نظر گرفته شده است. این قوانین و احکام در بخش میهمانی، انتقالی، مرخصی و آموزش مجازی مادران دانشجو تنظیم شده‌اند. برای مثال طبق بند الف و ب ماده (۲۶) این قانون مرخصی مادران دانشجو به پنج ترم افزایش یافته است. همچنین دانشگاه‌ها مکلف شده‌اند با درخواست مادر باردار یا دارای فرزند زیر سه سال برای آموزش مجازی موافقت کنند. علاوه‌بر این باید با تقاضای این مادران نیز به مدت دو سال میهمان، مساعدت شود.

شرایطی که مقررات و آیین‌نامه‌های آموزشی برای دانشجو ایجاد می‌کند، می‌تواند بر رفتار خانوادگی وی تاثیر گذارد و باعث به وجود آمدن موقعیت تعارض نقش دانشجویی و خانوادگی شود. به‌طوری‌که شرایط را برای تشکیل خانواده سخت سازد. البته که اسناد بالادستی نیز به این نکته توجه داشتند و در زیرمجموعه اصول و مبانی سند دانشگاه اسلامی بر ارتقای جایگاه هدایتگر خانواده در تعالی بخشی علمی و فرهنگی دانشجویان تاکید و در راستای اهتمام بر اصل خانواده محوری و ترویج و تسهیل ازدواج دانشجویی و تبیین موازین دینی و اخلاقی ارتباط مشروع و برقراری محرمیت حسب شرایط و مقتضیات در جهت رفع نیازهای معقول و واقعی دانشجویان، هشت اقدام تعریف کرده است که تشویق و ترغیب به ازدواج آسان و فرزندآوری و تامین امکانات و منابع مورد نیاز ازدواج جوانان از آن جمله است. در نتیجه حمایت مسئولان و همکاران و سیاست‌های خانواده‌دوست مانند منعطف کردن ساعت کاری و مرخصی برای پدر و مادرها، بر تعادل بین کار و خانواده تاثیر می‌گذارد. اما بررسی آیین‌نامه‌ها در این زمینه نشان می‌دهد سایه چالش‌هایی مانند عدم انعطاف‌پذیری، عدم توجه به هر دو والد، ایجاد زمینه برخورد سلیقه‌ای مسئولان دانشگاه با شرایط تاهل و فرزندآوری دانشجویان، تعارض ارزش‌ها و یکسان‌نگری بین افراد مجرد و متاهل بر سر افزایش ازدواج و فرزندآوری بین جوانان وجود دارد.

جای خالی انعطاف‌پذیری و توجه به هر دو والد در قوانین

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های قوانین خانواده محور انعطاف‌پذیری است. به این معنا که آموزش عالی باید به افراد این اجازه را بدهد استقلال و کنترل بیشتری بر وقت خود داشته باشد تا بتوانند بین نقش خانوادگی و اجتماعی خوی تعادل ایجاد کنند. به همین دلیل با توجه به تحولات اجتماعی و اهمیت سن ورود به شغل در مقوله ازدواج این ضرورت وجود دارد که دانشگاه در کنار دوره‌های کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری، دوره‌های آموزشی با بازه زمانی محدودتر و کاربردی‌تر طراحی کند تا دانشجویان بتوانند با توجه به شرایط آموزش‌های ضروری را در کمترین زمان ممکن دریافت کنند. توجه به هر دو والد یکی دیگر از شاخص‌های قوانین خانواده‌محور است که جای خالی آن در قوانین آموزشی کشور احساس می‌شود و به این معنا است که در آیین‌نامه‌ها بیشتر امتیازات آموزشی برای مادران در نظر گرفته می‌شود، درحالی‌که عدم توجه به نقش پدر در خانواده و تمرکز بیش از حد بر مادران می‌تواند نتایج منفی به دنبال داشته باشد. برای مثال تمرکز یک‌سویه باعث فشار مسئولیت بیش از حد به مادر و کمرنگ شدن مشارکت مرد در خانواده می‌شود. همچنین واگذاری بسیاری از تصمیم‌ها به دانشگاه و اساتید هرچند استقلال این بستر آموزشی را نشان می‌دهد اما از آنجایی که تصمیم‌های اساتید در تعارض با نقش خانوادگی آنها قرار می‌گیرد درنهایت باعث ایجاد رویکردهای سلیقه‌ای خواهد شد. مجموعه قوانین یک کشور به‌خصوص قوانینی که مردم با آن ارتباط مستقیم دارند می‌توانند ترویج‌کننده یک ارزش مطلوب در جامعه باشند. درخصوص موضوع خانواده نیز زمانی که بسیاری از اسناد بالادستی کشور مانند قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام بر ارزشمندی نقش مادری و خانوادگی تاکید دارند، آیین‌نامه‌ها و قوانین باید این ارزش را بازنمایی کنند.

یکسان‌نگری چالش بزرگ ضوابط دانشگاهی

مساله دیگری که بر خلاف قوانین خانواده‌محور در این قوانین وجود دارد، یکسان‌نگری بین افراد مجرد و متاهل است. زیرا با وجود تفاوت در شرایط و نقش‌های متفاوت افراد متاهل در محیط خانواده و اجتماع، ضوابط حضور اجتماعی آنان نسبت به دانشجویان مجرد متفاوت تدوین نشده است. به‌طور کلی مقررات آموزشی به جز در موارد مرخصی زایمان و انتقالی تحصیلی، بین دانشجویان متاهل و مجرد تفاوتی قائل نشده است. درحالی‌که مسئولان می‌توانند درمورد تعداد غیبت‌های مجاز، طول مدت تحصیل و سنوات، شهریه دانشگاه و... با اعمال تفاوت‌هایی در بین این دوگروه از دانشجویان شرایط منعطف‌تری برای دانشجویان متاهل فراهم سازند.

کیفیت خدمت‌رسانی مولفه مهم خدمات رفاهی دانشگاه‌ها

خدمات رفاهی بعد دیگر نظام دانشجویی است که بر شرایط دانشجویان تاثیر می‌گذارد. در واقع این خدمات در کنار ایجاد مقررات آموزشی خانواده محور، شرایط تحصیل را برای دانشجویان متاهل تسهیل می‌کند. در نهاد دانشگاهی ایران خوابگاه متاهلی، وام ودیعه مسکن و وام ضروری ویژه فرزندآوری و ازدواج، خدمات نگهداری کودک در کنار تسهیلاتی که از سوی نهاد رهبری در دانشگاه‌ها به دانشجویان متاهل تعلق می‌گیرد، به قانون تبدیل شده‌اند. البته تحقق هرکدام از این خدمات نیاز به مولفه‌های مهمی مانند کیفیت خدمت‌رسانی دارند. مساله مهم در اجرای این قوانین عدم بازبینی در اولویت‌های اقدام‌ها و برنامه‌های اجرایی دانشگاه‌هاست که با محوریت خانواده صورت نگرفته است.

۹ اقدام پیشنهادی برای بهبود وضعیت ازدواج دانشجویان

با توجه به مسائلی که مطرح شد برای حل مساله ازدواج و چالش‌های آن می‌توان چند روش را در پیش گرفت.

۱ بازنگری در آیین‌نامه‌های قدیمی یکی از ضرورت‌های اصلاح مسیر کنونی دانشگاه‌هاست. از این رو تشکیل دفتر مرکزی حمایت خانواده با چنین هدفی یکی از پیشنهادات مرکز پژوهش‌هاست.

۲ با به دنیا آمدن فرزند نیاز به حضور پدر در کنار خانواده به‌شدت احساس می‌شود، مرخصی والد شدن برای دانشجویان پسر و اعضای هیات‌علمی به‌طوری‌که این مرخصی به‌مدت یک ترم بدون احتساب در سنوات درنظر گرفته شود در این زمینه دارای اهمیت بسیاری است.

۳ گسترش شیوه‌های مختلف آموزشی مانند آموزش مجازی می‌تواند به ادامه تحصیل جوانان دور از فضای دانشگاه کمک کند به همین جهت فراهم کردن زیرساخت‌های آموزش مجازی به‌خصوص در دروس عمومی و تئوری برای دانشجویان دارای فرزند می‌تواند تاثیر گذار باشد.

۴ انعطاف‌پذیر کردن بازه زمانی ثبت نمرات پایان ترم در مقاطع تحصیلات تکمیلی که دانشجویان ملزم به ارائه پروژه و تحقیق هستند نیز از دیگر پیشنهادات مرکز پژوهش‌های مجلس به‌شمار می‌رود.

۵ ارائه واحدهای تابستانی هم می‌تواند به کاهش فشار درسی دانشجویان متاهل کمک کند.

۶ اعضای هیات‌علمی به‌دلیل ماموریت و تصدی، پست‌های سیاسی نیمه‌حضوری را برمی‌گزینند و از مزایای مرخصی سالیانه تمام‌وقت و احتساب سابقه خدمت بهره‌مند می‌شوند، به همین دلیل این امتیاز را می‌توان برای بانوانی که مادر می‌شوند نیز قائل شد.

۷ درخصوص خدمات رفاهی ساخت خوابگاه متاهلی می‌تواند در زمره اهداف بلندمدت تلقی شود، اما تخصیص وام ودیعه مسکن در کوتاه‌مدت نیز امکان عملیاتی شدن دارد. به همین دلیل در راستای تعیین اولویت در ارائه خدمات رفاهی می‌توان به تخصیص بودجه بیشتر برای افزایش وام ودیعه مسکن اقدام کرد.

۸ طبیعتا به‌دنیا آمدن فرزند باعث افزایش هزینه‌های خانواده خواهد شد، تخفیف در شهریه یک ترم دانشگاه برای دانشجویانی که متاهل یا دارای فرزند می‌شوند به اقتصاد خانواده و تشویق به فرزندآوری کمک خواهد کرد.

۹ کاهش طول دوره آموزش کارشناسی در راستای کاهش سن ورود به اشتغال جوانان و امکان افزایش سنوات برای دانشجویان متاهل و دارای فرزند که در مدت زمان معلوم موفق به تکمیل دوره تحصیلی خود نشده‌اند نیز از جمله پیشنهادات مرکز پژوهش‌هاست.

نیمکت

۴۳ درصد داوطلبان امکان ورود به دانشگاه را پیدا کردند

رئیس سازمان سنجش آموزش کشور از قبولی ۴۸۲ هزار و ۵۹۹ داوطلب در رشته‌های مختلف تحصیلی دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی آزمون سراسری سال ۱۴۰۲ خبر داد. عبدالرسول پورعباس، با اعلام این خبر درباره تعداد پذیرفته‌شدگان در آزمون سراسری سال ۱۴۰۲، گفت: «در آزمون سراسری سال ۱۴۰۲ کلیه دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و چهار رشته دانشگاه آزاد تعداد ۴۸۲ هزار و ۵۹۹ داوطلب قبول شده‌اند که از این تعداد ۱۸۹ هزار و ۸۴۰ داوطلب در رشته‌های تحصیلی با آزمون و ۲۹۲ هزار و ۷۵۹ داوطلب در پذیرش صرفا براساس سوابق تحصیلی پذیرفته شده‌اند که حدود ۶۱ درصد پذیرفته‌شدگان زن و حدود ۳۹ درصد مرد هستند. پذیرفته‌شدگان از تاریخ ۱۷ مهر ماه به درگاه اطلاع‌رسانی دانشگاه یا موسسه آموزش عالی محل قبولی خود مراجعه کنند.» وی گفت: «برای همه متقاضیانی که فرم انتخاب رشته خود را تکمیل نموده‌اند، کارنامه علمی حاوی رتبه داوطلب در هر یک از کدرشته‌محل‌های انتخابی در بین متقاضیان کدرشته‌محل مزبور در سهمیه مربوط و همچنین رتبه آخرین نفر پذیرفته‌شده در کدرشته‌محل‌های انتخابی تا اولویت رشته‌محل قبولی، حداکثر تا تاریخ ۲۵ مهر ماه تهیه و در درگاه اطلاع‌رسانی این سازمان قرار داده خواهد شد.» این بدان معنی است که در کنکور ۱۴۰۲، از میان یک میلیون و ۱۱۹ هزار و ۴۳۶ شرکت کننده، ۴۳ درصد امکان ورود به دانشگاه را پیدا کردند.

آیین‌نامه تشکیل مراکز مشاوره و سبک زندگی دانشجویان اصلاح شد

به تازگی آیین‌نامه تشکیل مراکز مشاوره و سبک زندگی دانشجویان، اصلاح و توسط وزیر علوم به تمام دانشگاه‌ها ابلاغ شده است. ابراهیم نعیمی، مدیرکل دفتر مشاوره، سلامت و سبک زندگی سازمان امور دانشجویان در گفت‌وگو با ایسنا، اظهار کرد: «به تازگی آیین‌نامه تشکیل مراکز مشاوره و سبک زندگی دانشجویان، اصلاح و توسط وزیر علوم به تمام دانشگاه‌ها ابلاغ شده است. در این آیین‌نامه، «کانون دانشجویی همیاران سلامت» به‌عنوان ذیل مرکز مشاوره در نظر گرفته شده است که با هماهنگی مدیر مرکز مشاوره برنامه‌های متعددی مانند انتشار نشریه، بروشور و... را می‌تواند برنامه‌ریزی و اجرا کند.» وی در رابطه با مشکلات اقتصادی دانشجویان و برنامه‌های سازمان دانشجویان در این خصوص گفت: «این موضوع که دانشجویان نیاز به افزایش مهارت‌های مختلف دارند تا بتوانند از طریق یادگیری آن مهارت‌ها حداقل کسب درآمد را داشته باشند، موضوع درستی است، اما معاونت فرهنگی وزارت علوم در هماهنگی با بخش‌های دیگر از جمله سازمان فنی و حرفه‌ای اقداماتی را آغاز کرده و لذا به جهت اینکه موازی‌کاری صورت نگیرد ما دیگر وارد این حوزه نشده‌ایم، اما معاونت فرهنگی حوزه ریاست وزارت علوم طرح و برنامه‌هایی دارد تا دانشجویان، به‌خصوص دانشجویان خوابگاهی، در اوقات فراغتی که دارند مهارت‌هایی را فراگیرند.»

بخش عملی آزمون صلاحیت بالینی دندانپزشکی ۲۰ مهر برگزار می‌شود

دبیر شورای آموزش دندانپزشکی و تخصصی با اشاره به برگزاری آزمون صلاحیت بالینی با هدف ارتقای کیفیت آموزش دندانپزشکی عمومی از برگزاری بخش عملی آزمون در ۲۰ مهرماه خبر داد. رضا یزدانی گفت: «آزمون تئوری صلاحیت بالینی در ۹ مهرماه ۱۴۰۲ برگزار شد و آزمون عملی صلاحیت بالینی در ۲۰ مهرماه برگزار خواهد شد.» وی افزود: «براساس بازنگری در برنامه آموزش دندانپزشکی عمومی در سال ۱۳۹۶، مقرر شد دانشجویان ورودی سال ۹۷، بعد از گذراندن ۱۸۰ واحد درسی در آزمون جامع دندانپزشکی شرکت کنند که در واقع این آزمون بعد از پایان ترم ۱۰ و قبل از ورود به مرحله انترنی برگزار می‌شود. با توجه به ماهیت بالینی و پزشکی، آزمون جامع دندانپزشکی در سال ۱۳۹۹ به آزمون صلاحیت بالینی تغییر نام پیدا کرد.» وی با اشاره به برنامه‌ریزی فشرده و مستمر برای برگزاری آزمون صلاحیت بالینی رشته دندانپزشکی، تصریح کرد: «آزمون تئوری صلاحیت بالینی در قالب ۶۰ سوال به صورت الکترونیک برگزار شد و حد قبولی برای شرکت در آزمون عملی، ۷۰ درصد اعلام شد. البته یک امتیاز بزرگ برای دانشجویان دندانپزشکی این است که افراد تا پایان دوره تحصیل خود می‌توانند در این آزمون شرکت کنند ولی شرط فارغ‌التحصیلی، موفقیت در این آزمون است.»

برنامه وزارت علوم برای ارتباط با نخبگان و محققان ایرانی خارج کشور

رئیس مرکز همکاری‌های علمی و بین‌المللی وزارت علوم برنامه‌های کارگروه علمی شورای عالی ایرانیان خارج از کشور را تشریح کرد. وحید حدادی‌اصل در گفت‌وگو با مهر گفت: «مسئول شورای عالی ایرانیان خارج از کشور، رئیس جمهور است و این شورا خود چند کارگروه دارد که یک کارگروه علمی آن زیر نظر وزارت علوم است که خود این کارگروه نیز شامل وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، وزارت علوم، سازمان نظام وظیفه و تعدادی سازمان‌های دیگر می‌شود.» وی ادامه داد: «کار ما این است که مشکلات دانشجویان و دانشمندان خارج کشور را برای همکاری در حوزه علمی و فناوری رفع کنیم و اصلا بحث این نیست که این افراد حتما باید بازگشته و در ایران بمانند، اختیار با خود آنها است. البته اگر بیایند بیشتر همکاری و حمایت می‌کنیم اما در صورتی‌که نتوانند برگردند نیز ما تمایل به همکاری با آنها داریم.» رئیس مرکز همکاری‌های علمی و بین‌المللی وزارت علوم گفت: «ما این افراد را یکی یکی شناسایی کرده و خواسته آنها را دریافت می‌کنیم، ارتباط آنها را با اساتید داخلی برقرار می‌کنیم. ما معتقدیم ایرانیان خارج از کشور یکی از استان‌های ما در خارج از کشور هستند و می‌توانیم از وجود آنها استفاده کنیم.»

شنبه ۱۵ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۷۴
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

نرگس محمدی زندانی سیاسی ایرانی جایزه نوبل صلح گرفت؛ کسی که پیش از این خواهان تحریم‌های اقتصادی علیه ایران بود

جایزه تحریم طلبی را کی توزیع می‌کنید؟

علی مزروعی
خبرنگار گروه نقدروز

نرگس محمدی برنده جایزه صلح نوبل ۲۰۲۳ شد. شخصیتی که به قدری در جهان ناشناخته است که برخی رسانه‌های دنیا به اشتباه به جای عکس او عکس نرگس محمدی، بازیگر تلویزیون را در متن خبرشان درج کردند. این البته تنها زن ناشناخته‌ای نیست که نامش در زمره برندگان جایزه صلح نوبل درآمده است. لیست اسامی جایزه نوبل را که مرور کنید متوجه می‌شوید ویژگی مشترک زنانی که در کشورهای مسلمان ساکنند و برنده جایزه می‌شوند این است که تحت عنوان دفاع از حقوق بشر یا حقوق زنان علیه دولت حاکم آن کشور فعالیت می‌کنند امری که برای کشورهای غربی برعکس است. گویی در آن کشورها مشکلات حقوق بشری توسط یک زن شناخته‌شده که مقامی رسمی دارد حل شده است. بر طبق همین قاعده جایزه نوبل این بار به نرگس محمدی داده شده تا به‌نوعی فعالیت های ضدایرانی او که زیر پرچم ادعایی حقوق بشر صورت می‌گیرد الگوسازی شود. نرگس محمدی عضو کانون مدافعان حقوق بشر است. کانون ضدایرانی که ریاستش برعهده شیرین عبادی برنده سال ۲۰۰۳ جایزه صلح نوبل است. فعالیت‌های ضدایرانی یک سال اخیر شیرین عبادی و تلاش او برای تحریم ایران گواه دیگری است که نشان می‌دهد لازمه دریافت جایزه صلح نوبل از دست کارگزاران امنیتی آن تلاش هرچه بیشتر برای اقدامات ضدبشری و جنگ‌طلبانه است نه صلح‌طلبانه. به همین دلیل نیز شیمون پرز، اسحاق رابین، جیمی کارتر و حتی آنگ سان سوچی که به حمایت از نسل‌کشی در میانمار متهم است شایسته دریافت این جایزه شده‌اند. بنیاد نوبل بعد از آنکه بهانه‌ای برای دادن جایزه صلح به چرچیل، نخست‌وزیر وقت انگلستان در جنگ جهانی دوم پیدا نکرده در بخش ادبیات او را شایسته دریافت جایزه شناسایی کرد. حالا اما بهانه‌ها برای جایزه دادن به محمدی حتما بیشتر از چرچیل است.

نرگس محمدی که رسانه‌های غربی می‌خواهند ما ببینیم؟!

یک هفته پیش بود که نرگس محمدی، بازیگر ایرانی توانست جایزه بهترین بازیگر زن را در جشنواره بین‌المللی فیلم جاده ابریشم چین بابت بازی در فیلم «سلوک» به کارگردانی عباس رافعی به دست آورد و آن را با بغض تقدیم کرد به «مردم شریف ایران» واضح است که نهادهای امنیتی غربی که در یک سال گذشته تمام تلاش‌شان را برای به تعطیلی کشیدن فرهنگ و هنر کشور به کار گرفته بودند از رسیدن پیام موفقیت نرگس محمدی به گوش مردم دلخوشی نداشته باشند. به همین دلیل نیز تمام تلاش خود را به کار گرفتند تا یک روایت دیگر از زنانی ارائه دهند که در ایران زیست می‌کنند. روایتی که مطابق آن زنان ایرانی زیر بار انبوه شکنجه‌ها و ناعدالتی‌ها هستند. برای ساختن این روایت جعلی نیز تمام مجرمان سیاسی و اجتماعی در زندان‌های ایرانی به نفع رسانه‌های غربی مصادره به مطلوب می‌شوند. یک بار محمدمهدی کرمی برای رسانه‌های غربی تبدیل به دستاویز می‌شود و آنها بدون اینکه اشاره کنند او قاتل شهید عجمیان است برایش اشک تمساح می‌ریزند، یک روز هم نرگس محمدی نامی پیدا می‌شود تا همین نقش را ایفا کند. فردی که چوب خط اقداماتش علیه کشور پر شده و از حامیان تحریم ایران محسوب می‌شود از جانب نهادهای امنیتی غربی شایسته دریافت جایزه نوبل شناخته می‌شود تا به هر طریقی شده جایی در سرتیتر رسانه‌های غربی پیدا کند ولو اگر این شخصیت به‌قدری ناشناخته باشد که این رسانه‌ها حتی عکسش را هم با نرگس محمدی بازیگر اشتباه بگیرند.

تو رو خدا منو بندازید زندان

فیلم مشهور «فرار از زندان» را احتمالا به خاطر دارید که در آن مایکل اسکافیلد، شخصیت اصلی داستان برای فراری دادن برادرش از زندان طرح‌ریزی می‌کند و به همین دلیل نیز به ترفندی خود را در معرض دستگیری قرار می‌دهد. نرگس محمدی اما انگار از این سریال چندقسمتی فقط همین چند سکانس را دیده به همین دلیل نیز تلاش می‌کند تا مدام آن را بازسازی کند. او با اقدامات مکرر علیه کشور این پیام را به نهادهای امنیتی و قضایی سلطع می‌کرد که من را دستگیر کنید. پس از ورود به زندان پروژه فضاسازی رسانه‌ای آغاز می‌شود. نرگس محمدی زیر شکنجه، نرگس محمدی و جدایی از فرزند و ده‌ها عبارت دیگر که همگی مظلوم‌نمایی نرگس محمدی را هدف قرار داده‌اند در رسانه‌های معاند تیتر می‌شود و همزمان چهره‌های معلوم‌الحالی همچون شیرین عبادی که در آشوب‌های اخیر نقش موثری داشتند نیز برای دادن جایزه‌های سوری به او تلاش می‌کنند.

تلاش برای گرفتن صلح نوبل

نرگس محمدی که پیش از این یک بار مشمول رأفت اسلامی شده بارها به‌واسطه اقدامات ضدامنیتی خبرساز شده و هم‌اکنون هم به جرم اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور در زندان به سر می‌برد و دوران محکومیت خود را سپری می‌کند. ۲۱ شهریور در حساب اینستاگرامی منتسب به نرگس محمدی با انتشار مطلبی ادعا شد که این فرد در محل بهداری زندان مورد ضرب و شتم قرار گرفته است که این موضوع به سوژه جدید رسانه‌های معاند تبدیل شد. پس از این موضوع، روابط عمومی سازمان زندان‌ها هرگونه ادعایی از سوی نرگس محمدی مبنی بر ایراد ضرب و شتم درمورد این فرد را تکذیب و اعلام کرد این ادعاها به هیچ وجه صحت ندارد. درحالی‌که رسانه‌های خارج نشین با ادعاهای بی‌پایه و اساس درمورد اعمال خشونت علیه نرگس محمدی و عدم اجازه به او برای تماس با خانواده‌اش سعی دارند مجسمه مظلومیت از او بتراشند خود محمدی نیز با رفتارهای مشکوک سعی در تکمیل تمثال مظلومانه خود دارد. او در طی هفت ماه گذشته از حق مرخصی قانونی خود از زندان استفاده نکرده و از خانواده و وکلای خود نیز خواسته برای خروج از زندان کفیل وی نشوند. محمدی همچنین از فرصت‌های درمانی داخل زندان استفاده نمی‌کند، دائما درحال طراحی و اجرای اقداماتی خلاف نظم زندان و برهم‌زننده فضای آرامش سایر زندانیان است و اقدامات دامنه‌دار تبلیغی را آغاز کرده که شامل دروغ‌هایی همچون تهدید جانی وی در زندان و مواردی از این دست می‌شود.

برای یافتن دلیل بروز این رفتارهای عجیب کافی است خبر اتفاق روز گذشته را مرور کنید. «نرگس محمدی برنده جایزه صلح نوبل ۲۰۲۳ شد.» پیش از این برخی اخبار درمورد ارسال پیام‌هایی از سمت شیرین عبادی و عبدالکریم لاهیجی به نرگس محمدی در رسانه‌ها منتشر شده بود که نشان می‌داد به نرگس محمدی این وعده داده شده است که اگر رفتارهای تند و افراطی خود را تشدید کند، آنها می‌توانند نظر اعضای کمیته نوبل برای اعطای این جایزه سیاسی به وی را جلب کنند. بر این اساس برای نرگس محمدی دستورالعمل‌هایی تهیه شده که وی طی چند ماه گذشته درحال اجرای آنها بوده تا بتواند نظر اعضای کمیته نوبل را جذب و این جایزه را نصیب خود کند. عدم استفاده از حق مرخصی یا فرصت‌های درمانی داخل زندان و همچنین اصرار به ایجاد تشنج و ناآرامی و اقدامات رسانه‌ای علیه کشور همگی رفتارهایی است که در سودای دستیابی به جایزه امنیتی نوبل توسط نرگس محمدی بروز داده می‌شد و این واقعیت روز گذشته کاملاً آشکار شد. همچنین به‌واسطه حضور فرزندان نرگس محمدی در خارج از کشور، وی طی ماه‌های گذشته و با مساعدت و همکاری مقامات زندان حتی اجازه استفاده از تلفن همراه به‌صورت محدود و صرفا برای تماس با فرزندان خود را داشته، اما از همین امکان برای پیشبرد اهداف خود در کسب جایزه صلح نوبل و پیشبرد بازی طراحی شده سوءاستفاده کرده است.

شیرین عبادی، استاد جایزه‌بگیر محمدی

بعد از شیرین عبادی نرگس محمدی دومین زن ایرانی است که بنیاد به‌ظاهر علمی نوبل به او جایزه صلح داده است. شیرین عبادی، رئیس کانون مدافعان حقوق بشر است که در سال ۲۰۰۳ یعنی همان سالی که آمریکا به عراق حمله کرد به دلیل آنچه «تلاش برای ترویج مردم‌سالاری و رعایت حقوق بشر به‌ویژه در مورد حقوق زنان و کودکان» موفق به دریافت جایزه صلح نوبل شده است. حال بعد از گذشت ۲۰ سال درحالی‌که مردم ایران تحت شدیدترین تحریم‌های ضدحقوق بشری آمریکا و کشورهای غربی هستند نرگس محمدی که در کانون مدافعان حقوق بشر عضویت دارد و به‌نوعی شاگرد او محسوب می‌شود به دلیل آنچه «مبارزه علیه سرکوب زنان و تلاش برای تقویت و تحکیم حقوق بشر و آزادی برای همگان» خوانده شده است از جانب کمیته صلح نوبل شایسته دریافت این جایزه اعلام شد. دلیل این انتخاب را نیز می‌توان در اظهارات رئیس این کمیته یافت؛ «شعار زن‌زندگی‌آزادی معترضان به‌درستی بیانگر فداکاری و کار نرگس محمدی است.» محمدی و عبادی درحالی جایزه صلح نوبل را دریافت کرده‌اند که با حمایت از تحریم‌های گسترده علیه مردم کشورشان و علیه حقوق بشر شمشیر گشوده‌اند درست همان‌طور که چهره‌هایی همچون جیمی کارتر، چرچیل و اسحاق رابین جایزه صلح نوبل را صاحب شدند تا نشان دهند برخلاف ادعای صاحبان جایزه لازمه دریافت این جایزه تقابل هرچه بیشتر با صلح و حقوق بشر است.

فقط اسمش صلح است

فاطمه بریمانی‌ورندی
خبرنگار گروه نقد روز

زن مطلوب کیست؟ زن فعال سوژه‌محوری که در ادبیات غرب از آن به‌عنوان الگویی برجسته یاد می‌شود چه ویژگی‌هایی دارد؟ آنچه زن را از جنس دیگرش متمایز کرده و به آن ارزش و قدرت بیشتری می‌بخشد، شاید همان چیزی است که غربی‌ها از آن به‌عنوان مصداق زن اکتیویست یاد می‌کنند. سرنوشت اکتیویست‌ها چیست؟ شاید ته‌تهش جایزه صلح نوبل و الگوسازی از آنها. الگویی که زیر چرخ‌دنده‌های نظام سرمایه‌داری غرب له می‌شود. شاید اگر کسی در کارنامه فعالیتش جایزه صلح نوبل درج شده باشد، فکر کنیم دیگر به هر آنچه بنا بود در زندگی دست پیدا کند، رسید. اما سال‌هاست که این جایزه از اعتبار خود افتاده است. البته اگر از ابتدا برای آن اعتبار قائل باشیم. جایزه صلح نوبل به کسی اهدا می‌شود که بیشترین یا بهترین کار را برای دوستی بین ملت‌ها، لغو یا کاهش رویارویی‌های نظامی یا تشکیل و ترغیب همایش‌های صلح انجام داده باشد. اما اینکه شیمون پرز و چرچیل هم در لیست کسانی که آن را دریافت کرده‌اند قرار بگیرند، اندکی سنجه‌های ارزیابی را دچار تشکیک می‌کند. تا به امروز از ایران دو زن توانستند این جایزه را از آن خود کنند؛ شیرین عبادی، فعال حقوق بشر در سال ۲۰۰۳ و نرگس محمدی که با همین عنوان امسال برنده آن شد. اما بررسی اینکه تا به الان چه کسانی و به چه دلیل با این جایزه به‌عنوان الگو معرفی شده‌اند، موضوع حائز اهمیتی است. حالا اهدای این جایزه به نرگس محمدی با هزار «اما» و «اگر» همراه است که در ادامه بخشی از این پازل مبهم را بررسی می‌کنیم.

جایزه باید ارزش بردن داشته باشد

جایزه صلح نوبل به شش حوزه و از سال‌ها قبل با اضافه شدن بخش «رسانه» به هفت حوزه اختصاص داده می‌شود. اگر بخواهیم از جوایز فیزیک و شیمی که به مکتشفان و محققان این علوم اختصاص می‌یابد، گذر کنیم، جوایزی که ذیل صلح و حقوق بشر به نامزدها اختصاص داده می‌شود، همواره محل مناقشه بوده است. شاید لازم است با بررسی سابقه افرادی که در این سال‌ها از کشورهای غربی کاندید و برنده شده‌اند به گزاره بعدی برسیم.

رنه کسن، برنده جایزه صلح نوبل در سال ۱۹۶۸، وکیل، قاضی، استاد حقوق دانشگاه لیل و دیپلمات اهل فرانسه. اگر چه صلح نوبل تنها جایزه او در زمینه فعالیت‌های حقوقی‌اش نبوده است و افتخار برد جایزه سازمان ملل متحد در زمینه حقوق بشر را نیز از آن خود کرده است، اما از مهم‌ترین افتخاراتش بازتاب مهارت و استادی او در اعلامیه جهانی حقوق بشر است. رنه به‌عنوان یکی از پایه‌گذاران یونسکو، اعلامیه حقوق بشر را به‌عنوان نور امیدی برای انسان‌ها می‌داند.

دومین برنده‌ای که نامش در این لیست خودنمایی می‌کند، شیمون پرز است. سیاستمدار اسرائیلی که عنوان نهمین رئیس جمهور اسرائیل را به مدت هفت سال از آن خود کرده بود. از سال ۱۹۵۹ تا ۲۰۰۷ بیشترین سابقه را در نمایندگی کنست دارد و بیش از دو دهه یکی از تاثیرگذارترین سیاستمداران تاریخ اسرائیل شناخته شده است. پرز در دولت دوم اسحاق رابین وزارت امور خارجه اسرائیل را برعهده داشت و نقشی اساسی در مذاکرات یاسر عرفات و اسحاق رابین ایفا کرد. به‌دنبال این مذاکرات در سال ۱۹۹۵ جایزه صلح نوبل را به او دادند. سومین چهره‌ای که از آن نام می‌بریم باراک اوباما است که لازم به معرفی نیست. نخستین رئیس جمهور آفریقایی-آمریکایی ایالات متحده آمریکا. او که سال ۲۰۰۸ از زمان کاندیداتوری برای انتخابات ریاست جمهوری آمریکا پایان دادن جنگ عراق را مطرح کرد، در سال ۲۰۰۹ برنده جایزه صلح نوبل در حوزه حقوق بشر شد.

غربی‌ها می‌دانند زمانی که بناست جایزه را به خودشان بدهند، با حساب و کتاب و در پارادایم خاصی پیش بروند. تا به الان برندگان این جایزه برای بخش صلح و حقوق بشر، یا اساتید دانشگاه و چهره‌های علمی حقوقی مطرح مانند رنه کسن بودند؛ و یا اگر بنا بود در میان سیاستمداران کسی را به‌عنوان برنده اعلام کنند به‌دنبال ارائه الگوی تازه از آن شخصیت سیاسی بودند. مثلا باراک اوباما. می‌خواستند از اوباما الگویی در جهان بسازند که او را آن طور که می‌خواهند مطرح کنند. یا شیمون پرز که اقداماتش و سابقه‌ای که داشته، کمترین ربطی به صلح و حقوق بشر و نوبل نداشت. اما در جهان سوم و کشورهای درحال توسعه چه خبر است؟ برای انتخاب برنده و اعلام الگو برای جهان سومی‌ها پارادایم غرب اندکی متفاوت است. حتی مرور گذری از لیست اسامی برندگان جایزه صلح نوبل در بخش مرتبط با حقوق بشر هم نشان می‌دهد اغلب افرادی که در کشورهای مسلمان برجسته شدند، زنانی بودند که علیه تبعیض و یا خشونت‌های جنسی و در ارتباط با مسائل امور زنان فعالیت داشتند. نادیه مراد، فعال حقوق بشر اهل موصل که در سال ۲۰۱۸ و به‌دلیل مبارزاتش علیه خشونت جنسی و استفاده از آن در جنگ‌ها به‌عنوان سلاح، برنده جایزه صلح نوبل شد؛ مصداقی از این نوع الگوسازی در جوامع غیرغربی است.

یکی از جوایز یا تنها جایزه؟

در خصوص جایزه صلح نوبل همواره با نوعی حساسیت در میان انتخاب نامزدها و برندگان غربی مواجه بوده‌ایم. نامزدها از جانب اساتید دانشگاه‌های مطرح و یا سیاستمداران پرنفوذ معرفی شده و بعد برای دریافت جایزه بررسی می‌شدند. یعنی ما با افرادی مواجهیم که سال‌ها فعال بوده و دامنه فعالیت‌شان بر جامعه جهانی هم تاثیرگذاشته و یا تحولاتی را در پی خواهد داشت. این اتفاق در خصوص بسیاری از برندگان نوبل رخ داد، اما در خصوص ایران این اتفاق تقریبا برعکس رقم خورد. تا به الان دو نفر برنده این جایزه از ایران شده‌اند. شیرین عبادی، فعال حقوق بشر در سال ۲۰۰۳ و نرگس محمدی به‌عنوان فعال حقوق زنان که چند روز گذشته برنده این جایزه شد. هر دو نفر از این اکتیویست‌ها تا پیش از دریافت این جایزه در عرصه جهانی معروف نبوده و یا دامنه فعالیت‌شان آنقدر گسترده نبوده است. اینکه در ایران درست برعکس سایر جوامع این مدل انتخاب رخ می‌دهد، اندکی شک‌برانگیز است. شاید بناست یک‌سری افراد خاص از طریق این جایزه مطرح شده و تبدیل به‌نوعی الگو شوند. جایزه‌ای که بناست برای هر کس تنها بخش کوچکی از جوایزی باشد که از قبل سال‌ها تلاش و فعالیتش دریافت می‌کند، برای عبادی و یا محمدی تنها رزومه کارنامه فعالیت‌هایشان است.

زنی ضدمقاومت

سالیان متمادی از انتخاب زنان برتر و تخصیص جوایز صلح به آنان به‌دنبال نوعی الگوسازی بودند. الگو قرار دادن زنی که مقاوم است و نماد مقاومت. کسی که در مقابل قدرت استبداد کشورش می‌ایستد. نرگس محمدی هم به همین جهت به‌عنوان برنده امسال جایزه نوبل انتخاب شد. زنی که علیه استبداد داخلی حکومت کشورش در مواجهه با زنان، ایستادگی کرده و چندین دفعه هم در این مسیر به زندان رفته است. اما آیا واقعا کارنامه محمدی نشان‌دهنده نوعی مقاومت در مقابل استبداد است؟ اتفاقا او را می‌توان نماد ضدمقاومت دانست. تحریم‌ها علیه ایران توسط جوامع غربی حاکی از آن است که این کشور و حکومتش در حالت مقاومتی قرار دارند. اتفاقا برای این مقاومت هم مردم عادی هزینه می‌دهند. معیشت و اقتصاد آنها به خطر افتاده و روزبه‌روز با معضلات اجتماعی اقتصادی متعددی روبه‌رو می‌شوند. پس کشور در حال نوعی مقاومت علیه استکبار خارجی است. حالا در این شرایط تحریمی ایران نرگس محمدی در کنفرانس مطبوعاتی مجازی با حضور نمایندگان انجمن قلم اروپا و سازمان عفو بین‌الملل موضع‌گیری هوشمندانه‌ای داشت. او در این نشست ضمن اعلام موافقت خود با تحریم ناقضان حقوق بشر و سرکوبگران و محدود کردن حضور آنان در مجامع بین‌المللی گفت: «قطع و کنترل تحرکات، امکانات و ابزار جمهوری اسلامی در سرکوب منتقدان به نفع مردم ایران است و من قطعا با آن موافق هستم.» البته او در ادامه در رابطه با تحریم‌های اقتصادی هم اینطور دیدگاهش را مطرح کرد: «باید دقت کرد در ایران گلوگاه‌های اقتصادی در دست دولت است و به‌نظر من شناخت غرب از ساختار جامعه ایران شناخت صحیحی نیست.» با این موضع‌گیری‌ها آن هم در شرایطی که تحریم‌های اقتصادی روزبه‌روز معیشت مردم را بیشتر تحت‌الشعاع قرار داده و زندگی را بر آنان سخت‌تر می‌کند، در ایرانی که خود نماد مقاومت در برابر استکبار خارجی و قدرت‌های جهانی است، چگونه از او مصداق زن مقاوم می‌سازد؟ مقاومت علیه مقاومت، با آن ضدیت ایجاد می‌کند. به‌نظر نرگس محمدی اتفاقا زنی ضدمقاومت است.

زن به مثابه چرخ‌دنده‌های توسعه اقتصادی اما با شعارهای توخالی

در جریانات اندیشه‌ای اخیر غرب با نوعی ترسیم دوگانه مواجهیم؛ دوگانه سوژه و ابژه. این دوگانه از مسائل زنان و هویت زن هم دور نمانده است. اگر بخواهیم به تقلیل‌یافته‌ترین شکل و با ادبیات فارسی مفهوم را شبیه‌سازی کنیم، باید بگوییم دو نوع وضعیت برای زن قائل شدند. زنان فعال که به اکتیویست‌ها معروفند و زن منفعل. غرب به‌دنبال نوعی سوژه‌گی و فعالیت برای زن است. تبیین هویت مستقل، جایگاه سیاسی، اجتماعی و محوری قائل شدن برای زن در اجتماع و مواردی امثالهم که اثبات کند زن باید نوعی نقش‌آفرینی داشته و موثر واقع شود. چند سال اخیر کشورهای غربی تمام تلاش خود را کرده‌اند تا این الگو از زن اکتیویست را به‌عنوان الگوی مطلوب معرفی کند. اتفاقا با جایزه صلح نوبل هم در تلاش بود تا زنان فعال مسائل حقوق بشر و یا ادبیات را بیش از همیشه برجسته کند. اما آن چیزی که در جهان واقع رخ می‌دهد چیز دیگری است. شاید چندان اهمیت نداشته باشد که شما در فضای انتزاعی چه چیزی را متصور می‌شوید، آنچه مهم است مدل مواجهه این روزهای کشورهای غربی با زنان است. با وجود تمام تلاش‌ها برای ارائه الگو زن فعال، ما با نوعی سوژه قرار گرفتن اشتباه از این جنسیت مواجهیم که نهایتا به سوءاستفاده ابزاری از آن منجر می‌شود. زن در نظام سرمایه‌داری عملا به‌نوعی کالا تبدیل شده و در فرهنگ مصرفی به عاملی برای رونق بخشیدن به صنعت و بالا رفتن آمار فروش بدل شده است. چرخ‌دنده‌ای از چرخ صنعت غرب است، محرکی که به‌وسیله آن به بازارهای مصرفی رونق داده و در تلاشند تا اهداف اقتصادی خود را پیش ببرند. همه این پازل را که کنار هم بگذاریم، می‌بینیم که این جایزه صلح می‌تواند از اساس فاقد اعتبار باشد. جایزه‌ای که ارزش مفهومی ندارد و پیش‌تر به چرچیل هم با آن سابقه تخصیص داده شد، لیست برندگانی که با آن به‌دنبال الگوسازی هستند. الگویی که در غرب و سایر کشورها با معیارهای متفاوت انتخاب می‌شوند، در غرب یا سیاستمداران تبدیل به‌نوعی الگو و نماد می‌شوند و یا از فعال‌ترین اساتید و چهره‌های علمی خود اینگونه تقدیر می‌کنند. اما برای نامزدهای کشورهای جهان سوم معیارها متفاوت بود و اغلب به سراغ زنانی می‌رفتند که نماد مقاومت باشند، اما در ایران همین مساله را هم رعایت نکرده‌اند. تخصیص این جایزه به نرگس محمدی غیر از قهرمان‌سازی از او و برجسته کردن رفتارها و موضع‌گیری‌های براندازانه‌اش علیه جمهوری اسلامی، پیام دیگری در خصوص صلح در بر ندارد. حتی اگر این انتخاب هر ساله متاثر از سویه‌های سیاسی بوده باشد، امسال با نوعی تقلیل‌گرایی در داوری هم مواجه هستیم.

وقتی زن ایرانی را روایت نکردیم

زهرا طیبی
خبرنگار گروه نقدروز

شیمون پرز، باراک اوباما، یاسر عرفات و جیمی کارتر بخشی از افرادی هستند که جایزه صلح نوبل را به خود اختصاص داده بودند و با توجیه اینکه آنها به نحوی به برقراری صلح و ثبات کمک کرده بودند، این جایزه به آنها اختصاص پیدا کرده بود. فارغ از اینکه جایزه صلح نوبل را تشریفاتی بدانیم که مثل دیگر جوایز بین‌المللی انگیزه‌های سیاسی در آن دخیل است یا نه، صلح نوبل امسال بار دیگر به یک ایرانی تعلق گرفت که نام چندان شناخته‌شده‌ای نبود. نرگس محمدی، به‌عنوان برنده جایزه صلح نوبل ۲۰۲۳ انتخاب شد، محمدی نه در ایران و نه در عرصه‌های بین‌المللی نام چندان شناخته‌ای شده‌ای نیست، آنقدر که رسانه‌ها به خاطر شباهت نام او با یک بازیگر ایرانی، خبر دریافت جایزه را با عکس آن بازیگر ایرانی منتشر کردند. محمدی را شاید بشود از مدافعان تحریم ایران دانست. او البته اگرچه در موضع‌گیری‌هایش تلاش می‌کند خطی میان مردم ایران و نظام ترسیم کند و بگوید مدافع محدود کردن حکومت است نه مردم، اما نهایتا از تحریم و محدود کردن ایران استقبال می‌کند. شاید درطول سال‌های مختلف، روایت‌های متفاوتی درباره چگونگی اهدای جایزه صلح نوبل وجود داشته باشد اما اگر نگاهی اجمالی به افرادی که در سال‌های مختلف، برنده این جایزه بودند بیندازیم، عموما شخصیت‌ها و سیاستمداران مشهور غربی برندگان این جایزه بوده‌اند؛ مثل باراک اوباما، شیمون پرز، یاسر عرفات، کارتر، روزولت و... اما در این میان شخصیت‌های آکادمیک و علمی هم بوده‌اند که این جایزه را از آن خود کرده‌اند، مثلا «موسسه حقوق بین‌الملل» به خاطر تنظیم اصول کلی حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۰۴ این جایزه را از آن خود کرد یا «برتا فان سانتر» به خاطر نوشتن کتاب «تفنگ‌تان را زمین بگذارید» برنده این جایزه شد. جایزه صلح نوبل امسال اما به کسی تعلق گرفت که شناخته شده نبود و اقدام قابل‌توجهی که بر اساس آن بتوان گفت محمدی شایسته دریافت آن بود نیز در ذهن مخاطب خواننده خبر نقش نمی‌بندد. اما اگر بخواهیم اهدای جایزه به یک زن ایرانی را با درنظر گرفتن اتفاقات سال گذشته و فضایی که در جامعه بین‌الملل علیه ایران به‌وجود آمده تحلیل کنیم، می‌توان گفت محمدی انتخاب خوبی برای این جایزه بوده است. انتخاب یک خانم که در زندان ایران بازداشت است، انتخاب خوبی برای زنده نگه داشتن این موضوع در مجامع بین‌المللی است که از سال پیش دنبال آن است جنبش «زن زندگی آزادی» را زنده نگه دارد و تصویر از زن ایرانی را با آدرس نرگس محمدی در جهان تثبیت کند. این البته اولین‌باری نیست که جایزه صلح نوبل به یک زن ایرانی که چندان شناخته‌شده نیست تعلق می‌گیرد، انتخاب شیرین عبادی نیز به‌عنوان برنده این جایزه پیش از این در سال ۲۰۰۳ اتفاق افتاده بود تا آن موقع تقریبا کسی نبود که وی را بشناسد اما همین جایزه باعث شد پس از این تبدیل به فردی شناخته‌شده شود؛ اتفاقی که حالا و با تعلق این جایزه قرار است برای نرگس محمدی بیفتد و فردی که تلاش می‌کرد با حاشیه‌سازی به‌نحوی خود را مطرح کند، حالا تبدیل به فعال حقوق بشری شده است که علیه محدودیت‌های زنان در ایران فعالیت می‌کند.

حقوق زنان و پایمال شدنش همیشه موضوعی بوده است که می‌توان از طریق آن افکار عمومی را در جهان در اختیار گرفت، به‌نظر می‌رسد حالا و بعد از گذشت اتفاقات سال گذشته مساله زنان موضوع خوبی برای اعمال فشار بین‌المللی بر ایران باشد، ارائه تصویر تحریف‌شده از زنان ایران هم در این چهارچوب قابل‌تحلیل است و در این تصویر قرار است نرگس محمدی قهرمان مبارزه با این محدودیت‌ها تعریف شود. براساس همین تصویر ساخته‌شده اغراق نیست اگر بگوییم تصویری که از زنان ایرانی در رسانه‌های فارسی‌زبان یا در عرصه‌های بین‌المللی ساخته می‌شود، شبیه زنانی است که در حکومت طالبانی افغانستان زندگی می‌کنند و از ادامه تحصیل و فعالیت‌های اجتماعی محرومند. گاهی احساس وجود محدودیت‌ها از وجود خود آنها موثرتر عمل می‌کند و حتی در میان زنان ایرانی نیز این حس را به وجود می‌آورد. تصویرسازی غلط از زنان ایرانی با شانتاژهای رسانه‌های فارسی‌زبان را باید در فقدان یک روایت دقیق از زن ایرانی توسط خودمان جست‌وجو کنیم. نبود تعریف و روایت درست در همین راستا بوده که باعث شده است روایت‌هایی غلبه پیدا کند که اصلا شباهتی با زنان جامعه ایرانی نداشته باشد. تنها مروری بر اخبار چند روز اخیر کافی است تا سوژه‌های خوبی برای روایت‌سازی از زن ایرانی در اختیارمان قرار بدهد، برای مثال نتایج قبول‌های کنکور ۱۴۰۲ روز گذشته درحالی منتشر شد که ۶۱ درصد از قبول‌شدگان کنکور سراسری را به خود اختصاص داده بود، این آمار به نسبت سال‌های گذشته درحال افزایش است و این یک وجه از تصویر زن در جامعه ایرانی است. مهسا جاور، قایقرانی کهبه همراه تیمش در مسابقات آسیایی هانگژو، صاحب مدال نقره شد، مادری که به خاطر فرزندش، چندسالی ورزش را کنار گذاشت و در مدت زمان کوتاهی فرصت کرد برای مسابقات آماده شود، تصویری دیگر از زن ایرانی است. لعبت گرانپایه، پزشک متخصص خانمی که ۵۴ هزار ویزیت رایگان و ۱۵۰۰ جراحی رایگان انجام داده است، هم تصویری دیگر از زن ایرانی است. زنان ایران، هرکدام یک وجه از تصویر زن ایرانی را بازنمایی می‌کنند که به‌تنهایی کامل نیستند. در سطح کلان روایت درستی از زنان جامعه ایرانی گفته نمی‌شود و در میان این فقدان روایت بدسلیقگی‌ها در برگزاری جشنواره‌های نمایشی با موضوع زن و ساخت روایت‌هایی مثل بانوی اول و دوم که واکنش‌های منفی به همراه دارد، شرایط را بدتر می‌کند و بر روایت‌سازی‌های غلط در این حوزه صحه می‌گذارد.

فارغ از لزوم روایت‌سازی واقعی از زنان ایرانی، اما نمی‌توان این موضوع را کتمان کرد که بالاخره برخی نقص‌ها و محدودیت‌های قانونی، در حوزه زنان وجود دارد، موضوعی که رهبری نیز در دیداری که با بانوان داشتند به لزوم اصلاح آن اشاره کردند. بعد از این اما اقدام و کار قابل‌توجهی برای اجرای آنچه رهبری مطرح کردند، انجام نشد و مورد توجه مسئولان قرار نگرفت و می‌توانیم بگوییم تقریبا رها شد. اصلاح قوانین و نقص‌ها در حوزه زنان در وهله اول می‌تواند نقش قابل‌توجهی در از بین بردن محدودیت‌های فعلی موجود داشته باشد و حس وجود محدودیت‌ها را از بین ببرد.

ادامه از صفحه ۲

شنبه ۱۵ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۷۴
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

متهم عملیات تروریستی دانشکده نظامی حمص با حمایت ترکیه در سوریه مستقر شده است

رد خون

فرهیختگان

یک سال پس از تلاش ناکام تروریست‌های تحریرالشام (جبهه النصره) و «حزب ترکستانی» برای حمله پهپادی به پایگاه روسی «حمیمیم»، تروریست‌ها با استفاده از پهپاد به جشن فارغ‌التحصیلی دانشجویان افسری دانشکده نظامی حمص حمله کردند. به دلیل اینکه حمله تروریستی پس از پایان مراسم و در زمان حضور مردم در محوطه حیاط مراسم انجام پذیرفته، حجم تلفات بسیار بالا بوده است. براساس اطلاعیه وزارت بهداشت سوریه، این عملیات تروریستی ۲۷۷ زخمی و ۸۹ نفر شهید داشته است. در میان شهدا نام ۲۶ زن و پنج کودک نیز به چشم می‌خورد. فیلم‌های ویدئویی منتشرشده در فضای مجازی قربانیان را نشان می‌دهد که برخی با لباس نظامی و برخی دیگر را با لباس‌های غیرنظامی در داخل حوضچه‌های خون در حیاط بزرگی افتاده‌اند. در این فیلم برخی از اجساد در حال سوختن مشاهده می‌شوند. دولت سوریه در پی این فاجعه قتل‌عام، سه روز عزای عمومی اعلام کرد. در همین راستا روز گذشته اخباری از ساقط شدن چند پهپاد انتحاری دیگر توسط پدافند ارتش سوریه در آسمان بیمارستان شهر حمص محل نگهداری زخمی‌های حمله روز پنجشنبه منتشر شد. تاکنون هیچ گروهی مسئولیت این عملیات تروریستی را برعهده نگرفته است، اما ارتش سوریه اعلام کرد که شورشیان «با حمایت نیروهای شناخته شده بین‌المللی» این حمله را انجام داده‌اند. در بیانیه ارتش سوریه، نام گروه خاصی نیامده اما آمده که «با تمام قدرت و قاطعیت به این سازمان‌های تروریستی در هر کجا که باشند، پاسخ خواهد داد.»

روز گذشته المیادین براساس اطلاعات به دست آمده گزارش کرد که «یک پهپاد از مناطق تحت کنترل حزب ترکستانی قبل از هدف قرار دادن دانشکده نظامی در حمص پرتاب شده است.» المیادین براین اساس آورده است که حزب «ترکستانی» به فناوری پیشرفته پهپادی دست یافته است. این شبکه مدعی شده که قطعاتی از پهپادهای پیشرفته، سه ماه پیش به حزب ترکستانی و «کتیبه المهاجرین» منتقل شده است. در این گزارش ادعا شده است که فرانسه این فناوری را در اختیار آنها قرار داده است. شبکه مذکور در گزارش خود آورده است که اطلاعاتی وجود دارد که حزب ترکستانی پهپاد دریافت کرده است و اطلاعات به دست آمده نیز نشان می‌دهد که حزب ترکستانی و «کتیبه المهاجرین» دو گروهی‌اند که دارای فناوری هواپیماهای بدون سرنشین هستند. ارتش سوریه نیز براساس اطلاعات مذکور و در واکنش به حمله تروریستی، مقرهای حزب ترکستانی و کتیبه المهاجرین را در «اریحا»، «جسر الشغور»، «ادلب»، «بنش» و «سرمین» هدف حملات خود قرار داد. در این حملات مواضع تروریست‌ها با موشک‌های «گراد» و آتش سنگین توپخانه هدف قرار گرفته است. خبرنگار المیادین گزارش داده که ارتش سوریه برای اولین‌بار از زمان توافق سال ۲۰۱۷ در شهر سوچی روسیه، این پایگاه‌ها را هدف قرار داده است. براساس گزارش‌های منتشرشده، هواپیماهای سوریه و روسیه مواضع حزب ترکستانی را در «سهل الغاب»، واقع در شمال غربی حماه و حومه غربی ادلب هدف قرار دادند.

ترکیه؛ ترکستانی‌ها و پهپاد

مدت کوتاهی پس از ظهور داعش در سال ۲۰۱۴ این گروه استفاده از پهپادها را به‌عنوان بخشی ضروری از عملیات نظامی خود برای گسترش قلمرو خود آغاز کرد. این گروه در کنار استفاده از پهپادها به‌عنوان ابزار مستقیم نظامی برای پرتاب مهمات یا انجام عملیات شناسایی از آنها به‌عنوان ابزار تبلیغاتی نیز برای تقویت خود استفاده می‌کردند. به‌عنوان مثال داعش از پهپادها برای فیلمبرداری کلیپ‌هایی که جنگنده‌هایش را در حال انجام بمب‌گذاری‌های انتحاری نشان می‌دهد استفاده کرد و سپس از این کلیپ‌ها برای اهداف تبلیغاتی به‌منظور تقویت روحیه مبارزان خود و جذب تروریست‌های جدید استفاده کرد. اگرچه القاعده در استفاده از فناوری پهپاد در مقایسه با داعش بسیار کمتر فعال بود اما شاخه سابق القاعده در سوریه که اکنون با نام «تحریر الشام» شناخته می‌شود استثنا بود. آنها در گذشته با استفاده از پهپادهای دست‌ساز مونتاژ شده به یک پایگاه روسی در سوریه حمله کردند.

اما به مرور و با نشان دادن تاثیر پهپادها در جنگ، حامیان گروهک‌های تروریستی پهپادهای پیشرفته را در اختیار این گروه تروریستی قرار دادند. در پاییز سال ۹۷ خبرگزاری سوریه (سانا) نوشت که تحریر الشام (جبهه النصره سابق) ۱۰۰ هواپیمای بدون سرنشین را از طریق یک رابط ترکیه‌ای برای انجام حملات شیمیایی علیه غیرنظامیان وارد سوریه کرده است. این پهپادها از شهر «بلده حارم» در نزدیکی مرز سوریه و ترکیه به یکی از مقرهای تحریر الشام در شمال شهر ادلب منتقل شده‌اند. به نوشته سانا، تروریست‌های چندملیتی تحریر الشام با آموزش یک کارشناس انگلیسی تلاش می‌کردند تا با ایجاد یک سری تغییرات فنی در پهپادها آنها را آماده حمل خمپاره‌های حاوی مواد شیمیایی کنند. بعدتر نیز «باسیل شرتوح»، خبرنگار اسپوتنیک در سوریه به نقل از منبعی گفت که ترکیه حمایت خود از گروه‌های مسلح را تقویت کرده و سلاح‌های خاصی از جمله بیش از ۵۰۰ پهپاد از طریق ترکیه مجهز به بمب‌های انفجاری قوی به تحریر شام داده شده است. هیات تحریر شام از گروه‌های تحت حمایت ویژه ارتش ترکیه است که جدا از دیدارهایی با مقامات ترکیه، حتی همکاری‌های امنیتی نیز با آنکارا دارد. حزب ترکستان اسلامی در سوریه (TIP) نیز یکی از گروه‌های همکار با تحریر شام است. اعضای این گروه که مقرشان در پاکستان و افغانستان است، ایغورهای چینی هستند.

در مهرماه سال ۹۷ دیده‌بان حقوق بشر سوریه که نهاد وابسته به مخالفان سوریه است اعلام کرد که ورود تروریست‌های ترکستانی به خاک سوریه که شامل اتباع شمال چین (ایغورها) است با هماهنگی و پشتیبانی دستگاه اطلاعاتی و نیروهای نظامی ترکیه انجام شد. این نهاد از «حمایت مالی و نظامی» مسئولان و نهادهای ترکیه از این تروریست‌ها خبر داده و نوشته بود که حزب ترکستانی بعدها از ترس حمله دیگر گروه‌ها به حمایت و اسکورت کاروان‌های نظامی ترکیه در خاک سوریه اقدام کرده است.

وقت پاسخ سخت

همزمانی این عملیات از سوی متحدان تروریست دولت ترکیه با حمله این کشور به مواضع گروه‌های کرد در شمال سوریه و سرنگونی پهپاد ترکیه توسط جنگنده آمریکایی در شمال شرق سوریه، نشان می‌دهد که باید منتظر گام‌های بعدی و افزایش تنش‌ها در منطقه بود. در حداقلی‌ترین حالت، دولت سوریه دیگر حاضر نیست در چهارچوب توافقات قبلی با تروریست‌ها در شمال (موسوم به توافق کاهش تنش) عمل کند و این اجازه را دارد دست به اقدامات تلافی‌جویانه علیه آنان بزند. به نظر نمی‌رسد ارتش سوریه به چیزی جز پاکسازی ادلب از تروریست‌ها رضایت بدهد. اینکه در برابر این خواسته، ترکیه چه واکنشی نشان خواهد داد و چگونه از این تروریست‌ها حمایت خواهد کرد، مشخص نیست اما تعلل در مقابله با این تروریست‌ها، این فرصت را به آنها خواهد داد تا با حمایت‌های تسلیحاتی از سوی سایر کشورها، ضربات سخت‌تری را به دولت و مردم سوریه وارد کنند. این حمله آن‌هم در شرایطی که سوریه به اتحادیه عرب بازگشته و بسیاری از کشورهای عربی، عادی‌سازی روابط با دمشق را اعلام کرده بودند، می‌تواند گام بعدی پروژه سقوط نظام سوریه باشد. بشار اسد، رئیس جمهور سوریه اخیرا در سفر به چین، به توافقات مهمی با طرف چینی در قالب سه سند دست پیدا کرد. این سندها، توافقنامه اقتصادی، تفاهم مشترک برای تبادل و همکاری در زمینه توسعه اقتصادی و تفاهم در زمینه طرح همکاری در چهارچوب طرح «یک کمربند و یک جاده» است. چند سال پیش از این، عادل عبدالمهدی، نخست‌وزیر عراق پس از توافق با چین درباره فروش نفت، به یک‌باره با اعتراضات مردمی که ریشه آن دخالت خارجی بود، مواجه شد و ناچار به استعفا شد تا توافقات فی ما بین دو کشور در هاله‌ای از ابهام باقی بماند.

اوکراین تنها چندهفته برای نتیجه گرفتن فرصت دارد

پایان جنگ بازی

نمایشی که هفته گذشته در میان جمهوریخواهان مجلس نمایندگان رخ داد و کوین مک‌کارتی را از صندلی ریاست به زیر کشید، چیزی نبود جز کاهش شدید تمایل حزب جمهوریخواه برای حمایت از ادامه کمک به جنگ علیه روسیه. آمریکایی‌ها که چند ماه پیش به صورت هشدارگونه به ولادیمیر زلنسکی رئیس جمهور اوکراین رسانده بودند که «یا در آینده نزدیک یک حمله متقابل انجام بده یا پای میز مذاکره با روسیه بنشین» حالا پس از سلسله ناکامی‌ها، به دیوار سخت واقعیت خورده‌اند و از فرصت ۶ تا نهایت هشت هفته‌ای برای تغییر معادلات جنگ سخن می‌گویند. این را جان کربی هماهنگ‌کننده ارتباطات راهبردی کاخ سفید روز سه‌شنبه گفته. اگرچه هدف او از گفتن این جمله تحت‌فشار قرار دادن کنگره برای «اختصاص منابع کمک به کی‌یف» بوده اما واقعیت این سخن، ناامیدی آمریکا از تغییر میدانی جنگ پس از فرارسیدن فصل سرماست.

از ابتدای حمله روسیه به اوکراین، آمریکا و متحدان غربی و آسیایی آن به حمایت از اوکراین پرداختند. آمریکا به‌تنهایی بیش از ۶۹٫۴۸ میلیارد دلار به کی‌یف کمک کرده است. بعد از طرح مارشال که صرف بازسازی‌های اروپا بعد از جنگ جهانی دوم شد، این اولین‌باری است که یک کشور اروپایی جایگاه اول دریافت کمک‌های آمریکا را به خود اختصاص می‌دهد. زلنسکی همواره با طرح این بحث که حمله روسیه به اوکراین به‌ضرر همه اتحادیه اروپا و آمریکاست و تکرار اینکه جنگ روسیه با اوکراین در واقع جنگ با کل غرب است، موفقیت قابل وجهی در جذب بیشتر کمک‌های مالی و تسلیحاتی داشت. اما این تجهیزات و منابع مالی در ضدحمله‌ای که از ماه ژوئن آغاز شده و با گذشت سه ماه ادامه دارد، هیچ موفقیتی را رقم نزد تا انتقادها در آمریکا نسبت به این هزینه‌کرد بالا بگیرد. در چند روز گذشته، جمهوری‌خواهان موفق شدند میلیاردها کمک نظامی و بشردوستانه درخواستی آقای بایدن را از لایحه توقف هزینه‌ها برای جلوگیری از تعطیلی دولت حذف کنند. با این همه بایدن اما کماکان بر مواضع خود پافشاری می‌کند. او گفته کاخ سفید کمک‌های خود را به کی‌یف قطع نمی‌کند.

اگرچه جان کربی هفته گذشته از فرصت ۶ یا هشت هفته‌ای سخن گفته است اما ژنرال مارک میلی رئیس ستادکل ارتش آمریکا ۲۱ شهریورماه بیش از ۲۰ روز پیش، از فرصت «۳۰ تا ۴۵ روزه» اوکراین برای «جبران و حمله» خبر داده بود. این یعنی در خوشبینانه‌ترین حالت، کی‌یف ۲۰ روز دیگر برای تغییر وضعیت جنگ فرصت دارد. هرچند گاهی ساعت‌ها در جنگ تعیین‌کننده هستند و دسترسی به چند سلاح پیشرفته، اثرگذار اما به‌نظر نمی‌رسد غرب بخواهد با سلاح‌هایی بیشتر از آنچه تا به امروز در اختیار اوکراین قرار داده، ریسک کند. همه این شواهد و قرائن زلنسکی و غرب را به سویی سوق می‌دهد که دیر یا زود آخرین پرده این نمایش را اجرا و میز مذاکره را آماده کنند.

آگهی مزایده

به موجب پرونده اجرائی مهریه به شماره کلاسه ۱۴۰۱۰۰۱۹۹ علیه آقای قربان‌دست‌ازسخن له خانم فاطمه محمدی‌کالی مقدار یک و نیم دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی ۳۸۱ فرعی از ۶ اصلی بخش ۹ ثبت بندپی واقع در قریه مقری‌کلا به مساحت (۶/ ۲۳۷) دویست و سی و هفت متر و شصت دسیمتر مربع که سند مالکیت ششدانگ به نام آقای قربان‌دست‌ازسخن فرزند علی شماره شناسنامه ۵۵۴ تاریخ تولد ۱۳۴۸/۰۳/۰۲ صادره از بابل دارای شماره ملی ۵۶۸۹۷۷۱۵۲۱ با جز سهم ۶ از کل سهم ۶ به‌عنوان مالک ششدانگ عرصه و اعیان متن سهم: ششدانگ با شماره مستند مالکیت ۱۱۲۸۳ تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۱۸ موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۰۹۵۰۱۱ سری د سال ۹۱ که در صفحه ۱۳ دفتر املاک جلد ۱۳۲ ذیل شماره ۱۴۶۴۸ ثبت و صادر گردیده است. تمامت اصل ششدانگ پلاک فوق به نفع خانم فاطمه محمدی‌کالی بابت مهریه در بازداشت قرار دارد و طبق رای ماده ۱۶۹ - رئیس واحد، به میزان ششدانگ به‌عنوان مستثنیات دین تلقی گردید که پس از اعتراض بدهکار به رای رئیس ثبت، پرونده به هیات نظارت ارسال و برابر رای هیات محترم نظارت استان مازندران به شماره ۱۴۰۲۱۸۷۱۰۰۷۶۰۰۰۴۱۸ مورخه ۱۴۰۲/۰۵/۲۳ رای رئیس ثبت نسبت به چهار دانگ و نیم نقض و رفع توقیف آن صادر و اعلام می‌گردد و نسبت به یک و نیم دانگ با توجه به تقویم به عمل آمده غیر وارد تشخیص و رد می‌گردد و نسبت به یک و نیم دانگ به‌عنوان مستثنیات دین تلقی گردید. حدود اربعه: شمالا درب و دیواری است به طول (۱۴/ ۸۵) چهارده متر و هشتاد و پنج سانتیمتر به کوچه شرقا: دیواری است مشترک به طول (۱۴/ ۹۰) چهارده متر و نود سانتیمتر به قطعه دویست و پنجاه و یک تفکیکی شش اصلی جنوبا: دیواری است مشترک به طول (۱۶/ ۲۸) شانزده متر و بیست و هشت سانتیمتر به قطعه دویست و پنجاه و دو تفکیکی شماره سیصد و هشتاد فرعی از شش اصلی غربا: دیواری است مشترک به طول (۱۵/ ۸۰) پانزده متر و هشتاد سانتیمتر به قطعه دویست و پنجاه و چهار تفکیکی شماره سیصد و هشتاد و دو فرعی از شش اصلی و حقوق ارتفاقی ندارد. در عرصه مورد کارشناسی یک دستگاه ساختمان یک طبقه روی پیلوت با اسکلت بتنی با قدمت حدود ۵ سال ساخت قرار دارد طبقه همکف: شامل فضای راه‌پله و پارکینگ با کف سنگ‌ریزی‌شده می‌باشد. طبقه اول: شامل فضای راه‌پله، دو اتاق خواب، سالن پذیرایی، آشپزخانه اوپن با مطبخ و کابینت، سرویس بهداشتی مجزا و تراس است کف سرامیک دیوار سقف اندود کچکاری است، پشت‌بام به‌صورت مسطح روباز با کف رویه ایزوگام می‌باشد. گرمایش پکیج و بخاری گازی ، سرمایش اسپلیت است بنای احداثی موصوف دارای پروانه ساخت و پایان کار می‌باشد. هر طبقه به مساحت ۱۰۰ متر مربع است. دارای امتیاز آب و برق و گاز می‌باشد که طبق نظر کارشناس رسمی دادگستری ششدانگ پلاک فوق به مبلغ (۱۹/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰) نوزده میلیارد و پانصد میلیون ریال ارزیابی‌شده که ارزش مقدار یک و نیم دانگ مشاع از ششدانگ پلاک فوق در ازای طلب بستانکار به مبلغ (۴/۸۷۵/۰۰۰/۰۰۰) چهار میلیارد و هشتصد و هفتاد و پنج میلیون ریال می‌باشد. برابر گزارش پرونده ملک مزبور در تصرف مالک می‌باشد و پلاک فوق از ساعت ۹ الی ۱۲ روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۷/۲۹ بیست و نهم مهر ماه یک هزار و چهارصد و دو در اداره ثبت اسناد و املاک بندپی واقع در بندپی -شرقی -گلوگاه- کوچه ولیعصر هفت به‌صورت حضوری از طریق مزایده به فروش می‌رسد. مزایده از مبلغ یک‌سوم ارزیابی اولیه (۴/۸۷۵/۰۰۰/۰۰۰) چهار میلیارد و هشتصد و هفتاد و پنج میلیون ریال شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقدا فروخته می‌شود. لازم به ذکر است پرداخت بدهی‌های مربوط به آب، برق، گاز اعم از حق انشعاب یا حق اشتراک و مصرف و نیز بدهی‌های مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره تا تاریخ مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آن معلوم شده یا نشده باشد به عهده برنده مزایده است و نیز درصورت وجود مازاد، وجوه پرداختی بابت هزینه‌های فوق از محل مازاد به برنده مزایده مسترد خواهد شد و نیم‌عشر و حق مزایده نقدا وصول می‌گردد. مطابق ماده ۱۳۶ آیین‌نامه شرکت در مزایده منوط به پرداخت ده درصد از مبلغ پایه مزایده به‌صورت چک تضمین‌شده و حضور خریدار یا نماینده قانونی او در جلسه مزایده است. برنده مزایده مکلف است مابه‌التفاوت مبلغ فروش را ظرف مدت پنج روز از تاریخ مزایده به حساب صندوق ثبت تودیع نماید و درصورتی‌که ظرف مهلت مقرر مانده فروش را به حساب سپرده ثبت واریز نکند مبلغ مذکور قابل استرداد نبوده و به حساب خزانه واریز خواهد شد. در این صورت عملیات فروش از درجه اعتبار ساقط و مزایده تجدید می‌گردد. فروش مال به نسیه درصورتی جایز است که متعهدله فروش به نسیه را قبول و مدیون نیز مازاد را نقدا دریافت یا نسبت به مازاد نسیه را قبول نمایند. در هر دو صورت خود مسئول وصول خواهند بود و حق مزایده نقدا دریافت می‌شود.

تاریخ انتشار روز شنبه مورخ: ۱۴۰۲/۰۷/۱۵ (پانزدهم مهر ماه یکهزار و چهارصد و دو)
میم الف: ۱۵۸۰۲۸۰
محمد حبیب‌زاده‌گنجی- مدیر اجرای واحد اجرای اسناد رسمی بندپی شرقی

فرهیختگان
صدای نخبگان
نگاه جوانان
FARHIKHTEGAN
سازمان آگهی‌های روزنامه
تلفن وفکس:
(۰۲۱) ۶۲۹۹۹۴۹۵
ایمیل: a66348018@gmail.com
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

گزارش «فرهیختگان» از میلیاردها تومان هزینه برای ورزشگاهی که در جای اشتباه بنا شد

خوب شد روی آتش‌فشان ورزشگاه نساختید

فرهیختگان ورزشی

شماره مسلسل ۴۷۱۲
شنبه ۱۵ مهر ۱۴۰۲
۲۱ ربیع‌الاول ۱۴۴۵
۷ اکتبر ۲۰۲۳
شماره ۳۹۷۴

| Sat | 7 Oct 2023 | vol.15 |
No. 3974 | 16 Pages

اعتراض شدید ویسی به برنامه‌ریزی لیگ: چطور کسانی که در یک باشگاه هستند برای کل لیگ تصمیم می‌گیرند؟

آقایانی که کاربلد نیستید! این لیگ را تعطیل کنید

ستاره‌های پرسپولیس برابر گل گهر هم فیکس نیستند؟

احتمال تداوم نیمکت‌نشینی ترابی و امیری

مسئول اجرایی کاروان الهلال در سفر به تهران: الهلالی‌ها بیشتر از هر چیزی نگران چمن آزادی بودند

تصور نیمار از ایران تغییر کرد

این بار در بازی‌های آسیایی

سجاد گنج‌زاده باز هم طلایی شد

شنبه ۱۵ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۷۴
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

گزارش «فرهیختگان» از میلیاردها تومان هزینه برای ورزشگاهی که درجای اشتباه بنا شد

خوب شد روی آتش‌فشان ورزشگاه نساختید

حمیدرضا اسکندری
خبرنگار گروه ورزش

تقریبا ۵ سال پیش بود که کلنگ ساخت ورزشگاهی با ظرفیت حدود ۳۵ هزار تماشاگر در مجموعه ورزشی صنعت مس رفسنجان زده شد. این درحالی بود که این ورزشگاه زمین دیگری با کیفیت چمن مطلوب و سکوهایی با گنجایش ۲۰ هزار تماشاگر داشت. به هرحال کلنگ ساخت این ورزشگاه زده شد و دوسال پیش سکوهای آن -که بسیار شیک هستند- آماده شد. در این میان ماند زمین چمن و رختکن‌ها و ورودی زمین که مهندسان یکباره متوجه شدند زیر زمینی که قرار است به چمن تبدیل شود، قنات‌های زیادی است. از این رو خیلی سریع تصمیم گرفته شد که کلا این پروژه منتفی شود و بیشتر از آن هزینه نشود.

پرکردن قنات‌ها با ستون

از آنجا که هزینه زیادی برای ساخت سکوهای ورزشگاه شده بود، مسئولان مربوط بعد از مشورت با مهندسان متخصص تصمیم گرفتند که راه و چاره جدیدی برای تکمیل پروژه خود پیدا کنند. در همین راستا مهندسان بعد از بررسی‌های مختلف مدعی شدند که همه قنات‌های زیر زمین را پیدا کرده‌اند و می‌توانند در ورودی آنها ستون کار بگذارند تا هیچ خطری زمین چمن را تهدید نکند. این کار انجام شد و پیمانکاران بعد از یک سال کار روی زمین یک چمن فوق‌العاده را آماده بهره‌برداری کردند. درکنار آن رختکن ورزشگاه و ورودی به زمین هم بسیار شیک و مدرن ساخته شد و مسئولان تصمیم گرفتند دیدارهای خانگی تیم مس رفسنجان در فصل جدید رقابت‌های لیگ برتر را در این زمین برگزار کنند.

ریزش زمین تمرین و پیدا شدن قنات‌های جدید

فصل پیش در یکی از جلسات تمرین تیم مس رفسنجان متوجه می‌شوند که یک‌ششم زمین به خاطر وجود قنات در زیر آن ریزش داشته است. موضوعی که هرگز اجازه ندادند رسانه‌ای شود. این اتفاق زنگ خطری بود برای زمین جدید که تقریبا ۵۰ متر آن طرف‌تر با ۳۵ هزار سکوی تماشاگران بنا شده بود. از این رو مهندسی بعد از بررسی دوباره متوجه شدند که جدا از قنات‌هایی که در آن ستون گذاشته بودند تا بسته شود، قنات‌های دیگری در زمین هست و برخی قنات‌ها ستون‌گذاری شده نیز نشتی می‌دهند. آنها این موضوع را به سیلی که سال گذشته در استان کرمان آمد، ربط دادند و مدعی شدند این قنات‌ها شاید برای قرن‌ها پیش باشد که با سیلی که رخ داد سر باز کردند. جالب اینکه مسئولان مربوط باز هم اجازه ندادند این قضیه رسانه‌ای شود و همچنان از پیمانکار مربوط خواستند که به کارشان ادامه دهد تا پروژه به بهره‌برداری برسد.

بازی رسانه‌ای برای سرپوش گذاشتن روی اشتباهات

طبق برنامه قبلی قرار شد بازی مس رفسنجان و استقلال تهران در زمین شماره یک ورزشگاه صنعت برگزار شود. درحقیقت زمین قبلی این ورزشگاه که پیش از این مسابقات مس در آنجا برگزار می‌شد، زمین شماره دو نامگذاری شد. از آنجا که مهندسان به مسئولان مربوط اطلاع داده‌اند که قنات‌های زیادی در ورزشگاه و زیر زمین چمن وجود دارد و هر لحظه ممکن است با فشار زمین ریزش کند و حتی احتمال ریزش سکوها هم وجود دارد، آنها ترسیده‌اند که اجازه برگزاری بازی مس و استقلال را در زمین شماره یک ورزشگاه صنعت بدهند. در همین راستا رسانه‌های محلی استان به جای پرداختن به این قضیه این موضوع را مطرح کردند که شورای تامین اجازه برگزاری بازی با تماشاگر را به تیم مس مقابل استقلال نمی‌دهد و از این رو بازی به زمین شماره دو این ورزشگاه انتقال داده خواهد شد. این در شرایطی است که بین مسئولان مربوط در رفسنجان اختلاف نظر است که آیا کلا ورزشگاه جدید را افتتاح کنند یا اجازه ندهند هیچ‌وقت این اتفاق رخ دهد و بازی در این زمین برگزار شود. همه هزینه‌هایی که برای ساخت سکوها، رختکن، سالن ورودی و زمین چمن در ورزشگاه صنعت مس شده، به‌نوعی اشتباه بوده و هیچ فردی حاضر نیست مسئولیت این به‌اصطلاح فاجعه را برعهده گیرد. قدر مسلم اولین پیمانکاری که ساخت سکوها و زمین چمن را در ورزشگاه صنعت مس انجام داده است مقصر اصلی ماجرا به‌شمار می‌رود اما انتظار می‌رود که مسئولان مربوط در ماجرای رخ داده توضیحات قانع‌کننده‌ای را به مردم ارائه دهند.

برگزاری مسابقات و تمرینات مس در زمین شماره دو

قدر مسلم مسئولان مربوط در ورزشگاه صنعت مس اگر نتوانند قنات‌های موجود در زیر زمین جدید را شناسایی و به شکلی پر کنند برگزاری هرگونه بازی و تمرینی در این زمین برای مسی‌ها ریسک بالایی خواهد داشت. از این رو تیم مس همچنان مجبور است در بخش دیگری از این ورزشگاه که زمین شماره یک و زمین تمرین در آن بنا شده است تمرینات و بازی‌های خود را برگزار کنند. طبق اعلام مسئولان ورزشگاه صنعت مس تا الان هیچ قناتی در زیر زمین شماره دو و سکوهای آن دیده نشده و چنین خطری فقط زمین و سکوهای جدید را تهدید می‌کند. اتفاقی که نشان می‌دهد کلا احداث این زمین با سکوهایش از ابتدا اشتباه بوده و با توجه به هزینه‌های چند صد میلیارد تومانی صورت گرفته قطعا باید مقصران آن شناسایی و بازخواست شوند.

ستاره‌های پرسپولیس برابر گل گهر هم فیکس نیستند؟

احتمال تداوم نیمکت‌نشینی ترابی و امیری

دو ستاره ملی‌پوش پرسپولیس با وجود رفع مصدومیت همچنان قرار نیست در ترکیب اصلی این تیم در بازی با گل گهر باشند. در تمرینات اخیر سرخپوشان هر دو بازیکن بدون مشکل در تمرینات گروهی حاضر بودند اما هنوز به فرم صد در صد نرسیده‌اند. از طرفی درخشش امید عالیشاه و یاسین سلمانی در بازی با الدحیل، یحیی گل محمدی را مجاب کرده که همچنان از این دو بازیکن در ترکیب اصلی تیمش بهره ببرد. احتمال اینکه یحیی بخواهد در پست‌های دیگری به یکی دو بازیکن استراحت بدهد وجود دارد اما شانس حضور امیری و ترابی در ترکیب ثابت سرخپوشان بسیار کم است. ناگفته نمانند که میلاد سرلک هم ممکن است بازی با گل گهر را از روی نیمکت تماشا کند از این جهت که او در مقابل النصر از عاملان شکست تیمش بود و ریگی هم در بازی با الدحیل نمایش خیلی خوبی در کنار سروش رفیعی داشت.

مشکل مهاجم آرژانتینی بدنی است یا به خاطر سقف؟

بلانکو ثبت هم می‌کرد راهی رفسنجان نمی‌شد!

گوستاو بلانکو، مهاجم جدید آرژانتینی باشگاه استقلال که گمانه‌زنی‌ها حاکی از آن بود که می‌تواند استقلال را در مصاف با مس رفسنجان همراهی کند، سرانجام از حضور در این دیدار باز ماند. این در حالی است که رسانه‌ها و افراد نزدیک به باشگاه و البته خود این بازیکن هر کدام تعبیر خاص خودشان را از این اتفاق دارند تا ابعاد این اتفاق پیچیده شود. نکته قابل توجه اینکه برخی رسانه‌ها چهارشنبه گذشته از حل مشکلات مرتبط با ثبت قرارداد این مهاجم آرژانتینی خبر داده و این طور اذعان داشتند که با باز شدن پنجره نقل و انتقالاتی استقلال، مسئولان این باشگاه برای ثبت قرارداد گوستاو بلانکو اقدام کردند و این باشگاه که در لیست بزرگسال خود یک جای خالی داشت و قرارداد بلانکو را نیز امضا کرده بود، برای ثبت این قرارداد اقدام کرد. بر همین اساس نیز برخی حتی مدعی شدند نماینده باشگاه استقلال با حضور در کمیته نقل و انتقالات سازمان لیگ کارهای اولیه اداری برای ثبت قرارداد مهاجم آرژانتینی را انجام داد و با پایان این مراحل به‌زودی کارت بازی این بازیکن صادر می‌شود. این در حالی است که یکی از مدیران باشگاه استقلال در این خصوص به «فرهیختگان» گفت که تازه دو روز پیش یعنی پنجشنبه گذشته با تایید فیفا، پنجره نقل و انتقالاتی ما باز شده، این در حالی است که برخی نوشته‌اند قرارداد بلانکو یک روز قبل از باز شدن پنجره به ثبت رسیده است. چطور چنین موضوعی امکان دارد که با وجود بسته بودن پنجره‌مان بتوانیم قرارداد بازیکن آرژانتینی را ثبت کرده باشیم؟ این در صورتی است که درخصوص شرایط بدنی بلانکو که چند روزی می‌شود در تمرینات گروهی استقلال حضور یافته، شنیده می‌شود همچنان شرایط مناسبی نداشته و با آماده‌سازی هرچه بیشتر در روزهای پیش رو در تمرینات، احتمالا برای بازی‌های هفته هشتم که بعد از فیفادی در روزهای ابتدایی آبان برگزار می‌شود می‌تواند خودش را مهیای همراهی استقلال کند. واقعیت این است که هر دو عامل (سقف بودجه و عدم آمادگی این بازیکن) در عدم همراهی بلانکو در سفر استقلالی‌ها به رفسنجان نقش داشته هرچند شنیده‌ها حاکی از آن است که در صورتی که قرارداد این مهاجم آرژانتینی هم با استقلال ثبت می‌شد او به خاطر ناآماده بودن باز هم شرایط همراهی شاگردان نکونام در سفر به رفسنجان را نداشت.

نوبت اول

آگهی فراخوان مناقصه عمومی ۷۰۷-۱۴۰۲

نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۷/۱۵
نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۷/۱۶

شهرداری شیراز در نظر دارد خرید، نصب، راه‌اندازی، پیکربندی تجهیزات سرور، ذخیره‌ساز، سوئیچ و نرم‌افزار مدیریت تصاویر مورد نیاز خود را مطابق مشخصات فنی مندرج در اسناد مناقصه از طریق مناقصه عمومی و بر اساس مشخصات مندرج در اسناد مناقصه در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) با شماره فراخوان ۲۰۰۲۰۹۶۶۸۰۰۰۵۱۷ به شرکت‌های واجد شرایط واگذار نماید. لذا از کلیه متقاضیان، دعوت به عمل می‌آید با مراجعه به سامانه ستاد ایران به آدرس www.setadiran.ir نسبت به دریافت اسناد مناقصه و تحویل آن اقدام نمایند. در صورت عدم عضویت قبلی، ثبت نام در سامانه مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی صاحبان امضاء مجاز از سوی متقاضیان جهت شرکت در مناقصه الزامی است. در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر شرکت‌کنندگان می‌توانند با شماره تماس ۰۷۱۳۲۳۳۲۳۵۳ یا ۰۷۱۳۲۳۳۲۴۸۸ «معاونت فنی و پشتیبانی، اداره تجهیزات برق و الکترونیک سازمان فاوا شهرداری شیراز - داخلی ۴۲۰» و یا «اداره بازرگانی سازمان فاوا شهرداری شیراز – داخلی ۱۳۱ یا ۱۳۳» تماس گرفته و توضیحات لازم را دریافت نمایند.

شرایط شرکت‌کنندگان:

۱- شرکت ثبت شده با تابعیت ایرانی

۲- داشتن رتبه ۴ گواهی رتبه‌بندی و احراز صلاحیت از دبیرخانه شورای عالی انفورماتیک کشور حداقل دو مورد از شاخه های زیر:

- خدمات پشتیبانی
- مشاوره و نظارت بر اجرای طرح‌های انفورماتیک، فناوری اطلاعات و ارتباطات
- شبکه داده‌های رایانه‌ای و مخابراتی
- سیستم‌های ویژه

۳- شرکت باید دارای حداقل سه نمونه قرارداد مشابه در زمینه فروش، نصب، راه‌اندازی و پشتیبانی سامانه‌های نظارت تصویری به همراه گواهی‌های حسن انجام کار مربوط به همان قرارداد که جمع مبلغ قراردادها بیش از مبلغ ۳۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ (سی میلیارد ریال) باشد.

*تبصره۱: قراردادهای مذکور می‌بایست پس از سال ۱۳۹۸ منعقد شده باشند.

۴- داشتن گواهی دارای اعتبار از نظام صنفی رایانه‌ای کشور.

۵- درصورتی که پیشنهاددهنده سابقه عدم اجرای صحیح تعهدات در معاملات و قراردادهای سابق با شهرداری شیراز و سازمان‌های تابعه را داشته که منجر به دریافت حداقل دو اخطار گردیده و یا ممنوع‌المعامله شده باشد، به پیشنهاد آن شرکت ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۶- شرکت‌هایی که در زمان گشایش پاکات مناقصه دارای دو قرارداد در حال اجرا با سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری شیراز باشند، مجوز شرکت در این مناقصه را ندارند و چنانچه پس از گشایش پاکات و در هر مرحله از انعقاد قرارداد مشخص گردد شرکت برنده دارای دو قرارداد در حال اجرا با سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری شیراز بوده است، ضمن ضبط ضمانت‌نامه شرکت، پیشنهاد آن نیز باطل می‌گردد.

*تبصره۲: قرارداد در حال اجرا قراردادی محسوب می‌شود که صورتجلسه تحویل موقت نداشته باشد.

*تبصره۳: چنانچه بعد از بازگشایی پاکات مشخص گردد مجوزها و مدارک ارائه شده توسط برنده مناقصه جعلی است ضمن معرفی آن شرکت به مراجع ذیصلاح، سپرده شرکت در مناقصه آن شرکت به نفع شهرداری شیراز ضبط خواهد شد و چنانچه نفر دوم شرایط لازم را داشته باشد به عنوان برنده اعلام می‌گردد.

مبلغ برآورد اولیه: برآورد اولیه ۶۱,۱۳۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال (شصت و یک میلیارد و یکصد و سی و دو میلیون ریال) می‌باشد.

مدت قرارداد: مدت زمان اجرای موضوع قرارداد ۲۸ ماه از زمان انعقاد به شرح ذیل می‌باشد:

۱- مدت زمان تهیه، تحویل و نصب و راه‌اندازی تجهیزات موضوع قرارداد در محل تعیین شده کارفرما (طبق پیوست شماره یک)، چهار ماه از زمان انعقاد قرارداد. (تحویل موقت)

۲- پس از تحویل موقت، کلیه تجهیزات موضوع قرارداد به مدت ۱۲ ماه دارای گارانتی سخت‌افزاری و ۲۴ ماه پشتیبانی نرم‌افزاری رایگان می‌باشد. (تحویل قطعی)

مبلغ تضمین شرکت در مناقصه:

مبلغ تضمین شرکت در مناقصه به مبلغ ۳،۱۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال (سه میلیارد و یکصد میلیون ریال) است که باید به یکی از صورت‌های مشروحه زیر در پاکت (الف) به دستگاه مناقصه‌گذار تسلیم شود:

الف: ضمانت‌نامه معتبر بانکی به نام شهرداری شیراز با شناسه ملی: ۱۴۰۰۲۰۹۱۶۷۱ و کد اقتصادی: ۴۱۱۳۶۴۸۷۷۴۵۵

ب: رسید واریز نقدی به حساب سپرده بانک شهر شعبه قصرالدشت با شماره حساب ۱۰۰۸۰۵۵۰۴۷۴۲ به نام شهرداری شیراز با کد مرجع ۱۰۱۳۳۶

*تبصره۴: مدت اعتبار ضمانت نامه بانکی می‌بایست حداقل ۳ ماه از تاریخ صدور و قابل تمدید به مدت سه ماه دیگر حسب درخواست کارفرما باشد. (تاریخ صدور ضمانت‌نامه می‌بایست پس از تاریخ درج اولین آگهی مناقصه باشند.)

*تبصره۵: تضمین صادره می‌بایستی در وجه شهرداری شیراز و با ذکر موضوع مناقصه و کد مرجع تکمیل شده باشد. صادر شدن تضمین در وجه و عنوان دیگر و همچنین ارائه چک پول یا ایران چک به جای تضمین‌های فوق قابل قبول نبوده و پیشنهاد واصله مردود می‌گردد و همچنین تضمین‌های کمتر از مبلغ اعلامی پذیرفته شده نیست.

*تبصره۶: برندگان اول و دوم مناقصه هرگاه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده آنان به ترتیب ضبط خواهد شد.

نحوه پرداخت:

۱- معادل ۵۰ درصد مبلغ (مربوط به قیمت اقلام) پس از تحویل اقلام مطابق مشخصات فنی پیوست شماره دو قرارداد و در محل تعیین شده کارفرما و تأیید دستگاه نظارت و قبض انبار و تنظیم صورت جلسه تحویل و بعد از کسر کسور قانونی به پیمانکار پرداخت می‌گردد.

۲- معادل ۳۰ درصد از مبلغ قرارداد پس از اتمام مراحل نصب، راه‌اندازی و پیکربندی تجهیزات و تست و تحویل با عملکرد صحیح کل سیستم در محل‌های تعیین شده کارفرما و بعد از اخذ تأیید دستگاه نظارت و کسر کسور قانونی به پیمانکار پرداخت می‌گردد.

۳- معادل ۱۰ درصد از مبلغ قرارداد پس از تحویل مستندات نصب و راه‌اندازی (طبق پیوست شماره دو قرارداد) و انجام تعهدات آموزشی بعد از اخذ تأیید دستگاه نظارت و کسر کسور قانونی به پیمانکار پرداخت می‌گردد.

۴- مبلغ ۱۰ درصد کل قرارداد پس از اتمام دوره گارانتی یکساله سخت‌افزاری تجهیزات و تأیید دستگاه نظارت و کسر کسور قانونی به پیمانکار پرداخت می‌گردد.

*تبصره۷: مالیات بر ارزش افزوده درصورت ارائه فرم ثبت‌نام از اداره دارایی توسط فروشنده، ازسوی کارفرما قابل پرداخت می‌باشد.

*تبصره۸: آخرین پرداخت به فروشنده منوط به ارائه مفاصاحساب بیمه تأمین اجتماعی به کارفرما می‌باشد.

*تبصره۹: فروشنده می‌بایست ظرف مدت سه ماه از تاریخ انقضای قرارداد مفاصاحساب بیمه تأمین اجتماعی را به کارفرما تحویل دهد. در غیر این صورت علاوه بر ضبط ضمانت‌نامه بانکی حسن انجام تعهدات فروشنده، آخرین پرداخت باقیمانده به فروشنده انجام نخواهد شد و مسئولیت جبران کلیه خسارت‌های وارده بر عهده فروشنده می‌باشد.

*تبصره۱۰: در زمان انعقاد قرارداد ۱۰ درصد مبلغ پیشنهادی به عنوان ضمانت حسن اجرای تعهدات به صورت ضمانت‌نامه بانکی اخذ می‌گردد.

آخرین مهلت دریافت (توزیع) اسناد: متقاضیان می‌توانند حداکثر تا ساعت ۱۴:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۷/۲۴ از طریق مراجعه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) اسناد مناقصه را دریافت نمایند. لازم به ذکر است مناقصه‌گران جهت شرکت در مناقصه می‌بایست در موعد مقرر نسبت به دریافت اسناد اقدام نمایند در غیر این صورت مجاز به ارائه پیشنهاد قیمت نمی‌باشند.

آخرین مهلت ارائه پیشنهادات و ثبت اسناد و مدارک در سامانه ستاد ایران حداکثر تا ساعت ۱۴:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۰۷ می‌باشد. شرکت‌کنندگان می‌بایست تا تاریخ مذکور اصل ضمانت‌نامه یا سپرده شرکت در مناقصه را به صورت فیزیکی به آدرس شیراز، بلوار شهید بهشتی، چهارراه خلدبرین، ساختمان مابین شهرداری منطقه یک و پارک خلدبرین، طبقه همکف، دبیرخانه سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات تحویل نمایند.

تاریخ و محل بازگشایی پاکات: روز دوشنبه ساعت ۱۴:۱۵ مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۰۸ در محل شیراز، چهارراه خلدبرین، شهرداری منطقه یک–طبقه سوم- سالن جلسات کمیسیون معاملات شهرداری شیراز می‌باشد.

مدت اعتبار پیشنهادها ۳ ماه می‌باشد.

بدیهی است هزینه آگهی به عهده برنده مناقصه خواهد بود.

شهرداری در رد یک یا تمام پیشنهادها مختار می‌باشد در این صورت سپرده‌ها مسترد می‌گردد.

شرکت در مناقصه و دادن پیشنهاد به منزله قبول شروط و تکالیف شهرداری موضوع ماده ۱۰ آیین‌نامه معاملات شهرداری می‌باشد.

آگهی و اطلاعات مربوط به مناقصه از طریق سایت https://shaffaf.shiraz.ir قابل مشاهده می‌باشد.

برنده مناقصه موظف به ثبت نام در سایت vendor.shiraz.ir می‌باشند.

سایر اطلاعات و جزئیات مربوط به مناقصه در اسناد مناقصه مندرج است.

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: ۱۴۵۶

اداره کل ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری شیراز
شماره شناسه ۱۵۸۰۱۵۰

کانون تبلیغاتی سپهر جوان
۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹
مجری انحصاری تبلیغات محیطی دانشگاه آزاد اسلامی

مدرسه عالی مهارتی رسانه‌ای فرهیختگان
۰۹۱۰۸۱۰۶۵۳۵
Farhikhteghan_school

اعتراض شدید ویسی به برنامه‌ریزی لیگ در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: چطور کسانی که در یک باشگاه هستند برای کل لیگ تصمیم می‌گیرند؟

آقایانی که کاربلد نیستید! این لیگ را تعطیل کنید

■ در باشگاه‌ها جوان‌گرایی می‌کنند اما بزرگسال به تیم امید می‌فرستند

■ با این شرایط ۴ امتیاز از ۴ بازی ایده‌آل نه، اما بسیار خوب است

نیلوفر مژدهی
خبرنگار

بعد از اینکه شاگردان عبدالله ویسی در آخرین لحظات در لیگ برتر ماندنی شدند، این ذهنیت به وجود آمد که شاید در فصل بیست و سوم باید منتظر تیمی توانمندتر از صنعت نفت باشیم اما به مرور زمان و پس از گذشت چند هفته از مسابقات لیگ برتر، علاقه‌مندان به این تیم متوجه شدند مشکلات به قوت خود باقی است و توقع صعود به رده‌های بالای جدول رده‌بندی برایشان غیرممکن است. شرایط تیم صنعت نفت در آستانه بازی حساس امروز با سپاهان بهانه خوبی بود تا با عبدالله ویسی صحبت کنیم. گفت‌وگوی سرمربی صنعت نفت با «فرهیختگان» را در ادامه می‌خوانید.

فکر می‌کردیم با وجود شما تیمی بهتر از صنعت نفت روانه رقابت‌های لیگ برتر شود، اما چرا همچنان ناکامی‌های این تیم لیگ برتری ادامه دارد؟

کاملا درست است. خودم هم به همین نتیجه رسیده‌ام مردم چون دیدند تیم‌مان را با آن شرایط در لیگ برتر حفظ کردیم، توقع‌شان از من بالا رفت و انتظار برد داشتند. مشکل اما همچنان بودجه است. نفت برای تیم فوتبالش حرفه‌ای خرج نمی‌کند. من در ابتدا می‌خواستم کاری خیلی خوب و بزرگ برای این تیم انجام دهم و واقعا با وجود پیشنهادات خوبی که داشتم، ماندم تا به مردم آبادان خدمت کنم. بودجه ۳۰۰ میلیاردی از باشگاه خواستم که ندادند. در ادامه وقتی دیدم نمی‌توانند تهیه کنند این بودجه را به ۱۵۰ میلیارد کاهش دادم اما باز هم چنین بودجه‌ای به من ندادند. در نتیجه با مبلغ زیر ۱۰۰ میلیارد کل تیم از جمله بازیکنان و کادر فنی و همه عوامل را بستیم. درنهایت قول دادند در ابتدای فصل ۳۰ درصد به بازیکنان پول پرداخت کنند که این هم منتفی شد. قطعا تیم ما برای اینکه بتواند مشکلاتش را برطرف کند به پول نیاز دارد و مدیرانش باید بیشتر از قبل برای این موضوع تلاش کنند چراکه نبودن پول، صد در صد نتیجه منفی دارد.

به همین دلیل تیم بومی بستید؟

شرایط بد مالی باعث شد تا تیمی جوان ببندیم از بازیکنان جویای نام استفاده کردیم که اغلب بومی بودند. با این شرایط شاید چهار امتیاز از چهار بازی ایده‌آل نباشند اما بسیار خوب است. برای تیمی که می‌خواهد در لیگ برتر بماند در هر بازی یک امتیاز کافی است. فراموش نکنیم که بازیکنان زیادی هم از ما جدا شدند و تا وقتی که مسائل مالی برطرف نشود مشکلات به قوت خود باقی است.

شاید تعطیلات لیگ نیز اثر منفی روی تیم شما را بیشتر کند؟

تعطیلات مکرر نه تنها از نظر فنی بلکه از نظر روانی نیز تیم را به هم می‌ریزد. ما به خودی خود مشکل داریم، تعطیلات لیگ نیز بر آن می‌افزاید. فصل گذشته وقتی لیگ بیست و دوم تعطیل شد فاصله‌اش تا شروع لیگ بعدی ۵۰ روز بود و جالب اینکه تعطیلات اخیر لیگ برتر تقریبا ۴۰ روز طول کشیده است. یعنی هزینه‌ای که ما باید برای سرحال نگه داشتن این تیم پرداخت کنیم به اندازه نیم فصل گذشته است. نمی‌خواهم بهانه بیاورم چراکه دیگر به این بی‌نظمی‌ها عادت کرده‌ایم اما همه این کمبودها از نظر روانی به تیم ما فشار می‌آورد.

آیا قبول دارید تعطیلات فعلی، نیم فصل را هم تحت تاثیر قرار می‌دهد؟ قطعا در آن مقطع نیز آسیب می‌بینید چراکه از روال خارج شده‌اید؟

متاسفانه نه تنها باشگاه‌ها بلکه در ۸۰ درصد ارگان‌ها و نهادها افرادی تصمیم می‌گیرند که متخصص نیستند. در نتیجه نمی‌توانند شرایط را درک کرده و چون سررشته‌ای در مورد آن موضوع ندارند نمی‌توانند تصمیمات درست بگیرند. مهم‌تر این است که وقتی تصمیمی می‌گیرند، چه درست و چه غلط، روی حرف خود باقی نمی‌مانند و آن را به مرحله اجرا درنمی‌آورند.

به نظر می‌رسد تاخیر در برنامه‌های لیگ برای شهرهایی که آب و هوای خاص دارند گران‌تر تمام می‌شود؟

دقیقا همین‌طور است. تیمی مثل صنعت نفت آبادان در شهریور ماه در هفته پنجم و ششم باید در شهر خود بازی کند. شرایط آب و هوایی شهر ما خاص است و ما باید از این شرایط میزبانی خود استفاده کنیم. دو بازی خانگی پیاپی در شهر آبادان، امتیاز محسوب می‌شود چراکه هواشرجی است و به درد ما می‌خورند. پس میزبانی یعنی چی؟ ما دو هفته است که تماشاگران را نداریم و حالا که می‌خواهیم در هفته پنجم و ششم مقابل تماشاگران خود بازی کنیم بازی‌ها لغو می‌شود و باید هفته هفتم به مصاف سپاهان برویم و در خانه آنها بازی کنیم. چه کسی تصمیم می‌گیرد که برنامه‌های لیگ تا این حد به هم می‌ریزد. مگر این آقایان نمی‌دانستند ما لیگ قهرمانان آسیا را داریم؟ مگر از زمان فیفا دی اطلاع نداشتند؟ مگر مسابقات تیم ملی امید مشخص نبود؟ از طرفی مگر برنامه‌های تیم ملی را نمی‌دانند یا از احتمال برگزاری بازی تدارکاتی بی‌خبرند که این چنین برنامه‌ریزی می‌کنند و بعد برنامه خود را زیر سوال می‌برند. از این اتفاقات فقط باشگاه‌ها صدمه می‌بینند که نتیجه این صدمه را در تیم ملی خواهید دید.

به نظر شما چرا به برنامه‌های خود پایبند نیستند و رعایت حال باشگاه‌ها را نمی‌کنند؟

مگر آقایان از این اتفاقات خبر نداشتند؟ خب چرا برنامه‌ریزی کردند، خب هفته به هفته برنامه‌ریزی کنند و هر هفته که شرایط مسابقه بود بازی کنیم. جالب این است که طلبکار هم هستند و به ما می‌گویند زحمت می‌کشند و ما باید از آنها تشکر کنیم. کدام زحمت، چه کار کردند؟ حتی یک برنامه که خودشان ریختند هم نمی‌توانند اجرا کنند. باید دید چه کسانی در این میان ذی‌نفع هستند که برای کل لیگ برنامه‌ریزی می‌کنند و تصمیم می‌گیرند. ۱۶ تیم در لیگ برتر حضور دارند که حداقل هفت هشت استان را دربر می‌گیرد که حداقل ۲۵ تا ۳۰ میلیون جمعیت دارند. این افراد به شدت پیگیر فوتبال و وضعیت تیم‌های شهرشان هستند آن وقت دو سه نفر آنجا نشسته‌اند و مردم را مسخره خودشان کرده‌اند و جالب اینکه جوابگو هم نیستند.

با این تفاسیر فکر می‌کنید برگزاری بازی هفته هفتم شما مقابل سپاهان به ضررتان تمام می‌شود؟

در حالی به مصاف سپاهان می‌رویم که بازی خانگی‌مان را از دست داده‌ایم. فرض کنیم که با نساجی هم بازی کنیم، اگر نتیجه نگیریم با توجه به دو بازی خانگی که از دست داده‌ایم آیا به مردم آبادان ظلم نشده است؟ نمی‌گویم ما قطعا در بازی‌های خانگی امتیاز می‌گیریم اما به هر حال حق‌مان بازی در خانه خودمان است. در حالی که ما باید چهار بازی خارج از خانه را به صورت پی‌درپی برگزار کنیم. بازی‌هایی که ملوان و گل‌گهر قرار بود به آبادان بیایند برگزار نشد و ما باید در حالی که حق‌مان دو بازی خانگی پی‌درپی بود در زمانی نامعلوم که شاید اصلا به درد ما نخورد در خانه به مصاف این دو حریف برویم.

سهیل مهدی به عنوان رئیس سازمان لیگ مدعی شد اولویتش تیم ملی است در حالی که تصور می‌شد سازمان لیگ باید از حقوق باشگاه‌ها دفاع کند. نظر شما چیست؟

اصلا اولویت ما هم تیم ملی است. اولویت همه رسانه و تماشاگر هم تیم ملی است. مگر کشورهای دیگر تیم ملی ندارند؟ مگر آنها بازی‌های بین‌المللی ندارند؟ برنامه‌ریزی می‌کنند و روی برنامه‌های خود پایبند هستند اما یک باشگاه به خاطر یکی دو بازیکن خود همه چیز را تغییر می‌دهد، چون می‌توانند برای کشور تصمیم بگیرند و همه نیز تبعیت می‌کنند. من براساس برنامه شما هتل رزرو کرده و اتوبوس گرفتم یا هواپیما رزرو کردم. به برنامه شما احترام گذاشتم و هرگز نگفتم اولویت من چیز دیگری است. یک سهم از بزرگسالان هر تیم کم کردم و بازیکنان زیادی را خانه‌نشین کردند که جوانگرایی کنند از سوی دیگر در بازی‌های آسیایی خیلی از تیم‌ها با تیم ملی زیر ۲۱ سال‌شان در مسابقات شرکت کردند در حالی که ما هفت بازیکن بزرگسال با خود بردیم. این چه سیاستی است که از باشگاه‌ها بازیکن کم کردید که به سهمیه جوان اضافه کنید اما خودتان برای شرکت در مسابقاتی که مخصوص زیر ۲۳ ساله است از بازیکنان بزرگسال استفاده می‌کنید. این کار را برای اینکه بتوانید نتیجه بگیرید انجام دادید که درنهایت نه تنها نتیجه نگرفتید بلکه به لیگ هم لطمه زدید. فرض کنیم که اصلا قهرمان می‌شدید و جام هم می‌گرفتید چه فایده‌ای داشت؟ آیا ارزش آن را داشت که این همه به لیگ برتر صدمه و هزینه وارد کنید؟ به کشورهای پیشرفته آسیا نگاه کنید. چنین کارهایی نکردند و از ما موفق‌تر و جلوتر هستند. خجالت‌آور بود که با این میانگین سنی مقابل تیم‌های جوان زیر ۲۱ سال بازی می‌کردیم. بحث برنامه‌ریزی غلط است. بحث آنجایی است که ارتباطات جای خود را به ضوابط داده است. مگر می‌شود کسانی که خودشان باشگاه دارند برای باشگاه‌های دیگر تصمیم‌گیری کنند و ذی‌نفع نباشند!

چطور می‌توانیم از این شرایط فاصله بگیریم و اوضاع را بهتر از قبل کنیم؟

هرگز نمی‌توانیم. تا وقتی که روابط و تصمیم‌ها تاثیرگذار باشد و تا زمانی که افراد کاربلد و متخصص روی کار نیایند تغییری صورت نمی‌گیرند. همین حالا هم می‌توانستند با یک محاسبه ساده هم بازیکن بزرگسال به تیم امید بدهند و هم لیگ را برگزار کنند. به جای سه بازیکن از یک تیم دو بازیکن به تیم امید می‌دادند تا بازی تیم باشگاهی لغو نشود و بتوانند لیگ را طبق روال برگزار کنند اما در واقع سه بازیکن می‌برند که بازی آن تیم لغو شود. به نظر من این کار عمدی است. جالب اینکه در اسفند ماه لیگ قهرمانان را داریم و جام حذفی هم اضافه می‌شوند. بازی‌های هفته پنجم و ششم هم برگزار نشده است. در آن زمان است که باشگاه‌ها را تحت فشار قرار می‌دهید چون هر چهار پنج روز یک بار می‌خواهید بازی برگزار کنید. همه اینها را بگذارید در کنار تعطیلی احتمالی لیگ به خاطر بارندگی و آلودگی هوا و این داستان‌ها! چرا راه دور می‌رویم، همین تیم‌های عربی مگر برای بازی بازی جام باشگاه‌های آسیا به ایران نیامدند؟ آیا لیگ عربستان تعطیل شده است؟ مگر در دنیای حرفه‌ای فوتبال، به خاطر رقابت‌های بین‌المللی، مسابقات لیگ را تعطیل می‌کنند؟ این تیمی که قرار است به عنوان نماینده ایران در جام باشگاه‌های آسیا شرکت کند با همین ذهنیت یارگیری کرده، سهمیه بیشتری داشته و به همین دلیل برنامه‌ریزی کرده است. پس با توجه به شرایط بهتری که دارد باید بتواند فشرده‌تر از دیگر تیم‌ها مسابقاتش را برگزار کند.

درباره حضور بانوان در ورزشگاه چه نظری دارید؟

قوانین حرف اول را می‌زند. در حالی که ما هنوز نمی‌دانیم که آیا بانوان را به ورزشگاه راه بدهیم یا ندهیم! اگر نمی‌خواهیم لیگ را برگزار کنیم اصلا تعطیلش کنیم. اینها همان زنان و مادران و خواهران فوتبالیست‌ها و مربیان و اهالی فوتبال هستند. همان‌هایی هستند که در کنار هم برای رای دادن صف می‌ایستیم. همان‌هایی هستند که در نمازجمعه شرکت می‌کنند. آنهایی هستند که در خیابان و مترو سینما با آنها روبه‌رو هستیم. آدم‌های خاصی نیستند، همان‌ها هستند. من فکر می‌کنم که حضورشان در ورزشگاه بسیار کمک‌کننده است چراکه ما فرهنگ بسیار بالایی داریم. من نمی‌خواهم توانایی‌های تیمی مثل ملوان را زیر سوال ببرم، قطعا آنها تیم توانایی هستند اما حضور خانم‌ها به ایجاد انگیزه در تیم ملوان در دو بازی خانگی بسیار کمک کرده است. سود حضور خانم‌ها در ورزشگاه قایقران را مردم انزلی و تیم ملوان می‌برد. اتفاقی که برای باشگاه سپاهان افتاد و برای من به‌عنوان یک ایرانی بسیار ناراحت‌کننده بود. ما نیز یک بازی بسیار مهم مقابل سپاهان داریم که همه تلاش‌مان را می‌کنیم تا برنده از زمین خارج شویم اما نکته ناامیدکننده آنجاست که بعد از این بازی باز هم لیگ تعطیل می‌شود.

مسئول اجرایی کاروان الهلال در سفر به تهران در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: الهلالی‌ها بیشتر از هر چیزی نگران چمن آزادی بودند

تصور نیمار از ایران تغییر کرد

محمدرضا حاجی‌عبدالرزاق
خبرنگار گروه ورزش

امیر سلطانی، معاون اسبق باشگاه استقلال و سرپرست سابق نساجی که از سوی باشگاه الهلال عربستان به‌عنوان هماهنگ‌کننده و مسئول اجرایی سفر این باشگاه عربستانی به تهران برای بازی با نساجی انتخاب و معرفی شده بود در گفت‌وگویی با «فرهیختگان» درباره سفر سعودی‌ها با ستاره‌هایی مانند نیمار برزیلی به تهران و اتفاقات و پشت‌پرده‌های این سفر و البته حواشی دیدار نساجی و الهلال به گفت‌وگو پرداخت که در ادامه می‌خوانید.

چطور شد که این سمت از طرف فدراسیون فوتبال عربستان به شما به‌عنوان یک ایرانی سپرده شد.

از آنجایی که قبلا بازی منچستر و گالاتاسرای را در سوئد برگزار کرده و دوستان عربستانی در یکی از کمپ‌های این کشور حضور داشتند و چون آنها را برای این دیدار دعوت کرده بودم این آشنایی شکل گرفته است. به خاطر همین آشنایی که باشگاه الهلال و فدراسیون فوتبال عربستان از بنده داشتند به ما لطف کردند و از من خواستند تا کارهای این بازی را انجام دهیم. خدا را شکر از آنجایی که تجربه بازی با النصر وجود داشت سعی کردیم منسجم‌تر و هماهنگ‌تر کار را پیش ببریم تا اتفاقات دیدار گذشته پرسپولیس تکرار نشود. برای بازی با نساجی همه چیز روی برنامه بود و با زحمات و تلاش‌های عوامل فدراسیون و آقای حدادیان درمجموع کار روی اصول و نظم خوبی پیش رفت. همه دست به دست هم دادیم تا یک بازی آبرومند برگزار شود. البته شور و اشتیاقی که مردم برای دیدار با ستاره‌های الهلال داشتند کار را مشکل کرده بود. این در حالی است که حساسیت‌ها بعد از بازی الاتحاد بیشتر هم شده ولی خدا کمک‌مان کرد تا از پس این کار سربلند بیرون بیاییم.

بعد از لغو دیدار سپاهان و الاتحاد، گویا الهلالی‌ها هم هشدارهایی را مبنی بر تکرار این اتفاق داده بودند. این موضوع چقدر واقعیت داشت؟

خیر، اصلا! کل کاروان از سفرشان از ابتدا تا انتها راضی بودند و چندین بار رضایت خود را ابراز کردند. اصلا این مسائل نبود و اینها خودشان را درگیر مسائل بازی دیگری نکرده و کار خودشان را کردند و تمرکزشان روی بازی با نساجی بود. جوری رفتار کردند که بچه‌هایشان وارد این فضاها نشوند و تمرکزشان روی بازی باشد. در کل همه چیز نرمال و عادی پیش رفت. ضمن اینکه دو نفر از دوستان مسئول با من تماس گرفتند به آنها گفتم که خیالتان راحت این اتفاق نمی‌افتد.

نگران نبودید که ماجراهای سفر رونالدو به تهران این بار به خاطر حضور نیمار در کشورمان تکرار شود؟

نگرانی همیشه وجود دارد و ما هم همیشه سعی می‌کنیم خودمان را برای بدترین شرایط آماده نگه داریم. اما در هر صورت تمامی عوامل این دیدار و مسئولان دو تیم همراه با سفیر عربستان از مقدمات پیرامونی این دیدار به شدت راضی بودند. درواقع فردای بازی سپاهان و الاتحاد که برگزار نشد، اتفاقات شیرین دیدار الهلال و نساجی فارغ از نتیجه‌ای که به‌دست آمد اتفاقات تلخ بازی روز قبلش را تحت‌الشعاع قرار داد. البته شاهد بازی جذاب و زیبایی نیز با حضور تماشاگران بودیم.

به نظر می‌رسید به نیمار در ایران خیلی خوش گذشته باشد. هرچند درباره چمن آزادی پست عجیبی را قبل از بازی منتشر کرد.

اتفاقات این سفر بی‌نظیر و او خیلی راضی بود. از میزان اشتیاق مردم ایران به فوتبال خیلی تعجب کرده بود. جالب اینکه کادر الهلال به خاطر نگرانی‌ای که به خاطر شرایط چمن داشتند در حالی که بامداد به ایران رسیده بودند صبح دوشنبه ساعت ۹ راهی ورزشگاه آزادی شدند تا از وضعیت چمن بازدید به عمل بیاورند. در هر صورت شرایط آن نسبت به گذشته بهتر شده بود و خودشان اذعان داشتند که وضعیت مناسب و این چمن قابل بازی است.

نیمار مجسمه عجیبی که برایش ساخته بودند را از نزدیک دید؟

خیر، چون تیم الهلال از ورودی دیگری رفت‌وآمد داشتند. البته یک فرش نفیس ایرانی را از طرف مالک نساجی به نیمار اهدا کردیم که او بسیار تشکر کرد و اذعان داشت که تعریف فرش ایرانی را زیاد شنیده‌ام و از میهمان‌نوازی ایرانی‌ها قدردانی کرد. نیمار حتی به این مساله نیز پرداخت که تصورش از ایران نسبت به قبل از اینکه به کشورمان بیاید تغییر کرده است. در کل تمامی کاروان الهلال از سفر به تهران راضی و خشنود بودند.

نیمار درباره تیم ملی یا فوتبال ایران صحبتی نکرد؟

خیر، اصلا! تمرکز آنها روی بازی با نساجی بود و چیز خاص دیگری مطرح نشد. درمجموع با توجه به شرایطی که در جریان سفر به تهران به‌وجود آمد و اتفاقات دیدار با نساجی که منجر به ثمر رسیدن اولین گل نیمار با پیراهن الهلال شد، حداقل اتفاقات این بازی برای نیمار خوشایند بود و باعث شد تا این فوق‌ستاره برزیلی و چه بسا کل کاروان الهلال با خاطره خوبی ایران را ترک کنند. حالا چون همه روی نیمار تمرکز داشتند، رضایتمندی و خوشحالی او بیشتر به چشم آمد. البته به صورت کلی درباره نیمار بگویم که او کلا آدم کم‌حرفی است و به آن صورت در جریان این سفر هم این خصیصه او بیشتر به چشم آمد.

درباره این سفر الهلالی‌ها نکته خاصی باقی می‌ماند؟

آنها یک گروه ۷۰ نفره بودند و این در حالی است که معمولا کاروان‌های اعزامی را ۴۵ نفر تشکیل می‌دهند و مدیریت و هماهنگی این تعداد نفرات کمی کار را سخت کرده بود که خدا را شکر ما با سربلندی از پس این کار و میزبانی برآمدیم. ضمن اینکه فدراسیون عربستان از طرف دو نفر از نمایندگانش که در کنار الهلال بودند از بابت اتفاقات این دیدار و این سفر ابراز رضایت کرده و از من هم بابت هماهنگی‌ها تشکر کردند.

صحبت پایانی...

برای من خیلی مهم و ارزشمند بود که عربستانی‌ها یک ایرانی را به‌عنوان مسئول هماهنگی در حالی انتخاب کردند که الهلال با یک تیم ایرانی بازی داشت. این یک اتفاق عجیبی بود که نشان از اعتماد آنها داشت.

شنبه ۱۵ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۷۴
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

شنبه ۱۵ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۷۴
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

اطلاعات درباره فیلم سینمایی «جنگجوی صحرا» متناقض و محدود است

پروژه زیرزمینی سعودی

عاطفه جعفری
خبرنگار گروه فرهنگ

«جنگجوی صحرا» فیلمی که در ۲۴ ساعت گذشته در فضای مجازی درباره آن صحبت می‌کنند. این جزء اولین پروژه‌های سینمایی کشور عربستان است که مطابق با صنعت هالیوود و با همکاری ام‌بی‌سی درحال تولید است. گفته می‌شود که این فیلم با موضوع شکست ارتش خسرو پرویز از قبایل «بکر بن وائل» در جنگ معروف «ذوقار» ساخته می‌شود. ظاهر پروژه اگرچه روایتی تاریخی است اما مبتنی‌بر یک ایده نژادی و نبرد قومیتی تعریف می‌شود. آن چیزی که باعث شده است طی روزهای گذشته اخبار این فیلم بیشتر به چشم بیاید به خاطر شایعه حضور یک بازیگر زن ایرانی در این فیلم است. صبح روز پنجشنبه سیزدهم مهرماه برخی رسانه‌ها با استناد به اطلاعات مندرج در سایت «IMDB» اعلام کردند که ویشکا آسایش بازیگر زن ایرانی در پروژه سینمایی جنگجوی صحرا به ایفای نقش پرداخته است و همین حاشیه‌ساز شد. واکنش‌ها به حدی بود که این بازیگر با انتشار یک استوری در صفحه شخصی‌اش بازی در این فیلم را تکذیب کرد و نوشت: «اطلاعات این سایت دستکاری شده، چون من در این فیلم بازی نکرده‌ام.» برخی رسانه‌ها پس از گذشت دقایقی، این خبر را از روی خروجی خود حذف کردند. اولین بار در سال ۱۴۰۰ خبر از ساخته شدن این فیلم سینمایی مطرح شد و درموردش نوشتیم و دوباره بعد از دوسال می‌گویند، این فیلم سینمایی همچنان در مرحله پس‌تولید است. اما و اگرها درمورد ساخت این فیلم زیاد است، اینکه بعد از دوسال هنوز فیلم تمام نشده است باز هم ایجاد سوال می‌کند. عده‌ای هم می‌گویند این فیلم سینمایی هم به سرنوشت سریال معاویه دچار شده است و بعد از رویه سیاسی جدید بین ایران و عربستان این فیلم سینمایی هم رنگ پرده سینما را نمی‌بیند. اما با وجود همه این حرف‌ها اخبار و اظهارنظر دوباره درباره ساخت این فیلم در فضای مجازی هیاهو به پا کرده است؛ فارغ از تمام اما و اگرهایی که وجود دارد در گزارش پیش‌رو به سراغ خبرهایی رفتیم که در فضای رسانه از این فیلم سینمایی منتشر شده است.

ماجرای جنگجوی صحرا و نبرد ذوقار چیست؟

جنگجوی صحرا Desert Warrior به کارگردانی روپرت وایت سراغ موضوع «جنگ ذوقار» و شکست خسرو پرویز از اعراب رفته است. طبق اعلام سایت imdb، در این فیلم بن کینگزلی که پیش از این نیز بارها در نقش شخصیت‌های ایرانی همچون «ابوعلی سینا» مقابل دوربین رفته، نقش خسرو پرویز پادشاه ساسانی را ایفا می‌کند. جنگ ذوقار به جنگی گفته می‌شود که پیش از ظهور اسلام، بین سپاه خسرو پرویز و قبایل بکر بن وائل، در جنوب عراق درگرفت. در این جنگ سپاه ساسانی که متشکل از چند قشون بود در نزدیکی پایتخت لخمی‌ها، حیره که امروزه شهر کوفه نامیده می‌شود از چند طایفه عربی شکست خوردند. گفته می‌شود که این فیلم با همکاری mbc و بودجه ۱۵۰ میلیون دلار به زبان انگلیسی و در صحرای نئوم عربستان سعودی فیلمبرداری شده است. آنتونی مک‌کی، غسان مسعود، عایشه هارت و نعمان بن منذر از دیگر بازیگران این فیلم هستند. اگر بخواهیم به اصل ماجرای این فیلم برگردیم باید تاریخ را مرور کنیم. ذوقار محلی بوده بین بصره و کوفه. در زمانی که نبرد ذوقار رخ داد هنوز شهر کوفه تاسیس نشده بود. بعضی می‌گویند وجه نامگذاری این محل به خاطر چاهی بوده که آب آن سیاه مانند قیر بوده است. احتمالا آب سیاهی که مردم آن زمان می‌دیدند و خوب آن را نمی‌شناختند نفت بوده است. در آن مناطق حاکم گماشته‌ای از جانب حکومت ساسانیان حضور داشت به نام نعمان بن‌منذر. خسروپرویز در زمان لشکرکشی به روم در سال ۶۱۰ میلادی شنید نعمان رئیس و پادشاه حیره دختر زیبارویی دارد خسرو خواست او را به کنیزی خودش درآورد و در شمار زنان حرمسرایش قرار دهد که تعدادشان را هزاران عدد گزارش کرده‌اند. این هوسرانی خسرو درحقیقت به قیمت تاج و تختش پایان پذیرفت.

کارگردان انگلیسی

ام‌بی‌سی استودیوز که بازوی تهیه شرکت ام‌بی‌سی گروپ است، با جرمی بولت تهیه‌کننده آمریکایی «رزیدنت اویل» همراه شده تا یک فیلم تاریخی با بودجه‌ای عظیم بسازد، فیلمی که داستان آن در قرن هفتم به وقوع می‌پیوندد. کار فیلمبرداری پروژه از ماه سپتامبر سال ۲۰۲۱ در شهرکی آغاز شد و بعد هم در استان تبوک واقع در شمال‌غرب عربستان سعودی ادامه پیدا کرد. این فیلم به‌عنوان نخستین بلاک‌باستر عظیم عربستان و همچنین بزرگ‌ترین پروژه ام‌بی‌سی تا به‌حال به حساب می‌آید. از زمان شروع پروژه می‌گفتند فیلمبرداری آن تا سه ماه ادامه دارد، اما بعد از دوسال برخی خبرها از تمام شدن فیلمبرداری می‌گویند. کارگردان این فیلم روپرت وایت است. روپرت وایت متولد سال ۱۹۷۲، فیلمنامه‌نویس، کارگردان و تهیه‌کننده انگلیسی است. او در پاریس سینما خواند و از زمانی که هنوز در دانشگاه بود شروع به نوشتن و نویسندگی کرد. وایت اولین کارگردانی خود را با فیلم فرار (The Escapest) در سال ۲۰۰۸ تجربه کرد که برای اولین‌بار در جشنواره فیلم ساندنس به نمایش درآمد. دومین فیلم او، فیلم پرفروش «ظهور سیاره میمون‌ها» (Rise of the Planet of the Apes) در سال ۲۰۱۱ بود. سومین فیلم او کار ناموفقی به نام قمارباز بود در سال ۲۰۱۴ و فیلم علمی-تخیلی «ایالت محبوس» در ۲۰۱۹ کار بعدی او بود. او همچنین کارگردانی دو قسمت اول از اقتباس تلویزیونی The Mosquito Coast در سال ۲۰۲۱ را برعهده داشت و همچنین به‌عنوان تهیه‌کننده اجرایی در این سریال خدمت کرد. حالا جنگجوی صحرا قرار است پنجمین فیلم سینمایی این کارگردان باشد. بن کینگزلی و آنتونی مکی ازجمله بازیگران این فیلم بودند. وقایع فیلم جنگجوی صحرا در قرن هفتم پس از میلاد اتفاق می‌افتد و نقش خسرو ساسانی را بن کینگزلی بازی می‌کند. شاهزاده هند با بازی عایشه هارت اجرا می‌شود و نقش ملک النعمان توسط غسان مسعود ایفا می‌شود.

عربستان و پروژه نئوم

زینب ابوالسمح، مدیرکل استودیو MBC KSA درباره ساخت این فیلم گفته است: «این شرکت مفتخر است که با چنین استعدادهای در سطح کلاس جهانی در جنگجوی صحرا Desert Warrior کار کند و همین موضوع گواهی بر کار درستی است که ما برای تولید محتوای ممتاز برای مخاطبان جهانی انجام می‌دهیم. جنگجوی صحرا داستان ماجراجویی است که یک قهرمان زن در خط مقدم داستان قرار دارد. امیدواریم این داستان با مخاطبان در تمام سنین در سراسر جهان ارتباط برقرار کند. روپرت وایتیک فیلمساز رویایی است و جرمی بولت قبلا توانایی خود را در هدایت پروژه‌های حماسی ثابت کرده است. بازیگران هم که توانسته‌اند یک رویا را به حقیقت تبدیل کنند. ترکیبی از استعدادهای عرب و غیرعرب که گرد هم می‌آیند تا فیلمی فراموش‌نشدنی بسازند و فرهنگ غنی ما را در اینجا برجسته کنند. این آغازی است برای تبدیل شدن عربستان به مرکز تولید فیلم‌های محلی و جهانی.» به نظر می‌رسد عربستان تلاش دارد با پول‌پاشی و واردات فیلمسازان و بازیگران صنعت سینمای جهان توانایی‌ها و ظرفیت‌های فیلمسازی کشور خود را بالا ببرد. جرمی بولت، تهیه‌کننده فیلم سینمایی جنگجوی صحرا که جزء پروژه‌های مهم سینمایی عربستان به حساب می‌آید، گفته است: «در این فیلم تماشاگران به تماشای یکی از دراماتیک‌ترین و پیامدترین نبردهای تاریخ می‌نشینند. اکشنی دیدنی و شجاعت فوق‌العاده در برابر مناظر خیره‌کننده بیابانی و کوهستانی.» وین بورگ، مدیرعامل صنایع رسانه در NEOM هم درباره این پروژه گفته است: «جذب تیم تولید در جنگجوی صحرا که به‌عنوان اولین فیلم بلند ما معرفی شده است اعتماد صنعت فیلم به توانایی ما برای ارائه یک تجربه تولید یکپارچه را برجسته می‌کند. مکان‌های تازه و متنوع ما تیم تولید در سطح جهانی NEOM را به مقصدی بسیار جذاب برای تولید فیلم‌های سینمایی تبدیل کرده است.»

اما نئوم (NEOM) چیست و در راستای کدام پروژه عربی تعریف می‌شود. نئوم یکی از پروژه‌های گیگا است. گیگا بخشی از برنامه چشم‌انداز ۲۰۳۰ محمدبن‌سلمان برای متحول کردن عربستان است؛ چشم‌اندازی که می‌خواهد این کشور را به قطب منطقه از همه نظر تبدیل کند و همه درباره آن صحبت می‌کنند. هر کدام از بخش‌های این برنامه از نظر مقیاس بسیار بزرگ هستند و بسیاری از آنها مستقیما توسط صندوق ثروت دولتی و صندوق سرمایه‌گذاری عمومی تامین مالی می‌شوند. سایر برنامه‌ها مانند شهرک غیرانتفاعی محمدبن‌سلمان توسط خود او تامین مالی می‌شوند. بسیاری از پروژه‌های گیگا به توسعه بخش‌هایی سنتی مانند مکه و جده یا پارک ملک سلمان در ریاض مربوط می‌شود؛ دیگر پروژه‌های گیگا در سایت‌های متعددی پخش شده‌اند، از جمله پروژه شرکت سعودی داون تاون، که هدف آن ایجاد مراکز شهری در ۱۲ شهر در سراسر پادشاهی است و توسعه‌دهنده املاک روشن، که مأموریت ساخت ۴۰۰ هزار خانه در سراسر عربستان را دارد. نئوم اعلام کرده است که تا سه سال آینده حداکثر ۹ پروژه تلویزیونی و فیلم را تولید خواهد کرد. دو فیلم بلند سینمایی و یک سریال که درحال حاضر در دست ساخت هستند، خیلی‌ها پروژه نئوم را به دنبال موفقیت‌های اکران فیلم «ستار» که به پرفروش‌ترین فیلم سعودی تا به امروز تبدیل شده است می‌دانند.

وین بورگ که مدیر صنایع رسانه، سرگرمی و فرهنگ در NEOM است درباره این موضوع گفته است: «هدف ایجاد یک مرکز رسانه‌ای در سطح جهانی در NEOM است که از صنعت عربستان در رقابت و موفقیت در مقیاس جهانی پشتیبانی کند. نئوم تاکنون میزبان ۳۰ محصول بوده است که یکی از این پروژه‌ها جنگجوی صحرا به کارگردانی روپرت وایات است.» او همچنین از راه‌اندازی اولین مشارکت نتفلیکس در عربستان خبر داده و گفته است: «حضور قدرتمند ما در رسانه‌های اجتماعی نقطه عطف دیگری در این تلاش است تا بتوانیم پروژه‌هایی در راستای این مدل را ادامه بدهیم.»

نئوم یک شهر در استان تبوک در شمال غربی عربستان خواهد بود که قرار است تا سال‌های آتی قابل سکونت شود. برنامه‌ریزی شده است که از فناوری‌های هوشمند در شهر استفاده شود و همچنین به‌عنوان یک مقصد گردشگری عمل کند. در کنار این طرح‌ها، یک ایده دیگر هم مطرح می‌شود تحت عنوان مورابا که برای «تعریف خط افق جدید ریاض» طراحی شده است. مورابا یک منطقه تجاری و سرگرمی خواهد بود که در اطراف آسمانخراش مکعبی‌شکلی به ارتفاع ۴۰۰ متر به نام موکب ساخته شده است. این مکعب که شامل دو میلیون مترمربع مغازه و جاذبه‌های فرهنگی و توریستی است مرکز توسعه‌ای به مساحت ۱۹ کیلومتر مربع را تشکیل می‌دهد که به‌عنوان یک منطقه مرکزی جدید برای پایتخت عربستان سعودی است.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۰۰۱۶۰۰۶۶۷۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محمودآباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/خانم مظاهر احمدی فرزند رحمت‌اله به شماره شناسنامه ۴۶۹ صادره از آمل در سه‌دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی (کاربری زراعی) به مساحت ۲۹۰/۴۳ مترمربع پلاک ۴۱۴۴ فرعی از ۵۵ اصلی بخش ۲ واقع در ملاکلا خریداری از مالک رسمی آقای سیدمظاهر احمدی محرز گردیده است. لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۷/۱۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۷/۳۰ میم الف: ۱۵۸۰۱۱۸
مهدی آزاد - رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۰۰۱۶۰۰۶۵۳۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محمودآباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/خانم علیرضا مهری فرزند خداویردی به شماره شناسنامه ۵۰۰۰۱۲۲۵۸۵ صادره از محمودآباد در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۷۷/۰۳ متر مربع پلاک ۳۸۳۲ فرعی از ۴۷ اصلی بخش ۱۰ واقع در محمودآباد خریداری از مالک رسمی آقای حسن محمدپور محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۷/۱۵ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۷/۳۰
میم الف: ۱۵۸۰۱۵۱ - مهدی آزاد - رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۰۰۱۶۰۰۶۶۷۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محمودآباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/خانم معصومه عبداله فرزند محمود به شماره شناسنامه ۸۲۵ صادره از تهران در سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۹۰/۴۳ مترمربع پلاک ۴۱۴۴ فرعی از ۵۵ اصلی بخش ۲ واقع در ملاکلا خریداری از مالک رسمی خانم معصومه عبداله محرز گردیده است. لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۷/۱۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۷/۳۰ میم الف: ۱۵۸۰۱۳۳
مهدی آزاد - رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۰۰۱۶۰۰۶۲۶۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محمودآباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/خانم سیدرضا صدیق فرزند سیدکریم به شماره شناسنامه ۴۴ صادره از قم در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی (کاربری زراعی) به مساحت ۱۸۲/۰۵ مترمربع پلاک ۲۴۶ فرعی از ۱۷ اصلی بخش ۱۰ واقع در یوسف‌آباد خریداری از مالک رسمی آقای علی محمد سلحشور محرز گردیده است. لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۷/۱۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۷/۳۰
میم الف: ۱۵۸۰۰۹۲ مهدی آزاد - رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۰۰۱۶۰۰۶۶۶۴ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محمودآباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/خانم علی‌رضا عراقی فرزند وجیه‌الله به شماره شناسنامه ۱۶۲۶ صادره از باختران در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی (کاربری زراعی) به مساحت ۱۸۷/۴۵ مترمربع پلاک ۵۹۸ فرعی از ۱۲ اصلی بخش ۱۰ واقع در حربده خریداری از مالک رسمی آقای علیرضا عراقی محرز گردیده است. لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۷/۱۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۷/۳۰ میم الف: ۱۵۸۰۰۸۴
مهدی آزاد - رئیس ثبت اسناد و املاک

کانون تبلیغاتی سپهرجوان
۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹
مجری انحصاری تبلیغات محیطی دانشگاه آزاد اسلامی

صدای نخبگان
نگاه جوانان
روزنامه فرهیختگان
FARHIKHTEGAN
farhikhteganonline

مدرسه عالی مهارتی رسانه‌ای فرهیختگان
۰۹۱۰۸۱۰۶۵۳۵
Farhikhteghan_school

شنبه ۱۵ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۷۴
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

برای آتیلا پسیانی که نقش‌های مختلف مثبت و منفی زیادی به یادگار گذاشت اما پشت دوربین نقش بازی نکرد

ضد ایران رل بازی نکرد

هومن جعفری
خبرنگار

طرح: آرش فروغی | فرهیختگان

ویدئوی منتشرشده تلخ و تامل‌برانگیز از سال ۱۳۷۳. فردوس کاویانی و آتیلا پسیانی ایستاده‌اند کنار هم. فردوس در آستانه ترک میانسالی و آتیلا در آستانه ورود به آن. فردوس مشغول تعریف کردن از آتیلای خردسال که همراه مادرش جمیله شیخی به تمرین‌های تئاتر می‌آمد و تعریف از اینکه مشخص بود این بچه هنرمند خواهد شد و آتیلا خوشحال و خجالت‌زده از این تعریف گرم و حال خوب کن. این دو، تقریبا دو دهه‌ای با هم اختلاف داشتند اما مرگ‌شان در یک هفته رقم خورد. اول فردوس کاویانی در ۸۲ سالگی و دوم آتیلا پسیانی در ۶۶ سالگی. فاصله مرگ‌شان دو سه روز. نمی‌توانی آن ویدئو را نگاه کنی و بپذیری که این دو قرار است به فاصله دو سه روز دنیا را ترک کنند. منطقی نیست. قابل فهم هم نیست. با حساب و کتاب دنیا هم جور در نمی‌آید اما چه کار می‌شود کرد. دنیا همین‌طوری است. دو آدم، یا ۱۶ سال اختلاف سنی، در فاصله چند روز می‌میرند. مرد مسن‌تر، بازیگر تئاتر بوده و مرد جوان‌تر، تماشاگری خردسال. این دنیا چقدر می‌تواند از این بازی‌ها در آستینش داشته باشد؟

مرد تصویر

تعریف کردن از این هنرمند درگذشته، کار دشواری نیست؛ چه‌اینکه حسن خلق و شهرت نیک و رفتار حرفه‌ای او قابل انکار نبوده و نیست. با این همه، او را باید مرد تصویر نام داد. او مردی بود که همیشه در دنیای هنرهای نمایشی باید تصویرش را جایی می‌دیدی. در سینما یا تلویزیون یا تئاتر. همه جا بود و همه جا هم حضور پررنگ داشت. دوستی برای مرگش نوشته بود زیاد بازی کرد اما کیفیت بازی‌اش افت نکرد. حرف غلطی نیست. کمیت کارهای آتیلای پسیانی، فراوان بود. این را می‌توانی با نگاه کردن به فهرست پروپیمان کارهای سینمایی یا تلویزیونی یا تئاتری‌اش متوجه شوی. حداقل در ۴۰ کار تئاتری بازی کرد. تعداد فیلم‌هایش در سینما تا نزدیکی‌های ۸۰ می‌رسد. در تلویزیون هم نزدیک به ۷۰ سریال یا تله فیلم یا تله تئاتر را بازی کرد اما با این همه کمیت تحسین‌برانگیز، بازی بد یا حتی زیر خط متوسط، از او در خاطره‌ها نمانده. برای پیدا کردن چنین چیزی، باید خیلی ذهنت را بکاوی. در هر جایی کار کرد، از خودش یادگارهای درجه یکی بر جای گذاشت. چه مقابل دوربین در نقش بازیگر چه پشت دوربین در نقش بازیگردان یا انتخاب‌کننده بازیگر یا دستیار کارگردان یا دستیار صحنه و لباس. چندتایی هم در شبکه نمایش خانگی سریال داشت. مرد صحنه بود. هرجا صحنه بود، او هم می‌توانست گوشه‌ای از کار را بگیرد. نقش‌ها را بلد بود مال خود کند. در تئاتر هم همه کار کرد. کارگردانی و بازیگری گوشه‌ای از کارش بود. خاک صحنه خوردن در دنیای نمایشی را دوست داشت.

اولین قاب

برای خیلی‌ها، او بازیگر مجموعه محله بروبیا بود اما من نخستین بار او را در کشتی آنجلیکا به یاد دارم. جوان و خوش‌بروو. خیلی بچه بودم و هنوز دنیای داستان‌های سینمایی را نمی‌شناختم و مرگ شخصیت‌های جذاب برایم باورپذیر نبود. مرگ او در اواسط فیلم و سپردن پیکرش به دریا، همراه با اشک‌های مهدی فتحی و بهت تمام‌نشدنی داریوش ارجمند، شاید از اولین شوک‌های زندگی سینمایی‌ام بود. بعدها این قاب‌ها بیشتر تکرار شد و هر بار همراه با تعجب یا شگفتی بیشتری. در سریال‌های سینمایی که خوش می‌درخشید. هرچه زمان بیشتری برای اضافه کردن لایه‌های جدید به کار داشت، کارش خوش‌نقش‌تر می‌شد. در پرده‌نشین، نقش منفی بود اما زمان می‌خواست تا بتوانید نیات واقعی او را درک کنید. در زیر تیغ، درخشید با اینکه نقشش کوتاه بود. او باید خیلی زود، سریال را ترک می‌کرد تا بار شک و گناه روی گردن پرویز پرستویی بیفتد. در همان زمان کوتاه هم کارش را کرد. تصویری که از او داریم یک کارگر کهنه‌کار بود نه آتیلا پسیانی در نقش یک کارگر کهنه‌کار. بلد بود نقش‌ها را لباس کند و به تن بیندازد. بلد بود.

نقش تقی تاکسی‌اش که طلا بود. یک راننده تاکسی آذری‌زبان که مدام به جواد عزتی پسرش می‌گفت: «شما ناسلامتی معلمی!» پدری سنتی که عادت داشت همه چیز را تملک کند حتی ایده‌های فرزندش را! یک نقش عمومی و عامه‌پسند. تماشایی و خنده‌دربیار. محبوب میلیون‌ها تماشاگر تلویزیونی که می‌خواستند در شب‌های ماه رمضان بعد از افطار، مقابل تلویزیون لم بدهند و بخندند. از همان نقش‌ها و کاراکترها که انگار دیگر نمی‌شود در سریال‌ها شاهدش بود. نقشی که لاکچری نبود و به اصطلاح عرق داشت اما در خاطره‌ها می‌ماند! شمایل پسیانی به‌عنوان یک بازیگر سریال‌های عامه‌پسند، شمایل قابل قبولی بود. مردم با نقشش ارتباط خوبی برقرار کردند. بازی تیمی‌اش هم خوب بود. بلد بود سر فرصت پاس بدهد و پاس بگیرد. در گمگشته در دو نقش بازی کرد. یک مرد ثروتمند و یک کلاهبردار که شبیه او بود. کار خوب گرفت و هنوز هم یکی از بالاترین آرای مردمی در سریال‌های مناسبتی را دارد. برای این نقش نامزد دریافت جایزه حافظ هم شد.

شوک دیگری که از او دارم نقش‌های منفش‌اش بود. پسیانی بلد بود نقش منفی را دربیاورد. در روز شیطان، یک تروریست بود که در ایران ماموریت یک حمله اتمی را داشت. نقشش در فیلم در کمال خونسردی هم یک شوک دیگر بود. یک موفقیت دیگر برای او در ایفای نقش‌های منفی. در آب و آتش جیرانی، بازی در نقش منفی را یک پله بالاتر برد. بازی در نقشی بسیار پرحرف و حدیث. مردی که مالک زنان خیابانی است و از آنها بهره می‌برد. چهره دوست‌داشتنی او در این فیلم، در نقشی چنین خشن و منفی، کاملا در خاطره‌ها می‌ماند. یکی از شاه‌نقش‌های زندگی‌اش.

و اینها همه نقش‌های درخشان او نیست که هیچ، حتی گوشه‌ای از کارهای خوبش نیز به حساب نمی‌آید. در سینما خوب بود. در خاکستر سبز حاتمی‌کیا بسیار به چشم آمد. در مسافران بهرام بیضایی، نقش پلیسی را داشت که در ثبت وقایع بسیار ماهرانه کار می‌کرد. از پس ارائه این نقش کلیدی به خوبی برآمد. در دوزن و نسل سوخته هم بسیار خوب دیده شد. می‌شود این فهرست را تا سطرها و پاراگراف‌ها ادامه داد اما چیزی به این حقیقت اضافه نمی‌شود که او، مرد تصویر بود. می‌دانست چگونه باید دیده شود. حالا ما در دنیایی هستیم که او دیگر در آن نیست. جایش هست که صدایش کنیم و بپرسیم: «از شما که معلم بودی، بعید نبود آقای تقی تاکسی؟»

خداحافظ ای مرد نقش‌های رنگی

مریم فضائلی
خبرنگار

روز گذشته خبری شوک‌کننده از مرگ نابهنگام بازیگر نام‌آشنای سینما و تلویزیون منتشر شد. آتیلا پسیانی در ۶۶ سالگی و بعد از یک دوره بیماری درگذشت. پسیانی فرزند جمیله شیخی بازیگر فقید سینماست که ظاهرا همین نسبت خانوادگی از همان کودکی پای او را به صحنه تئاتر باز کرد. پسیانی درباره ورودش به دنیای بازیگری با عبارت تصادف یاد کرده و چندسال پیش در مصاحبه‌اش در برنامه «دورهمی» گفته بود: «۱۰ ساله بودم که با مادرم سر تمرین تئاتر مرحوم رکن‌الدین خسروی که نمایش «حکومت زمان‌خان» را کار می‌کردند، رفتیم. آن روز پسری که همسن‌وسال خودم بود و در آن تئاتر کار می‌کرد، سرما خورده بود و من به جایش بازی کردم.» پسیانی در همان سن کم، اجراهای کوچکی داشت و بعدها در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران در رشته کارگردانی و بازیگری تئاتر مشغول به تحصیل شد. اولین کار تصویری آتیلا پسیانی به سال ۱۳۵۶ و در برنامه تلویزیونی «لحظه» برمی‌گردد. او در کارنامه‌ی هنری‌اش بیش از ۶۰ اثر تلویزیونی دارد، ازجمله آثاری که در برخی از آنها نقش‌هایی بسیار کوتاه داشته تا آثاری که نقش‌های اصلی را ایفا کرده است، اما هر آنچه او بازی کرده، نشان از توانایی‌اش در ایفای نقش‌های متنوع است. مخاطب از او در شخصیت‌های طنز خاطره دارد تا نقش‌های جدی. حضور و شهرتش در تلویزیون بعد از انقلاب با برنامه ویژه کودکان به نام «محله برو بیا» بود؛ برنامه‌ای که فردوس کاویانی، اکبر عبدی، حمید جبلی و هنرمندان مشهور این روزها در آن ایفای نقش کرده‌اند. اما یکی از سریال‌های تلویزیونی که حدود ۱۰ سال از آن می‌گذرد و کاراکتر متفاوتش در ذهن مخاطبان مانده، داوود سریال «پرده‌نشین» است. داوود مردی بازاری است ولی آرزوهای دور و درازی دارد که در پوشش یک مرد دیندار، کارهای خلاف انجام بدهد. یکی از سریال‌هایی که پسیانی نقشی کوتاه داشته اما در آن خوش درخشیده، سریال «برف بی‌صدا می‌بارد» است. پسیانی فقط در چند قسمت این مجموعه تلویزیونی، به‌عنوان یکی از درجه‌داران پیش از انقلاب که حالا از خارج برگشته تا سراغ پسرش برود، بازی کرده بود. تقی تاکسی «چاردیواری» یکی دیگر از نقش‌های متفاوت تلویزیونی او بود که فضایی طنز داشت. در برنامه تلویزیونی «خندوانه»، آتیلا پسیانی همراه با گوهر خیراندیش و کمال تبریزی، داوری بخش خنداننده‌شو را برعهده داشتند و این کار در کارنامه هنری‌اش جایی متفاوت داشت.

او در آثار سینمایی هم به‌موازات تلویزیون فعالیت داشت؛ در سال ۱۳۶۲ وارد سینما شد و اولین فیلم سینمایی‌اش به اسم، «مرگ سفید» کاری از حسین زندباف را بازی کرد و در بیش از ۷۰ فیلم سینمایی نقش‌های کوتاه و بلند بازی کرد. هرچه عمر حرفه‌ای پسیانی پیش می‌رفت، اعتماد فیلمسازان برای واگذاری نقش‌های سخت به او بیشتر می‌شد. یکی از کاراکترهایی که کمتر در سینمای بعد از انقلاب دیده بودیم، ایفای نقش منفی متفاوت در فیلم «آب و آتش» به کارگردانی فریدون جیرانی است. وی برای ایفای این نقش برنده تندیس زرین بهترین بازیگر نقش مکمل مرد در دوره پنجم جشن خانه سینما شد. از دیگر کارهای این بازیگر می‌توان به فیلم‌های «کشتی آنجلیکا»، «دو فیلم با یک بلیت»، «خاکستر سبز»، «هیوا»، «پل چوبی»، «سیانور»، «نسل سوخته» و «دو زن» اشاره کرد. از نقش‌های مشهور اخیرش در سریال‌های شبکه نمایش خانگی شخصیت فرهنگ کثرتی در سریال «بی‌گناه» بود؛ کاراکتری پیچیده و درعین‌حال یکی از آخرین نقش‌منفی‌هایی که او بازی کرد.

نگاهی به کتاب «پاییز آمد»

یک عاشقانه جاودانه

انتشارات سوره مهر با آغاز فصل زیبای پاییز در حال برگزاری پویش ترویجی کتاب «پاییز آمد» است. کتابی که یکی از پرفروش‌های چند سال اخیر در حوزه دفاع مقدس بوده و با رویکرد متفاوت گلستان جعفریان (نویسنده)، اثری جذاب تقدیم مخاطب کتابخوان می‌کند. این تغییر رویکرد را می‌توان انتخاب شجاعانه جعفریان نام‌گذاری کرد، جایی که تصمیم می‌گیرد روابط عاشقانه فخرالسادات موسوی با همسرش شهید احمد یوسفی را به نمایش بگذارد. محمد صالح سلطانی از فعالان حوزه کتاب یادداشتی درباره کتاب «پاییز آمد» نوشته است که با هم می‌خوانیم.

پاییز آمد یک کتاب خوش‌فرم از آب درآمده. قلم خانم گلستان جعفریان مثل همیشه روان است، قصد خودنمایی و جلوه‌فروشی ادبی ندارد و لذتِ خواندن خاطراتِ همسر شهید را چندبرابر می‌کند. لحن روایت یک‌دست است و اتفاقات با روند خوبی پیش می‌روند. ریتم پاییز آمد با زندگی پرجنب‌وجوش راوی‌اش منطبق است و سرجمع آخرین اثر خانم جعفریان یک اثر استخوان‌دار است. یک کتاب خوب.

راوی پاییز آمد یک زن جسور، قدرتمند و البته احساساتی است. زنی که تجربه‌های عمیقش در روزهای نخست انقلاب حتی برای بیشتر پسران نسل‌های بعد از خودش دست‌نیافتنی است. فخرالسادات بانو زنی مستقل، خودساخته و کاملاً اجتماعی است که نه حضور فعالش در جامعه مانع همسرداری و مادری‌کردنش می‌شود و نه آن‌چه برای خانواده انجام می‌دهد او را از نقش‌آفرینی اجتماعی محروم می‌کند. من متخصص حوزه‌ی زنان نیستم اما به‌نظرم سبک زندگی خانم فخرالسادات موسوی شباهت زیادی به آن چیزی دارد که به نام الگوی سوم از سخنان رهبر انقلاب در این حوزه استنباط شده است. یک ستون مهم پاییز آمد خودِ شهید است. احمدآقای یوسفی با معیارهای امروز هم یک حزب‌اللهی روشنفکر به حساب می‌آید و شیوه‌ی آشنایی‌اش با خانم موسوی و روندی که منجر به پیوند آن‌ها می‌شود حتی در روزگار ما هم برای برخی خانواده‌های مذهبی پذیرفته‌شده نیست. جمع‌شدن همزمان روحیات نظامی، عاشق پیشگی و آرمان‌گرایی در احمد یوسفی، از او یک قهرمان واقعی ساخته؛ مردی که نشان قهرمانی را قبل از هرکسی، اول از دست همسرش گرفته.

پاییز آمد به‌معنای زمینی کلمه یک کتاب عاشقانه است. نویسنده تا آن‌جایی که راوی کتاب اجازه داده، وارد لحظه‌های پر از محبتِ زندگی فخرالسادات‌خانم و احمدآقا شده و عشق پاکیزه‌ی آن‌ها را همراه با ملزوماتش روایت کرده. البته که نویسنده در این لحظاتِ دلبرانه گیر نمی‌افتد و از آن‌ها نجیبانه عبور می‌کند؛ اما خب خانم جعفریان در دام خودسانسوری هم نیفتاده و عاشقانه‌های این زن‌وشوهر را تا جایی که می‌شده، درست و واقعی تعریف کرده. شاید برای همین است که رابطه‌ی فخرالسادات‌خانم و احمدآقا دلنشین از آب درآمده و برای مخاطب باورکردنی است.

پاییز آمد را باید خواند. یکی از بهترین‌های سوره مهر در سال‌های اخیر است. این روایت شیرین و لطیفِ آمیخته به عشق، موسیقی، آرمان و شعر، یکی از بهترین روایت‌هایی است که می‌تواند احوالاتِ مردان و زنانی را نشان دهد که اگرچه عاشق زندگی، اما به باورهایشان عاشق‌تر بودند.

توسط کمیته فرهنگ و تمدن اسلام و ایران صورت گرفت

تقدیر از اقدام بازگشت الواح هخامنشی از آمریکا به ایران

سی و نهمین جلسه کمیته فرهنگ و تمدن اسلام و ایران شورای عالی انقلاب فرهنگی به ریاست دکتر مخبر دزفولی قائم مقام کمیته و با محوریت برگزاری کنگره بین‌المللی جندی شاپور و با حضور مسئولان دولتی و فرهنگی شهرستان دزفول و دیگر مسئولان برگزار شد و در این جلسه اعضای کمیته از دست اندرکاران و مجریان اقدام بازگشت الواح هخامنشی از آمریکا به ایران تقدیر و تشکر کردند.

به گزارش مرکز رسانه و روابط عمومی شورای عالی انقلاب فرهنگی، در ابتدای جلسه دکتر مخبر دزفولی ضمن خوشامدگویی به مسئولان شهرستان دزفول تشکیل این جلسه را با توجه بر تمرکز بر موضوع هماهنگی جهت برگزاری گنکره جندی شاپور به اهمیت شهرستان دزفول با توجه به ظرفیت های تاریخی و تمدنی این شهر حائز اهمیت شمرد و تاکید کرد: این شهر قابلیت این را دارد که به قطب گردشگری و فرهنگی کشور تبدیل شود و ابراز کرد کمیته فرهنگ و تمدن آمادگی لازم را برای احیاء مواریث فرهنگ و تمدنی در این شهر از طریق ارائه مشاوره های تخصصی در برگزاری چهارمین کنگره بین المللی جندی شاپور و احداث باغ فرهنگ ملی در شهرستان دزفول اعلام می دارد و از هیچ کمکی در این رابطه دریغ نخواهد کرد.

دکتر نوید ادهم دبیر کمیته فرهنگ و تمدن در خصوص کنگره بر همراهی مسئولان شهری در برگزاری هر چه بهتر این همایش تاکید کرد و گفت مشارکت مسئولان شهری در معرفی هر چه قوی تر و بهتر برگزاری کنگره باعث می شود تا اهمیت و تعلق موضوع برای مردم بیشتر گردد.

فرماندار ویژه دزفول نیز از آمادگی تمام ظرفیت های شهرستان دزفول برای هرچه بهتر برگزار شدن این گنکره خبر داد. در این جلسه مسئولین شهرستان دزفول به ارائه گزارشی از وضعیت فرهنگی و تمدنی و مراکز فرهنگی در این شهرستان و اهمیت رسیدگی به این اماکن پرداختند و بر اهمیت برگزاری همایش جندی شاپور تاکید کردند.

در ادامه دکتر مخبر دزفولی بر نقش کمیته به عنوان ایجادکننده وحدت ملی بر پاسداشت مقام یعقوب ضمن توجه به ملاحظات فرهنگی منطقه تاکید کرد. قابل ذکر است در ابتدای جلسه به تحلیل وضعیت دریافت و بازگشت الواح هخامنشی از آمریکا به ایران توسط خانم دکتر داوری مدیرکل ثبت وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری پرداخته شد و اعضای کمیته از دست اندرکاران و مجریان این اقدام در بازگشت و حفظ این آثار نفیس به کشور عزیزمان ایران تقدیر و تشکر کردند. اعضاءکمیته فرهنگ و تمدن در این جلسه بر پیگیری بازگشت تمام این الواح به کشور تاکید کردند.

همچنین در پایان این جلسه حکم دبیری کنگره بین المللی جندی شاپور که توسط وزیر علوم، تحقیقات و فناوری صادر شده بود به آقای دکتر بدیعی رئیس دانشگاه صنعتی جندی شاپور دزفول اهدا شد.

گزارش «فرهیختگان» از دومین نشست مطالعاتی پیرامون شاهنامه و با موضوع طرح سیاست و قدرت در شاهنامه فردوسی

منطق قدرت به روایت شاهنامه

گفت‌وگوی پیش‌رو، حاصل دومین نشست مطالعاتی پیرامون شاهنامه و با موضوع «طرح سیاست و قدرت در شاهنامه فردوسی» است که با حضور محمدهادی محمودی مدیرگروه انقلاب اسلامی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، محسن جبارنژاد مدیرکل کتابخانه‌های عمومی استان کهگیلویه و بویراحمد، امرالله نصراللهی پژوهشگر شاهنامه، قاسم بدره دبیر محافل ادبی کتابخانه‌های عمومی استان و جمعی از فعالان فرهنگی به همت اداره کل کتابخانه‌های عمومی استان کهگیلویه و بویراحمد برگزار شد.

محمودی: وقتی به شاهنامه یا همه متون اصیل در تاریخ نه حتی متون فارسی می‌رسیم، می‌بینیم که قدرت ستوده شده و من مایلم که مطلع صحبت، گفت‌وگویی باشد که کیخسرو در شاهنامه با «جهن» دارد. جهن سفیر افراسیاب است و پس از آنکه کیخسرو لشکری آماده می‌کند و آماده نبرد نهایی با افراسیاب می‌شود، افراسیاب جهن را واسطه می‌کند و نزد کیخسرو می‌فرستد و با زبان اولانرم و بعد به زبان تهدید صحبت می‌کند. کیخسرو هم جوابی می‌دهد که این جواب برای ما خیلی تعجب‌برانگیز است، اگر به آن دقت کنیم. من چند بیتی از آن را می‌خوانم:

نهادند زیر خردمند مرد/ نشست و پیام پدر یاد کرد (جهن نشست و پیام افراسیاب را بیان کرد.)
چنین گفت با شاه (کیخسرو) که افراسیاب/ نشسته‌ست پردرد و مژگان پر آب
نخستین، درودی رسانم به شاه/ از آن داغ دل شاه توران سپاه
که یزدان سپاس و بدویم پناه/ که فرزند دیدم به این پایگاه (سپاس یزدان برای چنین فرزندی، چون کیخسرو نوه افراسیاب و مادرش دختر اوست.)
که لشکر کشد، شهریاری کند/ به پیش سواران سواری کند
به راه پدر شاه تا کی قباد/ ز مادر سوی تور دارد نژاد
ز شاهان گیتی سرش برتر است/ به چین نام او تخت را افسر است
به ابر اندرون تیزپران عقاب/ نهنگ دلاور به دریای آب
همه پاسبانان تخت وی‌اند/ دد و دام شادان به بخت وی‌اند
بزرگان که با تاج و با زیورند/ به روی زمین مر تو را کهترند
شگفتی‌تر از کار دیو نژند/ که هرگز نخواهد به ما جز گزند
بدان مهربانی و آن راستی/ چرا شد دل من سوی کاستی

با این همه شگفتی، از این شگفت‌تر این است که شیطان مرا فریب داد؛ این را افراسیاب می‌گوید، چون گناه و خونی به گردن اوست، یعنی خون سیاوش. این خون چگونه پاک می‌شود؟ برای یک خون، چقدر باید خون ریخت؟ تا چه خونی باشد و چگونه ریخته شده باشد. رستم، بعد از شهادت سیاوش به توران لشکرکشی می‌کند و می‌گوید خون‌ریزان سیاوش مانند افراسیاب و گرسیوز و کسانی که در لشکر بودند و خبر داشتند و رضا دادند را می‌خواهم. اگر اینها را نگیرم، خون تمام تورانیان مباح است. وقتی که رستم به توران حمله می‌کند، افراسیاب می‌گریزد. هفت سال به روایت فردوسی، رستم در توران ویرانگری می‌کند و خاک توران را به توبره می‌کشد؛ آنقدر که دلش بهم می‌آید و ملول می‌شود و برمی‌گردد، چون دستش به افراسیاب نمی‌رسد. افراسیاب می‌گوید حالا شگفتی‌تر از همه چیزهایی که گفتم این است که شیطان من را فریب می‌دهد و می‌گوید: چرا شد دل من سوی کاستی؟

که بر دست من پور کاووس شاه/ سیاووش رد کشته شد بی‌گناه
جگر خسته‌ام زین سخن پر ز درد/ نشسته به یک سو ز خواب و ز خورد
نه من کشتم او را که ناپاک دیو/ ببرد از دلم ترس گیهان خدیو
زمانه ورا بد بهانه مرا/ به چنگ اندرون بد فسانه مرا (کار، کار زمانه بود.)
تو اکنون خردمندی و پادشا/ پذیرنده مردم پارسا
نگه کن که تا چند شهر فراخ/ پر از باغ و ایوان و میدان و کاخ
شده‌ست اندر این کینه جستن خراب/ بهانه سیاووش و افراسیاب (چقدر شهر نابود شده.)
همان کارزار سواران جنگ/ به تن همچو پیل و به زور نهنگ (اینها هم در این جنگ از بین رفته‌اند.)
که جز کام شیران کفن‌شان نبود/ سری نیز نزدیک تن‌شان نبود
یکی منزل اندر بیابان نماند/ به کشور جز از دشت ویران نماند
جز از کینه و زخم شمشیر تیز/ نماند ز ما نام تا رستخیز (چرا جنگ، چرا کین جویی، چقدر بکشیم، بس کنیم. سخن افراسیاب سخنی موجه، انسانی و معقولی است.)
نیاید جهان‌آفرین را پسند/ به فرجام پیچان شویم از گزند (پس اول دعوت به صلح)
اما اگر جنگ جویی همی بی‌گمان/ نیاساید از کین دلت یک زمان
نگه کن به این گردش روزگار/ جز آن را مکن بر دل آموزگار
که ما در حصاریم و هامون تراست/ سری پر ز کین دل پر از خون تراست (ببین که ما در جنگ دست برتر را داریم.)
همی گنگ خوانم بهشت من‌ست/ برآورده بوم و کشت من‌ست
همی در مراگنج و ایدر سپاه/ همی در نگین و همی در کلاه
هم اینجام کشت و هم اینجام خورد/ هم اینجام مردان روز نبرد
تو را گاه گرمی و خوشی گذشت/ گل و لاله و رنگ وشی گذشت
زمستان و سرما به پیش اندرست/ که بر نیزه‌ها گردد افسرده دست (هوا که سرد می‌شود دست خشک می‌شود و نمی‌تواند نیزه را محکم نگه دارد.)
به دامن چو ابر اندر افکند چین/ بر و بوم ما سنگ گردد زمین (ابر که بیاید زمین خشک می‌شو، مثل سنگ می‌شود.)
ز هر سو که خوانم بیارید سپاه/ نتابی تو با گردش هور و ماه
ور ایدون گمانی که هر کارزار/ تو را بر دهد اختر روزگار
از اندیشه گردون مگر بگذرد/ ز رنج تو دیگر کسی برخورد
گر ایدونک گویی که ترکان چین/ بگیرم، زنم آسمان بر زمین
به شمشیر بگذارم این انجمن/ به دست تو ایم گرفتار من
مپندار کاین نیز نابودنی‌ست/ نسازد کسی کو نفرسودنی‌ست (فکر نکن که تو من را می‌گیری، مگر اینکه بخت من افول کرده باشد وگرنه تو به این راحتی دستت به من نمی‌رسد.)
نبیره سر خسروان زادشم/ ز پشت فریدون و ز تخم جم
مرا دانش ایزدی هست و فر/ همان یاورم ایزد دادگر

خلاصه از این نرم‌زبانی و بعد تهدید و بعد تطمیع و اینها که می‌گذرد، کیخسرو پاسخ می‌دهد.

چو از جهن پیغام بشنید شاه/ همی کرد خندان بدو بر نگاه

به نظر ما آنچه مایه تعجب است، ابیاتی هستند که در پاسخ کیخسرو به جهن گفته شد. می‌دانید که کیخسرو فرهمندترین و نیز رازآلودترین شاه شاهنامه است. اینجا هم در نزدیکی شهر یاسوج، جایی را به من معرفی کرده‌اند به نام «تل خسرو» یا «گردنه بیژن» این دو به یک ماجرا در شاهنامه اشاره دارند و آن ماجرای عروج کیخسرو است. کیخسرو در شاهنامه نمی‌میرد، بلکه از صحنه خارج می‌شود. چرا؟ چون شما باید بپرسید با منطق روایی شاهنامه، چرا کیخسرو نمی‌میرد و از صحنه خارج می‌شود؟ یا شاید از صحنه خارج می‌شود و تبدلی اینجا اتفاق می‌افتد و در صحنه باقی می‌ماند. به چیزی که پس از کیخسرو در دور دوم شاهنامه می‌شود دید، یعنی از پادشاهی لهراسب و گشتاسب به بعد. اینجا یک نقطه تبدل است و کیخسرو برای ما یک شخصیت مساله‌مند است. می‌خواهیم روی این موضوع متمرکز شویم، چون اینجا نشان می‌دهد که کیخسرو قرار است به چه چیزی تبدیل شود.

به پاسخ چنین گفت کای رزمجوی/ شنیدیم سر تا سر این گفت‌وگوی
نخست آنکه کردی مرا آفرین/ همان باد بر تخت و تاج و نگین (تو بر من درود فرستادی و پاسخ درود هم درود است، ولی کیخسرو نکته دیگری را یادآور می‌شود، می‌گوید آفرین بر تخت است و به من ربطی ندارد. کیخسرو انگار یک قدم از تخت فاصله می‌گیرد و تخت را نشان می‌دهد و می‌گوید تخت جاویدان باد و بر تخت آفرین باد.)
درودی که دادی ز افراسیاب/ بگفتی که او کرد مژگان پر آب
شنیدم همین باد بر تاج و تخت/ مبادا مگر شاد و پیروزبخت (تخت مباد مگر پیروزبخت و شاد. تخت چه کسی است که شاد و پیروزباد؟ شاهان بر تخت می‌نشینند اما کیخسرو اصرار دارد من درباره شاهان حرف نمی‌زنم، درباره شاهی و تخت حرف می‌زنم. قدرت که ما همیشه گمان می‌کنیم که از آن افراد است و می‌گوییم قدرت من، قدرت تو، قدرت سیاستمدار، قدرت تاجر. در تعریف قدرت، دوستی گفتند امکان اعمال اراده بر دیگری. قدرت که انگار همیشه برای کسی است، در پاسخ کیخسرو به جهن، انگار مطلق می‌شود و ما هستیم که از آن قدرت هستیم و شاهانند که از آن تخت هستند. مگر تخت خودش به تنهایی هست؟ می‌توان درباره‌اش حرف زد.)
دوم آنکه گفتی ز یزدان سپاس/ که بینم همی پور یزدان‌شناس
ز شاهان گیتی دل افروزتر/ پسندیده‌تر شاه و پیروزتر

مراد از یزدان همه هر چه گفت/ که با این هنرها خرد باد جفت (همه اینها که گفتی دهش یزدان به من است. خرد در شاهنامه نام دیگر جان است. که با این هنرها خرد باد جفت، یعنی زنده باد این هنرها، یعنی ان‌شاءالله همیشه جاودان باشند.)

تو را چند خواهی سخن چرب هست/ به دل نیستی پاک و یزدان‌پرست
کسی کو به دانش توانگر بود/ ز گفتار کردار بهتر بود
فریدون فرخ ستاره نگشت/ نه از خاک تیره همی برگذشت
تو گویی که من بر شوم بر سپهر/ بشستی بر این گونه از شرم چهر

و خلاصه وارد پاسخ به جهن می‌شود. جای دیگری وقتی که کیخسرو عزم رفتن می‌کند و ملول می‌شود، پس از اینکه افراسیاب را از بین می‌برد و ملک زمین را یکپارچه و یکدست می‌کند، خلوت می‌کند و از بار دادن ملول می‌شود و هیچ‌کس را به حضور نمی‌پذیرد. پهلوانان نگران می‌شوند که نکند ماجرای جمشید دارد دوباره تکرار می‌شود. نکند کیخسرو شاه فرهمند ما بیدادگر شده و بیدادی در دلش می‌پروراند، چون چهره‌اش هم دارد زار و نزار می‌شود. زال، رستم، گودرز، گیو و همه پهلوانان را صدا میزند تا در درگاه کیخسرو جمع شوند و آنها کیخسرو را نصیحت می‌کنند. کیخسرو از نصیحت پهلوانان خنده‌اش می‌گیرد، چون ماجرا این نیست. ماجرا این است که کیخسرو دارد می‌رود و یادگاری به جا می‌گذارد. آن یادگار تخت است. تخت آنقدر قدرتمند می‌شود و کارش بالا می‌گیرد که شاه ضعیف را هم می‌تواند تحمل و قوی‌اش کند. وقتی که کیخسرو پیشنهاد می‌دهد و شاه بعدی یعنی لهراسب را معرفی می‌کند، خیلی‌ها در درگاه شاهی معترض می‌شوند که ما اصلا اسم لهراسب را هم تا این زمان نشنیدیم، پهلوانی هم نیست و نمی‌دانیم اصلا از نسل شاهان هست! وقتی کیخسرو لهراسب را معرفی می‌کند می‌گوید بله، او به واسطه‌هایی که شما نمی‌دانید اما من می‌دانم از نسل شاهان است اما همه تردید دارند که آیا بعد از کیخسرو لهراسب واقعا مناسب خواهد بود! تخت فقط می‌تواند لهراسب را تحمل کند و نگه دارد. سوال ما این است که قدرت در شاهنامه اول چطور مطلق می‌شود؟ اول چطور بالا می‌گیرد و اول چطور از قدرتمندی فاصله می‌گیرد؟ این یک صحنه است. یک صحنه دیگر که خیلی برای ما درس‌آموز است، به داستان انوشیروان برمی‌گردد. انوشیروان یک پسر دارد که از مادر مسیحی است، یعنی مادرش دختر قیصر روم است و به‌واسطه مادر مسیحی شده است. کسی هم که از دین پدر برمی‌گردد خطرناک است چون دین در شاهنامه یکی است. دین که دو تا نیست! دینی که می‌گوید من دین دومم و دین دیگرم این بد دینی است. مسیحیت می‌گوید من دین دومم و دینی غیر از دین بهی‌ام.

برخلاف اسلام که می‌گوید من همان دین بهی‌ام، من همان دین قدیمی و همان تک دینم، مسیحیت در شاهنامه می‌گوید من دین دوم هستم. به دستور انوشیروان این پسر در محاصره است، نه اینکه بر او سخت بگیرند، فقط رفت‌وآمدهایش کنترل می‌شود و اجازه نمی‌دهند با هرکسی رفت‌وآمد داشته باشد. این پسر که اسمش نوش‌زاد است، یعنی زاده نوشین‌روان، در یک موقعیتی که پدر از پایتخت فاصله گرفته و چندی است که از انوشیروان خبری نشده و ظاهرا بر انوشیروان بیماری هم عارض شده، بعضی از فتنه‌جویان سپاه دور نوش‌زاد جمع می‌شوند و به کاخ او راه می‌یابند و به او می‌گویند وقت آن است که تو خودت را نشان دهی. انوشیروان مرده و خبرش را عمومی نکرده‌اند. وقتش است که تو با سران سپاه انوشیروان بجنگی و شاه شوی. این حقت است. این خبر به گوش انوشیروان می‌رسد و او نامه‌ای به شهردار شهری که نوش‌زاد در آن هست، می‌نویسد و نکاتی را برای او می‌گوید. این نکات هم خیلی درس‌آموز هستند. این نامه پیش شاه خوانده می‌شود:

از او شاه بشنید و نامه بخواند/ غمین گشت زان کار و تیره بماند
جهاندار با موبد سرفراز/ نشست و سخن رفت چندی به راز
چو گشت آن سخن بر دلش جای‌گیر/ بفرمود تا نزد او شد دبیر (حالا انوشیروان می‌گوید که دبیر بیاید و از او می‌خواهد نامه‌ای بنویسد.)
یکی نامه بنوشت با داغ و درد/ پرآژنگ رخ، لب پر از باد سرد
نخستین بر آن آفرین گسترید/ که چرخ و زمان و زمین آفرید (اول آفرین به یزدان می‌گوید.)
نگارنده هور و کیوان و ماه/ فروزنده فر و دیهیم و گاه
ز خاشاک ناچیز تا شیر و پیل/ ز گرد پی مور تا رود نیل
همه زیر فرمان یزدان بود/ و گر در دم سنگ و سندان بود
نه فرمان او را کرانه پدید/ نه زو پادشاهی بخواهد برید

(انوشیروان با یک پادشاهی را به یاد می‌آورد که هیچ خدشه‌ای بر نمی‌دارد و آن پادشاهی یزدان است. او اولین شاه است که بر تخت نشسته است. او هیچ فرد خاصی نیست و او خود تخت و قدرت مطلق است. اوست که به شاهی نشسته.)

بدانستم این نامه ناپسند/ که آمد ز فرزند چندین گزند
وزان پرگناهان زندان‌شکن/ که گشتند که با نوش‌زاد انجمن
چنین روز اگر چشم دارد کسی/ سزد گر نماند به گیتی بسی (روز تلخی است.)
که جز مرگ را کس ز مادر نزاد/ ز کسری بر آغاز تا نوش‌زاد

با این مقدمه وارد گفت‌وگو می‌شویم. شما ممکن است این مقدمه انوشیروان را رسم بدانید و بگویید رسم است که شاهان از یزدان یاد کنند اما باید پرسید چرا رسم است و چرا انوشیروان بعد از یادآوری قدرت مطلق شاهی یزدان، این قدرت را در مرگ یادآور می‌شود؛ انگار مرگ آن فرمان قاطع و گریزناپذیر و آن قضای حتمی است که شاهی یزدان را نشان می‌دهد. اینجا اگر ادامه نامه انوشیروان به و درباره نوش‌زاد را هم بخوانیم، نکات ظریفی در متن هست که همه بازمی‌گردد به اینکه قدرت در شاهنامه مطلق می‌شود و دیگر قدرت فرد و کس نیست. این از کجا می‌آید و چیست؟ ما دو نوع محدودیت برای قدرت داریم و قابل تصور است. یکی محدودیت از بیرون است؛ مثلا من شاه یا مدیر یا سیاستمدار باشم و حقوقدان، فقیه یا پارلمان بیاید و قدرت من را از بیرون قید بگذارد، یعنی بگوید حقوق اساسی‌ای هست که شما نمی‌توانید به این حقوق تعدی کنید. این قید از بیرون است. قدرت مطلق این قید یعنی قید از بیرون را برنمی‌تابد اما قید دیگری است که قدرت مطلق برمی‌تابد و آن قید از درون است. قید از درون آن است که من آنچه با قدرتم مناسب نیست را انجام نمی‌دهم. در کتاب «شازده کوچولو» می‌خوانید که او در سفرش به زمین به یک سیاره می‌رسد که پادشاهی در آن زندگی می‌کند. این پادشاه وقتی که شازده کوچولو را می‌بیند، می‌گوید بالاخره یک رعیت سراغ ما آمد، درحالی که کل سیاره اندازه خود پادشاه جا دارد و شنلش کل سیاره را گرفته. شرایط طوری است که شازده کوچولو هرجا پا می‌گذارد، روی شنل پادشاه است. خلاصه گفت‌وگوهایی بین شازده کوچولو و پادشاه سر می‌گیرد تا جایی که او به پادشاه می‌گوید اگر شما پادشاه هستید، بگویید پادشاه چه هستید؟ او می‌گوید من پادشاه همه چیز هستم و همه چیز زیرفرمان من است. شازده کوچولو به او می‌گوید پس اگر این طور است، من می‌توانم یک درخواستی بکنم؟ پادشاه می‌گوید بله، هر درخواستی داری بگو. شازده کوچولو می‌گوید من عاشق غروب خورشید هستم، اگر ممکن است دستور بدهید خورشید غروب کند. پادشاه می‌گوید دستور می‌دهم خورشید سر وقتش غروب کند. شازده کوچولو می‌گوید چرا دستور نمی‌دهید همین الان غروب کند؟ پادشاه می‌گوید اگر من دستوری خلاف خرد بدهم، رعیت من که یکی از آنها خورشید است، درباره من چه فکری می‌کند؟ باید سر وقتش غروب کند.

اینجا قید درونی وجود دارد. در قرآن کریم هم این مساله بارها تذکر داده شده که «و من یتوکل علی الله و هو حسب انا الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدرا»؛ یعنی باید پیمانه‌اش پر شود و وقتش برسد تا یک کار انجام شود. هرکسی بر خدا توکل کند، خدا او را بس است و خدا هم کار خودش را به انجام می‌رساند اما باید وقتش برسد. قدرت مطلق فقط از درون و آنچه تقویتش می‌کند و نگهش می‌دارد، مقید است، نه از بیرون. با عروج کیخسرو، قدرت تخت شاهی مطلق می‌شود و دیگر هیچ چیزی از بیرون آن را حد نمی‌زند و حالا ما باید برگردیم ببینیم که چطور بعد از کیخسرو دین ظهور می‌کند. اولین پیامبر در شاهنامه زرتشت است و پیش از او در شاهنامه پیامبری نداریم. چرا پیامبر می‌آید؟ این مساله‌ای است که باید درباره آن صحبت کنیم. قدرت مطلق یک ویژگی دارد و همین می‌تواند مطلق بودنش را توضیح دهد و اینکه قدرت مطلق به یزدان برمی‌گردد. انگار تخت برای یزدان است و ما بر آن نشستیم و نه تخت جمشید. تا قبل از آن انگار شاهان وارث جمشید بودند اما بعد از آن دیگر این طور نیست و شاهان دیگر نوادگان جمشید نیستند. در ماجرای بهرام گور که او هم شاه بسیار عجیبی است و می‌دانیم مردمی‌ترین شاه شاهنامه است، جایی یک نفر به او گفته می‌گوید من یک غار مرموزی پیدا کردم که جرات نمی‌کنم بروم ببینم درون آن چیست، احتمالا هرچه در آن باشد، از آن شاه است، شما بیایید درون آن را ببینید. بهرام کسانی را می‌فرستد و آنجا را بررسی می‌کنند و می‌بینند داخل آن گنجینه‌ای پر از سکه‌های طلاست و یک گوساله یا گاوی از طلا هم آنجا هست که روی آن نوشته شده این از آن جمشید است و جمشید این را برای شاهان پس از خودش به ارث گذاشت. بهرام وقتی که این گنجینه را می‌بیند، دستور می‌دهد سکه‌ها را بین مردم منطقه پخش کنند و گوساله را هم آب کرده و تبدیل به سکه کرده و خرج فقرا و دراویش کنند. یک مشاوری به بهرام می‌گوید که چرا این کار را کردی؟ این از شاه و شاهی است. می‌گوید من میراث‌بر جمشید نیستم، من اصلا خزانه‌دار شاهان نیستم. شاه نباید گنجی جمع کند، شاه باید هرچه دارد جمع کند. جمشید اگر شاه خوبی بود، اصلا گنجی جمع نمی‌کرد و اگر گنج جمع نمی‌کرد، شاه خوبی بود. ما میراث‌دار جمشید نیستیم، ما میراث‌دار تخت هستیم و تخت هم از آن خداست. قدرت از آن خداست؛ همان‌طور که انوشیروان هم که چند شاه بعد از بهرام گور است، دیگر سخن از تخت جمشید نمی‌زند و تخت را از آن یزدان می‌داند. درواقع قدرت مطلق می‌شود. چرا؟ چه چیز در قدرت مطلق هست؟ باز کردن این راز دشوار است و خیلی زمان باید بگذرد، ولی شاید بتوانیم از خود شاهنامه کمک بگیریم و اشاره‌ای بکنیم. اگر در پیامی که افراسیاب به کیخسرو داد، دقت کرده باشید، او می‌گوید ببین که چقدر شهرها از این کین‌جویی تو ویران شده‌اند. راز مطلق شدن قدرت که ما بتوانیم از قدرت به تنهایی صحبت کنیم، در همین شهرها نهفته است. شهر کجاست؟ شهر جای زندگی و سکونت انسان است، ولی انسان کجا زندگی و سکونت دارد؟ آیا انسان هر جایی زندگی می‌کند؟ همه زمین سکونتگاه انسان است؟ چرا روی آب زندگی نمی‌کنیم؟ چرا کشتی‌های غول‌پیکر نسازیم و روی آب رها نکنیم و بگوییم اینها شهر هستند؟ چرا ما در زمین سکونت می‌کنیم و چیزی می‌سازیم و به آن دلبسته می‌شویم؟ چرا رها نمی‌کنیم و برویم؟ چرا به زندگی خودمان خاتمه نمی‌دهیم؟ شاید قدرت به دنیا آوردن از ما سلب شده باشد اما قدرت از دنیا بردن از ما سلب نشده است. اینجا باید به داستان تولد شهر در شاهنامه برگردیم. در شاهنامه شهر کجا متولد می‌شود؟ ما در شاهنامه تولد شهر را در ماجرای سیاوش، پدربزرگ کیخسرو داریم. آنجا شهر تاسیس می‌شود. دو شهر به سیاوش ارجاع دارد؛ یکی گنگ‌دژ است که افراسیاب هم به آن اشاره می‌کند. یکی هم شهری است که سیاوش می‌سازد به نام سیاوش‌گرد، مانند سوسن‌گرد. ما شهری به نام شخص داریم. داراب هم شخصی بود؛ داراب‌گرد. خسرو هم شاهی بود؛ خسروگرد. علی هم شاهی بود؛ علی‌آباد. بالاخره در آن مناطق بزرگ، اهل معنا و محل ارجاعی بوده که شهر را به نام او می‌زدند. ما شهر را به نام کسی می‌زدند که او باعث شده شهر تاسیس شود و ما در آنجا زندگی کنیم. چه کسی به ما فرصت زندگی در زمین می‌دهد؟ یک نقطه‌ای است که فردی به آن نائل می‌شود. سیاوش به آن نقطه نائل می‌شود. آن نقطه جایی است که فرد یا انسان با پذیرش قدرت مطلق و مطلق بودن قدرت، گریزناپذیر قدرت به آزادی می‌رسد. سیاوش به آزادی می‌رسد. پس از آنکه می‌داند با حکم یا قضایی روبه‌رو است که گریزناپذیر است، با پذیرش این قضای گریزناپذیر به آزادی می‌رسد. وقتی که به آزادی می‌رسد و شاد می‌شود و به پیران ویسه می‌گوید: «بیا تا به شاهی دهیم و خوریم/ چو گاه گذشتن بُود بگذریم.»

و به این مقام که نائل می‌شود، حالا می‌تواند شهر داشته باشد. ما از طریق پذیرش قدرت مطلق آزاد می‌شویم. ما برای شهر داشتن و اینکه در زمین سکونت داشته باشیم، نیازمند قدرت مطلق هستیم، نه اینکه قدرت مطلق از آن ما باشد، بلکه ما نیازمند این هستیم که خود را رویارو با اطلاق قدرت مطلق و اطلاق قدرت ببینیم. انسان فقط از طریق رویارویی با اطلاق قدرت در زمین سکونت می‌کند. در کتاب «پدیدارشناسی روح هگل» یک فصل مشهوری است و آن «خدایگانی و بندگی» است. در این فصل یک دیالکتیک و جدل بین خدایگان و بنده به تصویر کشیده شده است، ولی آنچه برای غیر اهل فلسفه اول تعجب‌آور است، اینکه در این نبرد، بنده به آن آگاهی برتر یا مطلق یا آگاهی شادمان می‌رسد. چرا؟ چون همان‌طور که هگل می‌گوید از طریق رویارویی با قدرت مطلق است که ما می‌شویم آنچه که هستیم. ما حدود خودمان را پیدا می‌کنیم و آزاد می‌شویم. این طرح قدرت در شاهنامه است و باید به تفصیل از لابه‌لای ابیات نکات آن را بیرون کشیده و ببینیم. امروز هم ما به یادآوری این طرح قدرت مطلق نیاز داریم. ما اگر معنای قدرت یا اصلاح قدرت را از دست بدهیم و قدرت را به قدرت سیاسی یعنی قدرت فلان و بهمان یا حتی قدرت مردم فروبکاهیم، قدرت فاسد می‌شود و شهر را از دست می‌دهیم و به‌زودی نابود می‌شویم. قدرت باید خودش را مطلق نگه دارد. اگر قانون کلمه بلندی است، به‌واسطه اطلاق قدرت است. همه قوانین حتی قوانینی که نسخ می‌شوند، تا زمانی که برقرارند، مطلق هستند. این اطلاق است که به ما برابری و آزادی می‌دهد. این اطلاق است که ما را به قول خواجه نظام‌الملک از تغلب یا با زور سوار هم شدن نجات می‌دهد. اگر قدرت مطلق نباشد و قانون و خرد در کار نباشد، من برده آقای فلانی می‌شوم و آقای فلانی هم برده از خودش زورمندتر می‌شود. این به ما شهر نمی‌دهد و اجازه نمی‌دهد با هم صحبت کنیم. کسی که زورش زیادتر باشد و

ادامه در صفحه ۱۵

مدرک موقت فارغ‌التحصیلی کبری صفی‌پوریان زمانه فرزند نورمحمد به شماره شناسنامه ۲۲۲۵ صادره از دلفان در مقطع کارشناسی ارشد رشته تحصیلی مشاوره و راهنمایی صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۲/۹۲۱۳۷۳ مورخ ۹۲/۰۷/۱۰ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگشهر) خیابان کارگر جنوبی کد پستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

مدرک فارغ‌التحصیلی عباس قلمبر فرزند محمود به شماره شناسنامه ۱۴۷۵۰ صادره از اهواز در مقطع کارشناسی رشته تحصیلی مهندسی مکانیک–حرارت و سیالات صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۵۹۰۱۰۶۰۲۷۷۷ مورخ ۹۱/۰۳/۱۷ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگشهر) خیابان کارگر جنوبی کد پستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

مدرک موقت زهرا عبدی فرزند نعمت دارای شناسنامه به شماره :۴۹ صادره کاشمر رشته روانشناسی بالینی مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشمر مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از یابنده تقاضا می‌شود گواهینامه مذکور را به آدرس: دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشمر به صندوق پستی ۱۶۱ ارسال نماید.

اصل مدرک دانشنامه دوره کارشناسی ناپیوسته رشته مهندسی مکانیک در حرارت و سیالات اینجانب علیرضا دوست‌محمدی دهنوئیه فرزند احمد به شماره کد ملی ۲۹۹۳۸۳۹۴۵۴ صادره از کرمان مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

اصل مدرک دانشنامه دوره کارشناسی پیوسته رشته مهندسی استخراج معدن اینجانب رضا صفری فرزند محمداسمعیل به شماره کد ملی ۰۹۴۶۶۴۰۴۳۲ صادره از کرمان مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

مدرک دانشگاهی گواهینامه موقت پایان تحصیلات کارشناسی ارشد اینجانب موسی مفتی عریض با کد ملی ۵۲۷۹۵۸۳۸۸۱ فرزند حمید به تاریخ تولد ۱۳۶۲/۰۸/۰۷ ورودی سال ۱۳۹۰ فارغ‌التحصیل سال ۱۳۹۳ دانشگاه آزاد واحد علوم‌وتحقیقات ساوه رشته مهندسی کامپیوتر–نرم‌افزار مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

گواهی موقت کاردانی به شماره مدرک ۱۷۷۰۶ اینجانب پریا یونسی فرزند بهادر به شماره شناسنامه و کد ملی ۲۴۲۰۳۷۲۰۶۹ صادره از مرودشت به شماره دانشجویی ۹۶۱۰۸۰۲۲۰ در مقطع کاردانی پیوسته رشته نقشه‌کشی معماری–معماری صادره از دانشگاهی آزاد اسلامی واحد سما قشم مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد قشم به نشانی قشم دانشگاه آزاد اسلامی ارسال نماید.

برگ سبز و سند کمپانی پژو پارس مدل ۸۹ به رنگ سفید–روغنی به شماره موتور ۱۲۴۸۸۳۰۸۸۹۵ و به شماره شاسی NAAN۰۱CA۴AK۷۷۳۰۷۳ و به شماره پلاک ۵۵–۷۳۷ ی ۲۵ به نام عادل منصوری مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز سواری پژو ۴۰۵ مدل ۸۹ به رنگ نقره‌ای–متالیک به شماره موتور ۱۲۴۸۹۱۴۰۹۸۸ و به شماره شاسی NAAM۰۱CA۰AE۰۳۱۷۵۰ و به شماره پلاک ۱۴–۷۱۵ ط ۹۴ بنام سعید چهارده چریک مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو سمند مدل ۹۱ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور ۱۴۷۹۱۰۱۰۲۱۰ و به شماره شاسی NAACJ۱JCXCF۱۱۳۰۴۱ و به شماره پلاک ۲۴–۲۸۷ ن ۹۵ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت ماشین و برگ سبز خودرو سواری پژو ۲۰۷ iAT مدل ۱۴۰۲ به رنگ سفید به شماره موتور ۱۹۱B۰۰۱۲۶۹۰ و به شماره شاسی NAAR۴۳۴E۹Pj۰۷۰۲۰۸ و به شماره پلاک ۲۱- ۵۳۳ ط ۸۳ به نام علیرضا شیری بابانظر به شماره ملی ۲۹۴۸۶۱۴۲۳۶ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی مزایده عمومی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه در نظر دارد محل پارکینگ دانشجویی به مساحت حدودا ۸۸۰۰ متر مربع، دارای ظرفیت پارک برای ۳۳۵ دستگاه خودرو سواری، واقع در ضلع جنوبی مجتمع شماره سه دانشگاه آزاد اسلامی را از طریق مزایده عمومی، به صورت استیجاری، به اشخاص واجد شرایط واگذار نماید. لذا از تمام اشخاصی که تمایل به شرکت در این مزایده دارند، دعوت می‌شود جهت خرید اسناد با در دست داشتن مدارک شناسایی به دفتر امور حقوقی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه مراجعه نمایند. مبلغ پایه اجاره بهای ماهانه ۴۳۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال (چهارصدوسی‌ودو میلیون ریال)، میزان سپرده یا ضمانتنامه شرکت در مزایده معادل مبلغ ۲۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال، هزینه خرید اوراق مزایده معادل ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال، طی فیش واریزی به شماره شبا IR ۴۲۰۶۰۰۷۸۲۲۰۱۱۰۰۹۲۷۷۰۹۰۰۳، بانک مهر ایران در وجه دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه می‌باشد. ضمنا هزینه درج آگهی‌های مزایده بر عهده برنده مزایده می‌باشد. سایر شرایط مندرج در اوراق مزایده می‌باشد.

زمان فروش و عودت اسناد: از تاریخ آگهی لغایت ۱۴۰۲/۰۷/۳۰

دانشگاه در رد یا قبول پیشنهادات و انعقاد قرارداد مختار است و تمام پیشنهادات مبهم و مشروط مردود خواهد بود. شرکت در مزایده و دادن پیشنهاد به منزله قبول اختیارات و تکالیف دستگاه مزایده‌گذار است.

آدرس: ارومیه-کیلومتر۲ جاده سلماس-مجتمع آیت‌ا... هاشمی رفسنجانی (شماره ۳) دانشگاه آزاد اسلامی

تلفن: ۳۱۸۰۳۳۶۲-۰۴۴

تاریخ درج آگهی در روزنامه فرهیختگان و روزنامه محلی: ۱۴۰۲/۰۷/۱۵

روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه

فرهیختگان
صدای نخبگان
نگاه جوانان
FARHIKHTEGAN

سازمان آگهی‌های روزنامه
تلفن وفکس:
(۰۲۱) ۶۲۹۹۹۴۹۵
ایمیل: a۶۶۳۴۸۰۱۸@gmail.com
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

کانون تبلیغاتی
سیهر جوان
۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹

ادامه از صفحه ۱۴

قانونی در کار نباشد، می‌تواند به زور در مال من تصرف کند. قانون و قدرت به اطلاقش سر پاست. کسانی که متولی قدرت هستند باید بدانند قدرت از آنها نیست و آنها کارگزاران قدرت هستند و کسانی که اپوزیسیون قدرت هستند هم باید بدانند که آنها فقط می‌توانند اپوزیسیون کارگزاران قدرت باشند، نه اپوزیسیون خود قدرت. باید قدرت را بالا نگه داشت و ایران در طول تاریخش اینجا بوده، یعنی جایی که قدرت مطلق یعنی حکومت، دولت، قانون و سیاست وجود داشته، چون ما قدرت مطلق را کشف کردیم.

نصراللهی: من سعی می‌کنم از یک زاویه دیگری به سیاست و قدرت در شاهنامه بپردازم؛ اول متن کوتاهی را می‌خوانم و بعد به بحث اصلی می‌پردازم. پیش از اینها، یک بحث را طرح کرده بودم که البته تحت تاثیر آقای دکتر بهمن سرکاراتی بود. ایشان برای نخستین بار بحث «پری جامگان» در شاهنامه را مطرح کردند که اصلا خویش‌کاری آنها چیست که بعد به مدد این بحث بفهمیم پری جامگان از کجا آمده‌اند. محمل این موضوع که در یادداشت کوتاهم آورده‌ام -براساس منابعی در این زمینه ازجمله نوشته‌های دکتر بهمن سرکاراتی، دکتر جلال خالقی مطلق و دکتر سجاد آیدنلو ارائه شده است- ارتباط چندانی به نوع نگاه فردوسی و حضور زنان در دنیای شاهنامه ندارد، بلکه بحثی اسطوره‌شناسانه در باب دیگرزیستی بانوان و پری جامگان در گذار از اسطوره و حماسه؛ چون ما در این گذر دچار انواع دگردیسی می‌شویم و اسطوره دچار شکستگی و ادغام و مباحثی از این دست می‌شود. بعضی از متون داستانی شاهنامه را بی‌نگاهی به پیکرگردانی نمی‌توان دریافت و تحلیل کرد. پیکرگردانی همان بدل شدن و تغییر صورت دادن پریزادگان در صورت حیوان است که خود گونه‌ای از راه به در بردن پهلوان عباسی و اغواکردن اوست و آنگاه از او زایاشدن و نطفه فاجعه‌ای را آفریدن. در اینجا یک تراژدی خلق می‌شود، فارغ از اینکه تراژدی از نظر هگل یا نیچه چیست. از بحث فلسفی آن می‌گذریم. پریان موجوداتی اساطیری بوده‌اند که در گذار از اسطوره و حماسه تغییر صورت داده‌اند، یعنی بدل به دخترانی زیبارو و دلیر شده‌اند. آنها از اصل، ایزدبانوان زایایی و باروری بوده‌اند و خویش‌کاری شان زادن فرزندانی از شاهان و پهلوانان اساطیری بوده است. آنها اگر چنین کاری را نمی‌کردند، به واقع خویش‌کاری خود را به انجام نمی‌رساندند. این خصلت باروری که در ساختار اسطوره وجود دارد، خصیصه‌ای هندواروپایی داشته است. پریان، الهه کام‌ورزی و ایجاد نسل بوده‌اند. این خویش‌کاری یعنی فرزندآوری با همه مقدس دانستن آن، از سویه‌ای اهریمنی نیز برخوردار بوده، یعنی پریان از زیبایی افسونگرانه‌ای برخوردار بودند که این زیبایی خود سلاح اغوای پهلوانان و حتی شاهان بوده است. دکتر خالقی می‌گوید صفت‌هایی چون خوب‌رخ یا سروبن یا فریبنده‌ماه همه حکایت از چنین زیبایی اغواگرانه‌ای دارند. فردوسی در دو بیت بر زیبایی و افسونگری مادر سیاوش تاکید خاص داشته است:

به دیدار او در زمانه نبود/ ز خوبی بر او بر بهانه نبود

دگر ایزدی هر چه بایست بود/یکی سرخ یاقوت بُد نابسود

فراموش نکنیم مادر سیاوش در بیشه یافت می‌شود و بیشه، مکانی اساطیری و محل حضور پریان بوده است. اسب رستم هم در بیشه‌زاری ربوده می‌شود و این حضور تهمینه را در بیشه‌زار اثبات می‌کند و درست شاید پیکرینگی تهمینه خود باعث اغوای اسب رستم نیز بوده باشد. این شیوه رخ‌نمایی یا بیدارکردن و پرهیزکردن خود نوعی شکارکردن به شمار می‌رود. مگر جز این است که در داستان مادر سیاوش این آهوانند که نخجیرگیران کیکاووس را به سوی مادر سیاوش رهنمون می‌کنند. باز پیکرینگی رخ می‌نمایاند و اغوا صورت می‌گیرد. نکته دیگر این است که پریان تعلق به تیره اندیشه افراسیابی دارند -می‌خواستم به این نکته برسم. یک بحثی را آقای دکتر درباره افراسیاب طرح کردند درباره نامه یا درخواستی که او از کیخسرو داشت- یعنی کارشان فاجعه‌آفریدن است و در جامه عشق خون‌ریختن. افراسیاب نیز خودش اهل جادوست. دختران او را نیز باید دختران جادو نام نهاد. پریان حضوری کوتاه اما پرفاجعه دارند. در داستان سیاوش با همه توصیفی که از مادر او می‌بینیم و می‌شنویم اما نامی از او مشاهده نمی‌کنیم. آنها را می‌توان آفرینشگر صحنه‌ها یا وقایع کوتاه با دنباله‌ای فاجعه‌گون دانست. آفرینشگران صحنه‌های عشق و تردامنی بارنگی آغشته به خون. همزمان که معاشقه می‌کنند و بوسه از پهلوان می‌ربایند، طناب دار او را نیز می‌بافند. این مهرورزی است که در تراژدی‌های بزرگ جز شومی و تباهی چیزی به بار نمی‌آورد. دربه‌دری و بی‌خانمانی و بی‌سامانی دو پهلوان جوان یعنی سیاوش و سهراب و سرانجام کشته‌شدن شان دال بر این عشق‌های خونریز هستند که شومی و بدیمنی تنها خویش‌کاری شان به حساب می‌آید. آنان بانوان زایندگی و همزمان مرگ هستند و در عین حیات‌بخشیدن مرگ‌آورند. یک سو زندگی و دیگر سو مرگ. یک سو عشق و دیگر سو کمند. یک سو شراب و هم‌آغوشی و دیگر سو نوش‌دارو و جدایی. این وجه شوم تاریخ پریان در شاهنامه بی‌شک از باوری زرتشتی مایه می‌گرفته است، زیرا پریان در این آیین ماهیتی اهریمنی داشته‌اند. این‌گونه است که میان این دو پری، یعنی تهمینه و مادر سیاوش همانندی هست و پیکرینگی. یکی پهلوان را می‌فریبد و دیگری شاه را. یکی رستم و دیگری کیکاووس را. هر دو حتی بر خویش‌کاری باروری خود صحه می‌ورزند و آن را کتمان نمی‌کنند. تهمینه نه با سهراب به ایران می‌آید و نه بر نعش او سوگواری می‌کند. شگفت اینجاست که خویش‌کاری پریان که زادن و آنگاه مرگ‌آوری است، تنها نصیب پسر می‌گردد و نه پدر. این سهراب است که در نتیجه ازدواج با پریان کشته و این سیاوش است که در فرجام عشقی خانمان‌برانداز به کام نیستی فرستاده می‌شود. تو گویی خویش‌کاری اهریمن فقط نصیب جوانان است، نه پیران ایران و این درست اساس و بنیان ساخت اسطوره و حماسه در ایران کهن است که پسر کشته می‌شود تا پدر بماند و آینده نادیده گرفته می‌شود تا گذشته تداوم یابد و هنوز هم این ساخت کهن گذشته‌گراست که به حیات خود ادامه می‌دهد. از این بحث به بحث اصلی می‌پردازم.

من معتقدم، یعنی نگاه خودم را عرض می‌کنم، گرچه شاید کمی از دیک دیویس وام گرفته باشم که حرفش خیلی اساسی و بنیانی است و کمتر کسی چون او غور کرده -دیگران هم در شاهنامه غور کرده‌اند اما این نگاهی که دیک دیویس فارغ از نگاهی که انگلیسی و شرق‌شناس است دارد را، اگر ما بخواهیم از زاویه شرق‌شناسی ادوارد سعید هم نگاه کنیم، یک نگاه منتقدانه و تئوری توطئه را هم نخواهیم لحاظ کنیم به هرحال بحثش بحثی بنیانی است، چون به هر روی ایشان یک دل‌سپردگی به متن شاهنامه دارد، چنانچه دیگران داشتند- من معتقدم شاهنامه متنی کلاسیک است و به دنیای سنت تعلق دارد، اما متنی یکدست نیست. نایکدستی متن شاهنامه به سه ستیز و تضاد برمی‌گردد. نخستین تضاد، تضاد پادشاه-رعیت (زیردست)، دومین تضاد، تضاد پادشاه-پهلوان و سومین تضاد، تضاد پدر-پسر است. اگر بخواهیم به شکل مصداقی، انضمامی و عینی طرح کنیم، تضاد رستم-سهراب و تضاد کیکاووس-سیاوش است. این سه تضاد را می‌توان در جای جای شاهنامه دید. به نظر من اصلاب لباب شاهنامه از این سه تضاد و طرح این سه تضاد بیرون نیست. پرسش بنیادینی که به نظر من فردوسی طرح کرده و تمامی شاهنامه و اتمسفرش حول آن می‌چرخد این است که تکلیف رعیت خوب در برابر پادشاه بد چیست که این سوال، سوالی محوری و کانونی است که کاملا روی شاهنامه مانند چتری سایه می‌افکند اما پاسخ‌ها در هر دوره متفاوت است. شاید این سوال پیش آید که لزوما رعیت هم خوب است و به راه درست است؟ آیا پادشاه لزوما بر خطاست؟ که این خودش جای بحث دارد.

محمودی: غیر از ماجرای ضحاک در شاهنامه ماجرای دیگری از رعیت خوب و پادشاه بد داریم؟

نصراللهی: تصور می‌کنم شما یک بحث خیلی انتزاعی درباره تصوری که ما از قدرت داریم، داشتید. این مطلق‌انگاری را می‌توان در شعر «در آستانه» شاملو دید؛ آنجایی که می‌گوید «نه شیطان بهتان خورده با کلاه بوقی منگوله‌دارش/نه ملغمه بی‌قانون مطلق‌های متنافی/تنها تو آنجا موجودیت مطلقی/موجودیتی محض/چراکه در غیاب خودت ادامه می‌یابی و غیابت حضور قاطع اعجاز است.» این مطلق‌انگاری در باب قدرت به نظر من اگر ارجاع ما به متن مادری مانند شاهنامه باشد، فردوسی با توجه به نوع نگاهی که به تاریخ دارد، نگاهی که به اسطوره دارد و از دل آن طرح سیاست می‌کند -اینکه اسمش را طرح سیاست بگذاریم یا ایران شرعی یا هر چیز دیگری، اصطلاحاتی است که علاقه‌مندان طرح کرده‌اند و ما جدلی روی اصطلاح‌ها نداریم- رستمی در شاهنامه خلق می‌شود که هیچ سابقه و ریشه‌ای در متون اوستایی ندارد. به عوض، این اسفندیار است که ستوده می‌شود، قداست دارد. او در راه دین بهی دارد می‌جنگد، هفت‌خوان او که با هفت‌خوان رستم برابری می‌کند، هفت‌خوانی دین‌ساخته یا دین بهی ساخته یا زرتشت ساخته است. رستم پیرو آیین مهری و مهرپرست است. هنگامی که در تنگنای جنگ اسفندیار گیر می‌افتد و حتی در نبرد با پسرش سهراب، به یک نیایش شخصی می‌پردازد که آن نیایش شخصی درواقع نیایش مهری است. این را من نمی‌گویم و نمی‌خواهم آن را از روی یک کتاب خواندن بگویم. این اثبات شده که رستم و خاندان سکا پیرو آیین مهری‌اند. ما برگردیم به دوران پادها. کتابی از یک نویسنده زن که تطبیقی است و به فدرالیسمی که در سیستان اتفاق افتاده، پرداخته و تمام شخصیت‌های سیستان که خاندان سکا باشند، با پادشاهان پارتی معادل دارند. نکته این است که از همان ابتدا، فردوسی یک تضاد بنیادینی را طرح می‌کند که به من مخاطب و خودش و تاریخ ایران بفهماند که اصلا قدرت مطلق نیست و اتفاقا هیچ قداستی هم ندارد. جایی قدرت قداست دارد... حتی اگر پادشاه صاحب فره باشد، چنانچه جمشید داشت که من اتفاقا به داستان کیخسرو که می‌رسم، نگاهم دگرگونه است. من معتقدم که کیخسرو تبانی کرده و او خودش با تبانی به قدرت رسیده. فرود دست‌کمی از پادشاهی، لیاقت و جنگ‌آزمودگی از کیخسرو ندارد، منتها ایشان لب مرز است و همراه مادرش جریره از مرز نگاهبانی می‌کند. نکته دیگر اینکه خود تخت باز قداست ندارد، چون یک بار در شاهنامه دو پادشاه می‌بینیم که همزمان در کنار هم پادشاهی می‌کنند؛ اگرچه یکی رسمی و شناخته شده و دیگری در سایه، یعنی خسرو و کیکاووس. برگردم به سوالم.

محمودی: دو پادشاه هستند که همزمان زنده هستند و شاهی می‌کنند. لهراسب و گشتاسب هم، دوره‌ای همزمان زنده هستند.

نصراللهی: اگر نخواهیم از منظر دریدایی و ساختارشکنانه و... که خیلی‌ها بر یک متن کلاسیک بار می‌کنند، نگاه کنیم، به آن شکل است. البته ایرادی هم ندارد و این طور هم می‌شود. نکته این است که کیخسرو وقتی می‌آید پهلوانان را جمع می‌کند، از میان تمام این پهلوانان توس را انتخاب می‌کند. توس مثل کیکاووس خیره‌سر و زودجوش است و خردمند نیست. به آنها می‌گوید مبادا به راه کلات روید، یعنی از راه کلات بروید اتفاقا و به آن قلعه بربخورید. برای اینکه می‌داند جنگ اتفاق می‌افتد. او برادرکشی را از طریق توس راه می‌اندازد؛ چنانچه سابقه آن را در همان شاهنامه در تاریخ ایران داریم. درواقع ایرج توسط سلم و تور کشته می‌شود و انگار اگر ایرج را نماد ایران بدانیم و سلم و تور را نماد توران و روم بدانیم، ایران و یج توسط توران کشته می‌شود.

به سوالم برگردم که حول محور قدرت می‌چرخد. این را دیگر از دیک دیویس کمک بگیرم، برای اینکه آقای دکتر گفتند شاید این تحلیل‌ها نابسنده باشند. اتفاقا همین کتاب «تراژدی قدرت در شاهنامه» آقای دکتر مصطفی رحیمی یا در کتاب «حماسه داد» فرج‌الله میزانی (ف. م. جوانشیر) درست است که پیش‌فرض مارکسیستی دارد اما آدم وقتی خوب نگاه می‌کند، می‌بیند حرف بدی نزده و لزوما اینکه کسی با پیش‌فرض اصول مارکسیسم بخواهد یک متنی را تحلیل کند که بد نیست. یعنی ما نباید بلافاصله پیش‌داوری کنیم که چون او با اصول پیش‌خوانده مارکسی تاریخی و درواقع دیالکتیک مارکسی تحلیل شده، بنابراین باید رد شود. سوال این است که تکلیف رعیت خوب در برابر پادشاه خوب چیست؟ ما جواب این سوال را فقط در حوزه خاندان سکا می‌توانیم پیدا کنیم. ما از اسطوره به حماسه و از حماسه به تاریخ گذار می‌کنیم که البته من معتقدم ما اسطوره و حماسه را باید یکی در نظر بگیریم و تاریخ را از اینها جدا کنیم و به این صورت ما در شاهنامه دو بخش داریم؛ یکی اسطوره و حماسه که حماسه در دل اسطوره جای می‌گیرد. اگرچه دچار متامورفوز می‌شود و بخش تاریخی آن که جداست. ما جواب این سوال را فقط در دل خاندان سکا می‌توانیم پیدا کنیم. من این را می‌پذیرم که جایی قدرت مطلق است، منتها تخت مطلق نیست. فرد به قدرت وجاهت می‌دهد یا از وجاهت می‌اندازد. درست است که ما آیین شهریاری و شاهی داریم و شاهی مناسک و آداب و آیینی برای خودش دارد اما به نظر من خود تخت می‌تواند شکسته شود؛ چنانکه در گذار از اسطوره به حماسه شخصیت شکسته می‌شود؛ چنانچه گرشاسب یا فریدون در شاهنامه شکسته می‌شود. اتفاقا خویش‌کاری جمشید هم شکسته می‌شود و در سه شخصیت دیگر تداوم پیدا می‌کند. اگر سوال تکلیف رعیت خوب در برابر پادشاه بد را در جغرافیای خاندان سکا بیاوریم و از هر کدام از آن خاندان جواب آن را بپرسیم، بنا بر هر discourseی که در آن قرار گرفته باشند، یک پاسخ متفاوت خواهیم شنید. شما اگر از سام بپرسید که تکلیف چیست، می‌گوید باید از پادشاه اطاعت مطلق کرد، پادشاه است دیگر. به زعم شما اگر آن تخت مطلق باشد یا اینکه آن پادشاه یا شکوه و هیمنه‌اش را مطلق محسوب کنیم، یعنی «چه فرمان یزدان، چه فرمان شاه» به این بحث می‌رسیم که این تخت، تخت یزدانی و دادار یا به عبارتی تخت هورمزد است. به تعبیر اسلامی آن انسان «خلیفه‌الله فی‌الارض» است. شاید بتوانیم بگوییم خداوند پادشاه عالم است و هرکسی که بخواهد حکمرانی کند، باید به نیابت از او حکمرانی کند اما منظور من این است که در دل این حکمرانی نوعی تبانی و دسیسه هم گنجانده می‌شود؛ چنانکه کیخسرو دسیسه کرد. خیلی‌ها تعبیری عرفانی از او دارند؛ چنانچه ما اگر نیم‌نگاهی به شاهنامه از منظر شاهنامه فرهنگ folk و عامیانه داشته باشیم، چنین نگاهی به کیخسرو نیست. خیلی‌ها کیخسرو را با بودیشتره، پادشاه اسطوره هند مقایسه کرده‌اند. در آنجا سگی با خودش همراه دارد و از منظر فرهنگ folk هم سگی همراه کیخسرو هست. اینکه آنجا یک معراج اتفاق می‌افتد و اینجا هم همین طور. اما به نظر من یک نوع پشیمانی و خودنقدی در کیخسرو بوده که تخت و سلطنت را رها کرده، چون می‌دانسته فرود را کشته و از سر راه برداشته و چون برادرکشی کرده و دستش به خون آغشته است، نمی‌تواند صاحب فره باشد و بنابراین اگر صاحب فره هم شود، در لحظه از او دور می‌شود؛ این است که جمشید هم چون به راه داد نرفت، فره از او دور شد. ممکن است این فره به دست یک پیرو اهریمن بیفتد. خود افراسیاب نمی‌تواند جنبه روشنایی یا هورمزدی داشته باشد و خودش از نیروهای اهریمن است. این است که ایزدی را که دارد در کنار رودخانه عبادت می‌کند، پیدا می‌کند و بعد کیخسرو می‌آید و از سر راه برش می‌دارد، یعنی حتی افراسیاب به اصطلاح گریزنده است؛ چنانچه اگر فردوسی متنی را یافت می‌کرد که از افراسیاب نامیرایی بسازد، قطعا این کار را می‌کرد اما این نامیرایی شده صفت ضحاک، چون ضحاک نمی‌میرد و نمی‌تواند فریدون را بکشد. بالاخره این باید باشد تا هزاره سوم یا هزاره چهارم یا سه یا چهار تا سه هزاره، چون دو روایت داریم؛ یک هزار سال و یک ۱۲ هزار سال.

برگردم به بحث رعیت خوب و پادشاه بد. اگر این سوال را از زال بپرسید، می‌گوید باید پادشاه را نصیحت کرد اما سرانجام باید امرش را اطاعت کرد. اگر این سوال را از رستم بپرسید، می‌گوید باید خیره‌سر و سبک‌سر محسوبش کرد؛ «چه کاووس پیشم چه یک مشت خاک»، یعنی discourse به discourse و عصر به عصر قدرت رادیکالیزه می‌شود، یعنی قدرت وجاهت و قداست خودش را از دست می‌دهد و اینکه تعلق به آسمان دارد، از دست می‌رود. چون رستم سکولار است و به نظر من این فردوسی است که به تاریخ نگاهی سکولار دارد، نه اینکه نگاهی ضد دین دارد اما به سیاست نگاهی واقع‌بینانه دارد. همین سوال را شما از فرامرز بپرسید، می‌گوید باید علیه او قیام کرد. همین رستمی که به‌عنوان فرض مثال چنین نگاهی به شاه دارد، خودش هم اهل دسیسه و نام‌پوشی است. جایی پهلوان نام خودش را می‌پوشاند و جایی دیگر در رجزخوانی نام خودش را افشا می‌کند؛ چنانچه در نبرد اشکبوس «مرا مادرم نام مرگ تو کرد/زمانه مرا پتک ترگ تو کرد»، بنابراین از نگاه من قدرت مطلق نیست، یعنی نمی‌شود برای تخت مجازا به معنای قدرت، مطلق بودن اطلاق کرد یا به عبارتی معنا کرد. این با جهان‌بینی فردوسی نمی‌خواند. فردوسی تعلق به دهقانان توس دارد؛ چنانچه آقای دکتر زریاب می‌گوید دهقانان طبقه‌ای بودند که بالاخره می‌توانستند دانش را کسب کنند. به عبارتی اگر خاندان عبدالرزاق توسی نبودند، چه بسا فردوسی نمی‌توانست این شاهنامه را امروزه به دست ما برساند؛ هرچند که خود فردوسی هم هرچه در توان داشت، خرج کرد. به نظر من هرگاه پادشاه در نسبتی که با قدرتش داشته و در نسبتی که با مردم زیردستش دارد، به راه داد رفت، طبیعت هم با قدرت او به مهر است و هرگاه به راه بیداد رفت، طبیعت هم با قدرت او به کین است؛ یعنی به نظر من طبیعت هم سر ستیز دارد. از چنین چیزی نمی‌توان معنایی انتزاعی مراد کرد. به هر حال با اندیشه ایرانشهری هم نمی‌خواند و با طرح دولت- ملتی که قرار است در طول تاریخ و در ازای آن ساخته شود هم نمی‌خواند.

محمودی: تشکر از آقای دکتر نصراللهی که پروبلماتیک این گفت‌وگو را شکل دادند. پروبلماتیک این گفت‌وگو درست همین جاست که یک طرف ما بگوییم قدرت مطلق است و یک طرف بگوییم که نه، اتفاقا شاهنامه می‌گوید قدرت مطلق نیست. من کمی منظورم را واضح‌تر کنم از اینکه می‌گویم قدرت مطلق است و بعد هم نکاتی درباره فرمایش شما بگویم. قدرت مطلق است اصلا به این معنا نیست که شاه ستمگر نمی‌شود، بلکه قدرت مطلق است، فضایی برای نقد کار شاهان فراهم می‌کند. ما در داستانی که شما فرمودید خیلی ابیات و ماجراها داریم «ستم نامه عزل شاهان بود/ز درد دل بی‌گناهان بود»؛ قدرت مطلق است به این معنا نیست که شاهان مطلق‌اند. من هم اینجا از ماجرای کیخسرو که برای شما خواندم، نگفتم که کیخسرو می‌گوید من مطلقم، می‌گوید تخت مطلق است و قدرت مطلق است در فاصله بین شاه و تخت شاهی -تخت متعلق به یک شاه نیست- است. شما ماجرای بهرام چوبینه را در شاهنامه دارید. او فرمانده سپاه ایران می‌شود و چینی‌ها را شکست می‌دهد. قدرتمندترین لشکر تاریخ را هم چینی‌ها فراهم کرده‌اند اما او شکست‌شان می‌دهد. اتفاقا بهرام چوبینه جادوکش هم هست، چون اینها با جادو به جنگ ایرانی‌ها آمده بودند. ما شاهی هم داریم که آن زمان خیلی قدرتمند نیست. شاه ما خسرو است و جوان و کم‌خرد، اما فره‌مند است. بهرام چوبینه در نقطه‌ای به این نتیجه می‌رسد که خودم شاه شوم و کل ماجرای شاهنامه این است که تو نمی‌توانی شاه شوی. تو نمی‌توانی از نقطه‌ای که هستی، به شاهی منتقل شوی. جلوی تو گرفته می‌شود. منطق داستان و خردمندان آن همگی به تو نه می‌گویند، پس شاهی چیزی نیست که هر کس کننده‌تر است شاه شود. اتفاقا بهرام چوبینه مرد خیلی خوبی است و با فرماندهان سپاهش هم دادگر است و بر مدار برادری با آنها کار می‌کند و به آنها آزادی انتخاب می‌دهد. ما هیچ بدی‌ای از بهرام چوبینه نمی‌بینیم، غیر از اینکه می‌خواهد شاه شود. اتفاقا جالب است که در شاهنامه گفته می‌شود او کلیله و دمنه می‌خواند و می‌خواهد شاه شود. اینجا فردوسی فاصله‌ای هم می‌گذارد و می‌گوید این چیزی که دارم از شاهی می‌گویم حتی آن چیزی که در کلیله و دمنه هست، نیست. نکاتی که گفتید به نظر من در شاهنامه نیست؛ مثلا شما گفتید سام. سام با نوذر طرف است نوذر شاه بی‌تدبیری است و تورانیان به مرزهای ایران مدام تعرض و تجاوز می‌کنند و چون نوذر بی‌تدبیر است لشکر جمع نمی‌شود تا بتوانند دفاع کنند. در زمان نوذر پهلوانان ایران هم قسم شدند و شهر را قرق کردند. حالا یادم نیست که جهان پهلوانی به سمت سام سواری می‌فرستند یا سام می‌فرستد. سام که از دور می‌آید، اینها به محضر سام می‌رسند. سام جهان پهلوان است. به او می‌گویند شاهی و ایران دارد از بین می‌رود و بیا یک کاری بکن. بیا تو شاه شو. سام می‌گوید من هر که باشم، خاک پای نوذرم و اصلا چنین تعرضی به شاهی ممکن نیست اما بعد از اینکه پهلوانان را در گفت‌وگو سرکوب می‌کند و وقتی که به محضر نوذر می‌رسد، در جلوت به نوذر دلگرمی می‌دهد و در خلوت نوذر را نصیحت می‌کند که تو باید براساس تدبیر و خرد عمل کنی. این دیالوگ، گفت‌وگوی همیشگی پهلوانان با شاهان است که شاهی را باید نگه داشت و چیزی که کمک می‌کند این دیالوگ را داشته باشند، همین مطلق بودن شاهی است. مطلق بودن شاهی مطلق بودن شاهان نیست. خدعه هم که شما گفتید، همیشه بوده و وقتی فریدون بر سه پسرش ظاهر می‌شود تا جهان را بین آنها تقسیم کند. فریدون ایرانی است اما به صورت اژدها ظاهر می‌شود و این جادویی است. وقتی زال توسط سام دور انداخته می‌شود و بعد پشیمان می‌شود و توبه می‌کند و می‌آید فرزندش را از سیمرغ بگیرد، سیمرغ اسم زال را «دَستان» می‌گذارد. می‌گوید «نهاد تو را نام دستان زند/که با تو پدر کرد دستان و بند» چون پدر تو با تو حیله و مکر کرده، من نام تو را دستان می‌گذارم. اصلا دستان به معنای مکر و حیله است. از آن طرف این طور نیست که تبار تورانیان همه جادویی باشد.

نصراللهی: من عرض نکردم که همه اهل جادو بودند. من درباره پیران ویسه گفتم و اینکه بالاخره جادو اهرمی بوده برای بشریت و نه می‌توان به صورت مطلق آن را در جانب نیکی نگهش داشت و نه جانب بدی.

محمودی: پس اگر منظور آقای دکتر این نیست، من نکات دیگر مربوط به آن را نمی‌گویم و سراغ روش‌شناسی می‌روم. ما با یک متن واحد طرف هستیم. فردوسی صرفا راوی آنچه به دستش رسیده نیست. فردوسی تعریف نویی دارد. ما باید این تعریف نو را اولا براساس خودش بفهمیم. من اصرار دارم که شاهنامه را ذیل تراژدی نخوانم. طرح شاهنامه طرح تراژدی نیست. بیایید شاهنامه بخوانیم. من اصرار دارم از شاهنامه حل‌المسائل مشکلات امروزمان را نخواهیم. نگوییم که الان با پادشاه ستمگری که روبه‌رو هستیم، شاهنامه چه کمکی می‌کند؟ می‌توان شاهنامه را با متون اوستایی تطبیق داد، حتی با شاهنامه‌های دیگری که در زمان فردوسی قبل از او و بعد از او نوشته شده‌اند یا با شاهنامه‌های فولکلور می‌توان مقایسه کرد اما این شاهنامه یک اثر مستقل است. اگر این استقلال را نپذیریم، مجبور به تفاسیری می‌شویم. شاید این تفاسیر به واسطه متون دیگر ممکن شود اما با شاهنامه در تعارض است. کیخسرو حتما شاه فره‌مندتری نسبت به کیکاووس یا نوذر است، پس در منطق داستانی ما، فره قدرت تقویت شده است. شما اسمش را تقدس بگذارید. بالاخره یک نوع تقدس است. تخت مقدس‌تر شده. درباره ظهور دین مسائلی داریم. اگر ما این منطق تحلیل شاهنامه را از بیرون شاهنامه بیاوریم، با شاهنامه دعوای‌مان می‌شود؛ چنانچه شاملو و دکتر شریعتی با شاهنامه دعوای شان شد، پس شاهنامه تسلیم منطق من نشده، من تلاش کردم شاهنامه را با منطق خودم روایت کنم اما شاهنامه تسلیم منطق من نشده و منطق خودش را دارد. در شاهنامه شاهان مطلق نیستند اما شاهی مطلق و مقدس است و به یزدان ربط دارد و آن جدالی هم که شما گفتید و دیگر جدال‌های شاهنامه به این امکان جداکردن شاهان از شاهی برمی‌گردند. سید جواد طباطبایی با دیدگاه ایرانشهری به متونی مانند سیرالملوک خواجه برمی‌گردد و روایتی از ملوک می‌دهد. جایی می‌گوید خواجه نظام گفته رعیت سلطان راست. سید جواد پیش و پس این عبارات را زده. اگر این جمله را بیاوریم در سیرالملوک، می‌بینیم معنای دیگری دارد. هیچ جا در تاریخ ایران رعیت ملک مطلق سلطان نبودند که هر کسی خواست با رعیت بکند. رعیت مردم هستند. در داستان بهرام گور، او معمولا ناشناس به این طرف و آن طرف می‌رفته. روزی میهمان پیرزنی می‌شود و نمی‌گوید که کیست. با این پیرزن ماجرایی دارد. لحظه‌ای بهرام از این پیرزن می‌پرسد نظرت درباره شاه چیست، می‌گوید شاه خوب و دادگری است، فقط لشکریانش هر از چندی از اینجا عبور می‌کنند و به اموال مردم بی‌اجازه تعرض می‌کنند. بهرام خیلی خشمگین می‌شود. از متن شاهنامه دو چیز برداشت می‌شود که خشم نسبت به پیرزن می‌گیرد یا خشم نسبت به لشکریانش. فکر می‌کنم دومی باشد. می‌گوید به واسطه اینکه من شاه مهربانی هستم، زمینه سوءاستفاده لشکریانم را فراهم کرده‌ام، حالا چنان نسقی از اینها بکشم که دیگر کسی به خودش چنین اجازه‌ای ندهد. همین که بهرام دارد این ماجرا را با خودش مرور می‌کند که چه کنم و چه نکنم، پیرزن یک حیوانی دارد و می‌رود شیر او را بگیرد و برای صبحانه میهمانش بیاورد اما می‌بیند که شیر حیوان خشک شده. پیرزن رو می‌کند به پیرمردی که همسرش است و می‌گوید خدا به دادمان برسد. پیرمرد می‌گوید شاه ما به فکر ستمگری است و وقتی این طور شود، پستان حیوان خشک می‌شود، پس ما نقد قدرت و نقد شاهان را داریم اما این براساس این است که قدرت مطلق است و در صحنه حضور دارد و فقط یک مفهوم نیست.

نصراللهی: آقای دکتر باید اول از منظر فلسفی به بحث قدرت می‌پرداخت، چون می‌طلبد یک بحث فلسفی داشته باشد که شما بعد از گذر از آن به شاهنامه می‌پرداختید.

محمودی: من نکته آخر را بگویم. در نامه انوشیروان درباره نوشزاد نکته‌ای هست. انوشیروان می‌گوید نوشزاد ستم کرده و باید با او برخورد شود. به فرمانده لشکر دستور می‌دهد با نوشزاد برخورد کند اما می‌گوید اول نصیحتش کن و سعی کن دلش را به دست بیاوری و او را از این راهی که هست حتی‌المقدور برگردانی و او را نکشی. تمام کسانی که همراهش بودند را از دم تیغ بگذران اما یک چیز را هم مواظب باش؛ در شهر اگر دیدی کسی علیه نوشزاد بدگویی می‌کند، او را هم بکش، چون کسی که علیه او بدگویی می‌کند، می‌خواهد علیه من بدگویی کند. کسی اجازه ندارد نوشزاد را به سخره بگیرد یا درباره‌اش بد بگوید. درواقع این اطلاق قدرت شاهی یعنی اگر قدرت شاهی از بین برود، شیرازه امور از هم می‌پاشد. این برای انوشیروان یک مساله مهم و غیرقابل عدولی است. نوشزاد خروج کرده و باید او را سر جایش نشاند اما نباید این مساله به یک بلوای عام تبدیل شود. در سیرالملوک هم همین است. من می‌دانم که ما می‌خواهیم حتی با عنوان اندیشه ایرانشهری یک تاریخ یکپارچه و بدون گسست برای ایران امروز درست کنیم. سید جواد طباطبایی می‌خواهد این کار را بکند، من هم این را دوست دارم اما این نباید به قیمت تحریف شاهنامه، سیرالملوک و متون ایرانی تمام شود.

آگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی آمل مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه بلامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می‌گردد:

املاک متقاضیان واقع در بخش نه ثبت آمل - دهستان لیتکوه

۵- اصلی (قریه شاه‌محله)

۵۹۸۰ فرعی آقای رضا ناظر و خانم سمانه محمدپور هر یک به نسبت سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با ساختمان احداثی با کاربری مسکونی به مساحت ۱۵۴/۷۶ مترمربع، خریداری شده بلاواسطه از حرمت‌الله حسن‌زاده.

لـذا بـه موجب ماده ۳ - قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ –آیین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه محلی و کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها رای هیات الصاق تا درصورتی‌که اشخاص ذینفع به آرای اعلام‌شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی در روستاها از طریق الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایـد و گواهـی تقدیم دادخواسـت را به اداره ثبت محل تحویـل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و درصورتی‌که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. برابر ماده ۱۳ آیین‌نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهارنامه ثبتی پذیرفته نشده واحد ثبتی بدیهی با رای هیات پس از تنظیم اظهارنامه حاوی تحدید حدود، مراتب را در اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود به‌صورت همزمان به اطلاع عموم می‌رساند و نسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقه تحدید حدود واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می‌نماید.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۷/۱۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۷/۲۹ میم الف: ۱۵۷۹۶۰۹

حسن صالحی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آمل

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی نوشهر

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹/۹/۲۰، املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی نوشهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می‌گردد: املاک متقاضیان واقع در قریه مبانک پلاک ۲۷ اصلی بخش ۵ قشلاقی ۴۶۰ فرعی آقا/خانم شهرام مقصودی فر فرزند مسیب نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی (کاربری باغات) به مساحت ۱۷۲/۵۸ مترمربع خریداری بدون واسطه / بـا واسـطه از رجب مقصودی لذا به موجب ماده ۳ قانـون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی/کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها علاوه بر انتشار آگهی، رای هیات الصاق تا درصورتی‌که اشخاص ذینفع به آرای اعلام‌شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و درصورتی‌که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه منظور به دادگاه نیست. بدیهی است برابر ماده ۱۳ آیین‌نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهارنامه ثبتی پذیرفته نشده، واحد ثبتی با رای هیات پس از تنظیم اظهارنامه حاوی تحدید حدود، مراتب را در اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود به صورت همزمان به اطلاع عموم می‌رساند و نسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقه تحدید حدود، واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می‌نماید.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۷/۱۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۷/۲۹ میم الف: ۱۵۸۰۰۸۷

علی‌اکبر مقدسی فر - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نوشهر

آگهی مزایده

دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت در نظر دارد ساختمان سلف سرویس (تالار پذیرایی) را از طریق مزایده عمومی به صورت اجاره به غیر به افراد واجد شرایط واگذار نمایند. متقاضیان جهت دریافت اسناد مزایده و بازدید از ساختمان، از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ۷ روز کاری به دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت مراجعه نمایند. ضمنا هزینه درج آگهی بر عهده برنده مزایده خواهد بود.

شماره تلفن جهت تماس: ۰۹۱۳۲۴۵۲۲۴۲ - ۰۹۱۳۱۴۷۴۰۸۴

آگهی مناقصه عمومی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان در نظر دارد از طریق مناقصه عمومی با شرایط مندرج در اسناد مناقصه، نسبت به اجاره ساختمان و امکانات موجود سلف سرویس خود به اشخاص واجد شرایط اقدام نماید، لذا از متقاضیان محترم دعوت به عمل می‌آید ظرف مدت ۱۰ روز کاری از تاریخ انتشار این آگهی، جهت دریافت اسناد مناقصه در ساعات اداری به نشانی: لاهیجان - خیابان شقایق– مجتمع دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان - ساختمان دانشکده فنی و مهندسی- طبقه پنجم-امور حقوقی مراجعه نموده و پاکت‌های پیشنهادی خود را در زمان مقرر پس از ثبت در دبیرخانه دانشگاه، به دفتر حراست دانشگاه تحویل نمایند. ضمنا هزینه انتشار آگهی به عهده برنده مناقصه بوده و دانشگاه در رد یا قبول یک یا همه پیشنهادات دارای اختیار تام می‌باشد. بدیهی است کلیه مفاد آیین‌نامه معاملات دانشگاه آزاد اسلامی حاکم بر تشریفات این مناقصه می‌باشد.

شماره تماس: ۴۱۲۲۲۷۹۰۴

دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان

آگهی تجدید مزایده

دانشگاه آزاد اسلامی واحد لنگرود در نظر دارد یک دستگاه خودروی سواری پژو ۴۰۵ دوگانه‌سوز مدل سال ۱۳۹۳ را از طریق مزایده عمومی به واجدین شرایط به فروش برساند لذا از کلیه شرکت‌کنندگان حقیقی یا حقوقی دعوت می‌شود ضمن واریز یکصد و بیست میلیون ریال به شماره حساب ۰۱۱۵۸۶۰۹۵۷۰۰۷ بانک صادرات به نام دانشگاه آزاد اسلامی لنگرود حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز کاری پس از درج این آگهی جهت بازدید و همچنین دریافت اسناد مزایده از ساعت ۸:۳۰ تا ۱۴:۳۰ به آدرس لنگرود جاده لیلاکوه دانشگاه آزاد اسلامی لنگرود واحد حقوقی مراجعه نمایند.

شرایط: ۱- دانشگاه در قبول یا رد کلیه پیشنهادات تام‌الاختیار است و کلیه پیشنهادات مبهم و مشروط مردود خواهند بود. ۲- هزینه درج آگهی بر عهده برنده مزایده خواهد بود. ۳- سایر شرایط در اسناد مزایده درج گردیده است.

روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد لنگرود

روزنامه فرهیختگان

صدای نخبگان نگاه جوانان

FARHIKHTEGAN

فرهیختگان

FARHIKHTEGANONLINE

WWW.FDN.IR

FARHIKHTEGANDAILY

مدرسه عالی مهارتی رسانه‌ای فرهیختگان

۰۹۱۰۸۱۰۶۵۳۵

Farhikhteghan_school

داده‌های مرکز آمار نشان می‌دهد مالکان مسکن طی سال گذشته معادل ۸۴ درصد درآمد مالیاتی دولت، درآمد کسب کرده‌اند

کمک‌خرج ۴۰۰ همتی اجاره‌نشین‌ها به مالکان

میثم اکبری
خبرنگار

یکی از موضوعات مشترک مورد مطالعه بین جامعه‌شناسان و اقتصاددانان مساله فقر مسکن است. براساس تعریف هیبتات (برنامه اسکان بشر ملل متحد)، درصورتی‌که هزینه مسکن بیش از یک‌سوم هزینه‌های خانوار را به خود اختصاص دهد، خانوار دچار «فقر مسکن» است، پدیده‌ای که باعث می‌شود خانوار برای تامین هزینه مسکن، قید سایر هزینه‌های اساسی زندگی (هزینه تفریح، سلامت، تغذیه، تحصیل، سفر و...) را بزند. داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد در مناطق شهری کشور سهم مسکن از هزینه‌های خانوار از حدود ۲۹ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۳۰ تا ۳۳ درصد تا سال ۱۳۹۶ و به ۳۸٫۱ درصد در سال ۱۴۰۱ رسیده است. البته طی سال گذشته این مقدار در استان تهران حتی به حول‌وحوش ۵۱ درصد رسیده است. شوک تحریم‌های ظالمانه، التهابات ارزی، افزایش تورم و هجوم تقاضاهای سرمایه‌ای و سفته‌بازانه به بازار مسکن، این بخش را با آنچنان جهش قیمتی روبه‌رو کرده که نتیجه آن عقب‌ماندن شدید قدرت خرید خانوارها از قیمت مسکن بوده است. فقر مسکن به اندازه‌ای مهم است که براساس پژوهش سه پژوهشگر کشورمان با عنوان «تاثیر هزینه‌های مسکن بر نابرابری درآمدی و میزان جرم در استان‌های ایران» طی سال‌های اخیر افزایش هزینه‌های مسکن (افزایش قیمت و اجاره مسکن) باعث افزایش نابرابری درآمدی و افزایش میزان جرم در استان‌های مختلف شده است. محاسبات «فرهیختگان» از داده‌های هزینه- درآمد خانوار مرکز آمار ایران نشان می‌دهد مستاجران ایرانی طی سال گذشته حدود ۴۰۰ همت هزینه اجاره پرداخته‌اند، رقمی که معادل ۸۴ درصد درآمد مالیاتی سال ۱۴۰۱ دولت (بدون احتساب مالیات واردات) است.

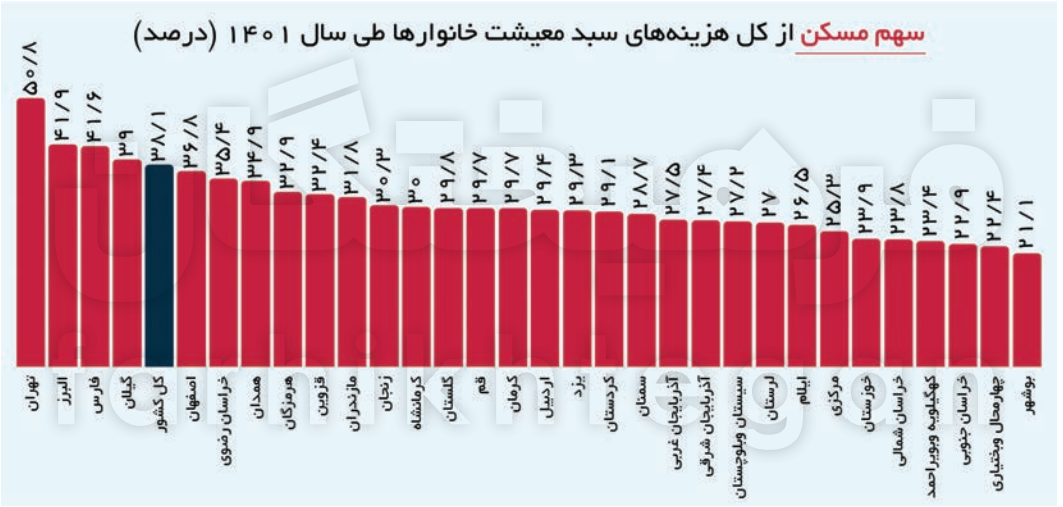

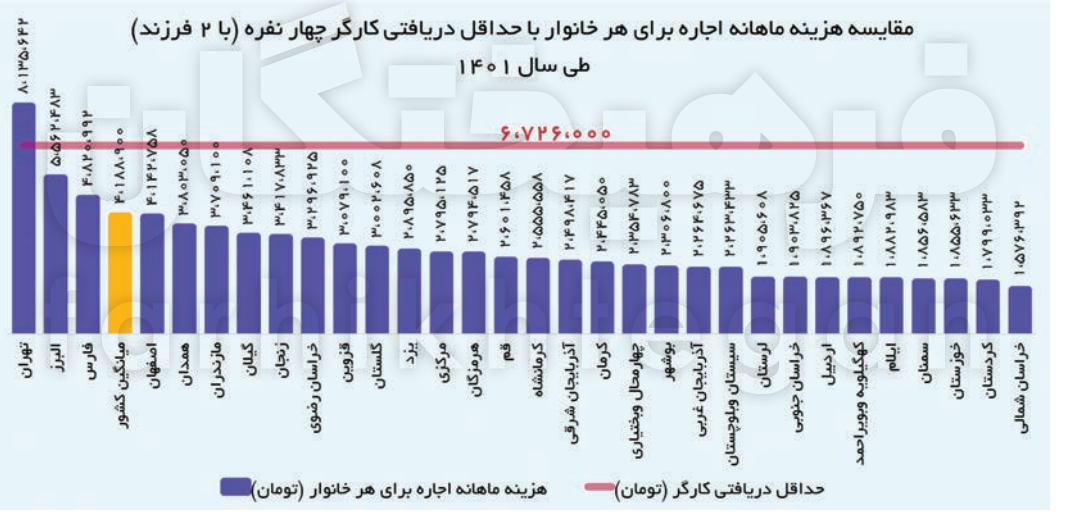

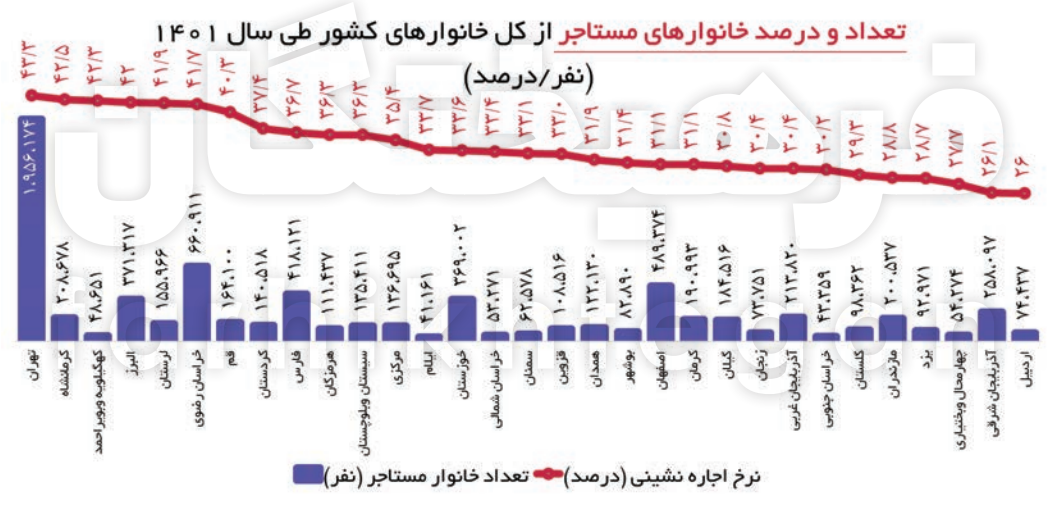

کارنامه هزینه مسکن ۷٫۳ میلیون خانوار

واضح است که یکی از اصلی‌ترین نیازهای یک خانوار ساکن در هر نقطه نیاز به سرپناه بوده و در میان انواع روش‌های سکونت شخصی، استیجاری و سایر (اعم از منازل سازمانی و...) سهم دو مورد نخست هم بیشتر و هم اصلی‌تر است و با توجه به وضعیت اقتصادی سالیان گذشته و کاهش ارزش پول ملی، بررسی هزینه‌کرد خانوار در بخش مسکن می‌تواند در ایجاد دید مناسب در سیاستگذاران و مجریان کمک‌کننده باشد اما پیش از این خوب است نگاهی به نرخ اجاره‌نشینی در کشور داشته باشیم.

نگاهی به آمارهای رسمی نشان می‌دهد تعداد کل خانوارهای شهری کشور تا سال ۱۴۰۱ به بیش از ۲۰ میلیون و ۲۰۱ هزار رسیده که از این تعداد، سهم استان تهران به‌عنوان پرجمعیت‌ترین استان کشور به چهارمیلیون و ۵۱۸ هزار خانوار می‌رسد. پس از تهران، خراسان رضوی با یک‌میلیون و ۵۸۵ هزار، اصفهان با یک‌میلیون و ۵۷۴ هزار، فارس با یک‌میلیون و ۱۳۹ هزار و خوزستان با یک‌میلیون و ۹۸ هزار خانوار، استان‌هایی هستند که آخرین آمارها حکایت از تعداد خانوار بیش از یک‌میلیون در آنها دارد. در سمت دیگر استان‌های کهگیلویه‌وبویراحمد با ۱۱۵ هزار، ایلام با ۱۲۲ هزار و خراسان جنوبی با ۱۴۴ هزار خانوار، به‌عنوان استان‌هایی شناخته می‌شوند که کمترین تعداد خانوار کشور را در میان سایر استان‌ها به خود اختصاص داده‌اند. همچنین براساس آخرین آمار مربوط به نرخ اجاره‌نشینی کشور که مربوط به سرشماری سال ۱۳۹۵ می‌شود نرخ اجاره‌نشینی در کل کشور حدود ۳۴ درصد است و اگر این نرخ را در تعداد خانوارهای سال ۱۴۰۱ اعمال کنیم باید گفت در کل کشور حدود هفت‌میلیون و ۳۲۲ هزار خانوار مستاجر حضور دارند.

سهم ۳۰ تا ۴۰ درصدی مستاجران از جمعیت استان‌ها

هفت‌میلیون و ۳۲۲ هزار خانوار مستاجر آمار متوسط کشوری هستند و وضعیت در استان‌های مختلف به سبب ویژگی‌های متنوع با تغییراتی همراه است؛ به‌طوری‌که بالاترین نرخ اجاره‌نشینی در کشور مربوط به استان تهران با نرخ بیش از ۴۳ درصد و استان کرمانشاه با ۴۲٫۵ درصد است و این دو استان دارای بیشترین نرخ اجاره‌نشین‌ها هستند و البته تهران به سبب جمعیت بالا دارای بیشترین تعداد خانوار مستاجر از لحاظ تعدادی نیز هست، به‌طوری‌که با فرض آمار ۴۳ درصدی اجاره‌نشینی باید گفت تعداد خانوارهای اجاره‌نشین در استان تهران به یک‌میلیون و ۹۵۶ هزار خانوار می‌رسد (این عدد در استان کرمانشاه که نرخ اجاره‌نشینی همچون تهران دارد ۲۰۹ هزار خانوار است). پس از این دو استان نیز استان‌های کهگیلویه‌وبویراحمد، البرز (۳۷۱ هزار خانوار مستاجر)، لرستان و خراسان رضوی (۶۶۱ هزار خانوار مستاجر) با داشتن نرخ اجاره‌نشینی ۴۲ درصد به‌صورت مشترک در رتبه دوم قرار دارند و پس از این استان‌ها قم با ۴۰ درصد به‌عنوان هفتمین استان با نرخ اجاره‌نشینی بیش از ۴۰ درصد قرار دارد و باید گفت با توجه به میانگین ۳۴ درصدی نرخ اجاره‌نشینی کشور، ۱۲ استان دارای نرخ اجاره‌نشین بیش از متوسط کشوری هستند. در سمت دیگر نرخ اجاره‌نشینی در استان‌های اردبیل و آذربایجان شرقی با ۲۶ درصد کمترین میزان در تاریخ گزارش‌گیری بوده و پس از این دو استان، نرخ اجاره‌نشینی در استان‌های چهارمحال‌وبختیاری (۲۸ درصد) و در استان‌های یزد، مازندران و گلستان با ۲۹ درصد نسبتی کمتر از ۳۰ درصد را به ثبت رسانده‌اند. البته لازم به‌ذکر است آمار مربوط به نرخ و درصد مستاجران (نه تعداد) براساس آخرین سرشماری رسمی کشور در سال ۱۳۹۵ تنظیم شده و قطعا باید شاهد تغییراتی در نرخ اجاره‌نشینی یا رتبه‌بندی استان‌های مختلف کشور باشیم؛ چراکه وضعیت اقتصادی و نیاز به درآمد بالاتر از اصلی‌ترین محرک‌هایی است که خانوارها را در مهاجرت به استان‌های مهاجرپذیر (به سبب شرایط صنعتی و اشتغال) سوق می‌دهد.

اجاره‌ها معادل ۳۰ تا ۱۰۰ درصد حقوق کارگر

اما پس از اشاره به نرخ اجاره‌نشینی و استان‌های با بیشترین نرخ مستاجر، یکی از موارد مهم در خصوص خانوارهای مستاجر هزینه پرداختی جهت اجاره منازل مسکونی است؛ چراکه با توجه به افزایش قیمت مسکن از یک‌سو خانه‌دار شدن برای خانوارها سخت‌تر شده و از یک‌سو این موضوع تاثیر خود را در افزایش هزینه اجاره‌بها به‌دلیل چسبندگی رشد قیمت مسکن و نرخ اجاره و همچنین افزایش قیمت اجاره به دلیل تورم نشان می‌دهد. در این خصوص نگاهی به هزینه اجاره‌خانه براساس گزارش هزینه- درآمد خانوار شهری مرکز آمار ایران که مربوط به سال ۱۴۰۱ است، نشان می‌دهد میانگین کشوری اجاره پرداختی هر خانوار طی سال ۱۴۰۱ بیش از ۵۰ میلیون تومان بوده که مبین هزینه چهارمیلیون و ۲۰۰ هزارتومانی برای هرماه است. البته این هزینه فقط اجاره پرداختی خانوار است و شامل هزینه آب و فاضلاب، برق و گاز و تلفن و اینترنت و سایر هزینه‌های جانبی نمی‌شود. اما بیشترین میانگین اجاره پرداختی هر خانوار طی یک سال مربوط به استان تهران با حدود ۹۸ میلیون تومان است که به‌طور متوسط هزینه ماهیانه اجاره بیش از هشت‌میلیون تومانی را برای خانوار برجای می‌گذارد. گفتنی است که پس از تهران، بیشترین هزینه سالیانه اجاره برای هر خانوار در سال ۱۴۰۱ به استان البرز با عددی نزدیک به ۶۷ میلیون تومان تعلق دارد، یعنی اجاره محل سکونت به ازای هرماه در استان البرز حدود پنج‌میلیون و ۶۰۰ هزار تومان برای هر خانوار هزینه دربرداشته است. پس از البرز بیشترین هزینه ماهانه منزل متعلق به استان فارس بوده با چهارمیلیون و ۸۰۰ هزار تومان که سه استان تهران، البرز و فارس را بالاتر از میانگین چهارمیلیون و ۲۰۰ هزار تومان قرار می‌دهد. در ادامه فهرست استان اصفهان با میانگین اجاره چهارمیلیون و ۱۴۰ هزار، همدان با سه‌میلیون و ۸۰۰ هزار، مازندران با سه‌میلیون و ۷۰۰ و گیلان با سه‌میلیون و ۴۶۰ هزار تومان در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در سوی دیگر کمترین میزان هزینه ماهانه اجاره برای خانوار در استان‌های خراسان شمالی با یک‌میلیون و ۵۷۶ هزار، کردستان با یک‌میلیون و ۸۰۰ هزار، خوزستان و سمنان با یک‌میلیون و ۸۵۶ هزار تومان هزینه در سبد خانوار دارد.

نکته قابل‌توجه در این خصوص این است که حداقل دریافتی کارگر چهارنفره با دوفرزند طی سال ۱۴۰۱ حدود ۶ میلیون و ۷۲۶ هزار تومان بوده است. همانطور که در نمودار آمده، در استانی مثل تهران کارگر اگر با حقوق پایه وزارت کار بخواهد مستاجر نه شهر تهران، بلکه اقمار تهران هم باشد علاوه بر آنکه باید تمام درآمد خود را صرف هزینه اجاره کند، باید مقداری به آن اضافه کند تا از پس هزینه اجاره یک‌ماه برآید و پوشش سایر هزینه‌ها مانند خوراک، پوشاک و تحصیل فرزندان مساله‌ای است که این سرپرستان خانواده را به‌سمت شغل‌های دوم و سوم و اشتغال سایر اعضای خانواده می‌کشاند. طبق آمارها، در سال گذشته هزینه اجاره ماهانه مسکن در استان تهران معادل ۱۲۱ درصد حقوق کارگر بوده است، پس از آن در استان البرز این مقدار معادل ۸۳ درصد حقوق کارگر، در استان فارس ۷۲ درصد، در استان اصفهان ۶۲، در همدان ۵۷، در مازندران ۵۵ و در گیلان و زنجان معادل ۵۱ درصد حقوق کارگر بوده است. اما کمترین مقدار سهم مسکن از حقوق کارگر با حداقل دریافتی مربوط به استان‌های خراسان شمالی، کردستان، خوزستان، سمنان، ایلام، کهگیلویه‌وبویراحمد، اردبیل، خراسان جنوبی و لرستان است. طی سال گذشته در استان‌های مذکور سهم اجاره مسکن از حقوق کارگر بین ۲۳ تا ۲۸ درصد بوده است

۴۰۰ همت هزینه یک سال مستاجران

اما پس از اشاره به ابعاد اقتصاد خرد مسکن و نرخ مستاجران نگاهی به گردش مالی در این بخش نیز جالب توجه است. در این خصوص می‌توان با در نظر گرفتن رقم اجاره پرداختی خانوار به‌صورت سالیانه و تعداد مستاجران در هر استان نمای کلی و تقریبی از کل اجاره پرداختی مستاجران داشت. آنطور که گفته شد، داده‌های مرکز آمار ایران (گزارش هزینه-درآمد) نشان می‌دهد طی سال گذشته بالاترین رقمی پرداختی اجاره‌بها از سوی یک خانوار مربوط به خانوارهای شهری استان تهران بوده است. در مناطق شهری این استان هر خانوار طی سال ۱۴۰۱ به‌طور میانگین حدود ۹۸ میلیون تومان هزینه اجاره داده است. پس از آن البرزی‌ها نزدیک به ۶۷ میلیون تومان، در استان فارس نزدیک به ۵۸ میلیون تومان، در استان اصفهان نزدیک به ۵۰ میلیون تومان، در همدان ۴۶، در مازندران ۴۴٫۶، در گیلان ۴۱٫۵ و در زنجان ۴۱ میلیون تومان بوده است. کمترین مقدار هم مربوط به استان‌های خراسان شمالی، کردستان، خوزستان، سمنان، ایلام، کهگیلویه‌وبویراحمد، اردبیل، خراسان جنوبی و لرستان با هزینه سالانه ۱۹ تا ۲۳ میلیون تومان بوده است. محاسبات نشان می‌دهد اگر تعداد خانوارهای مستاجر در هر استان را در میانگین هزینه پرداختی در هر استان ضرب کنیم، عدد به‌دست‌آمده برای پرداختی کل مستاجران کشور طی سال ۱۴۰۱ به حدود ۳۹۵ هزار میلیارد تومان خواهد رسید.

در میان استان‌های کشور، مستاجران استان تهران با نزدیک به دو میلیون خانوار و پرداخت سالیانه ۹۸ میلیون تومانی برای هزینه اجاره مسکن به ازای هر خانوار، درمجموع ۱۹۱ هزار میلیارد تومان به مالکان مسکن هزینه اجاره پرداخته‌اند که بیش از نصف تمام اجاره‌بهای پرداختی کل کشور است. اختلاف این عدد به شکلی است که خراسان‌رضوی به‌عنوان استان بعدی، مجموع اجاره‌بهای ۲۶ هزار میلیارد تومانی را در خود دارد که هفت برابر کمتر از استان تهران است. پس از خراسان‌رضوی تخمین پرداختی مستاجران در استان‌های البرز ۲۵ هزار میلیارد تومان و اصفهان و فارس ۲۴ هزار میلیارد تومان بوده، در نقطه مقابل این عدد در استان ایلام ۹۳۰ و خراسان جنوبی ۹۹۱ میلیارد تومان است.

رکورد تاریخی سهم مسکن در سبد معیشت

در مباحث اقتصادی-اجتماعی یکی از مواردی که جزء مطالعات بیش‌رشته‌ای بوده، مساله مسکن مقرون‌به‌صرفه است. مسکن مقرون‌به‌صرفه به این معنی است که سهم مسکن از هزینه خانوار بیشتر از ۳۰ درصد نباشد، زیرا درصورتی‌که هزینه مسکن بیش از یک‌سوم هزینه‌های خانوار را به خود اختصاص دهد، سایر لذت‌های اساسی زندگی خانوارها تهدید خواهد شد. یکی از شاخص‌های اندازه‌گیری میزان مقرون‌به‌صرفه بودن مسکن، سهم مسکن از هزینه خانوار شهری است. براساس تعاریف، درصورتی‌که سهم مسکن از هزینه خانوار بیش از ۳۰ درصد باشد، براساس تعریف هبیتات (برنامه اسکان بشر ملل متحد) مقرون‌به‌صرفه نبوده است. این شاخص میزان هزینه مسکن را از کل هزینه خانوار نشان می‌دهد. آن‌طور که داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد، در مناطق شهری کشور سهم مسکن از هزینه‌های خانوار از ۲۸ تا ۲۹ درصد طی سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۸۴ به ۳۰ تا ۳۳ درصد تا سال ۱۳۹۶ رسیده است. اما در سال ۱۳۹۷ با شوک تحریم‌ها، التهابات ارزی، افزایش تورم و هجوم تقاضاهای سرمایه‌ای به بخش مسکن، این بخش نیز با جهش شدید قیمت‌ها روبه‌رو شد و نتیجه آن عقب‌ماندن قدرت خرید خانوارها از قیمت مسکن بود. با جهش قیمت‌ها در بازار مسکن که طی چند سال اخیر رخ داده آمارهای مرکز آمار ایران نشان می‌دهد سهم مسکن از کل هزینه‌های خانوار (خوراکی و غیرخوراکی) به ۳۴ درصد در سال ۱۳۹۷، به ۳۹٫۸۳۶ درصد در سال ۱۳۹۸، به ۳۷ درصد در سال ۱۳۹۹، به ۳۶ درصد در سال ۱۴۰۰ و درنهایت به ۳۸٫۱ درصد در سال ۱۴۰۱ رسیده است. این مقدار علاوه‌بر اینکه حدود ۸ واحد درصد از نرخ فقر مسکن بالاتر بوده (نرخ متعارف ۳۰ درصد)، بالاترین رقم سهم مسکن از سبد هزینه‌ای خانوارهای شهری ایرانی در چهار دهه اخیر نیز هست. اما برای اینکه بتوان درک بهتری از پیامدهای بالا بودن هزینه‌های مسکن در سبد هزینه‌ای خانوارهای شهری ایران به دست آورد، در اینجا یک مقایسه آماری بین هزینه‌های مسکن در سبد هزینه‌ای ۵۲ کشور جهان در مناطق مختلف انجام داده‌ایم. این مقایسه آماری نشان می‌دهد درحالی‌که مسکن و خدمات وابسته به آن در سبد هزینه‌ای خانوارهای شهری ایرانی سهم نزدیک به ۳۸٫۱ درصدی دارد، در کشور عضو OECD به‌طور میانگین حدود ۲۳ درصد، در کشورهای عضو اتحادیه اروپا ۲۳٫۹ درصد و در حوزه یورو ۲۳٫۶ درصد از هزینه‌های خانوار مربوط به مسکن است. در بین ۵۲ کشوری که وضعیت آنها با ایران مقایسه شده، پس از خانوارهای ایرانی، فنلاندی‌ها با ۲۸٫۹ درصد، اسلواکی‌ها با ۲۸٫۷ درصد، دانمارکی‌ها با ۲۸٫۱ درصد، جمهوری چک با ۲۶٫۳ درصد و فرانسه با ۲۶٫۲ درصد به‌ترتیب در رتبه‌های دوم تا هفتم با بالاترین هزینه در این بخش قرار دارند. در روسیه سهم مسکن از سبد هزینه‌ای خانوار حدود ۱۳٫۸ درصد است. این میزان در مکزیک ۱۴٫۶ درصد، در لیتوانی ۱۴٫۹ درصد، در شیلی و ترکیه ۱۵ درصد، در کره‌جنوبی ۱۷ درصد، در قبرس ۱۵٫۶ درصد و در آمریکا ۱۹ درصد است. همچنین در قطر ۲۱٫۲ درصد، در عربستان سعودی ۲۲٫۴ درصد، در ایتالیا ۲۲٫۵ درصد، در پاکستان ۲۳٫۸ درصد، در چین ۲۴٫۴ درصد و در ژاپن ۲۵ درصد است.

خلأهای حکمرانی اقتصادی بلای جان مستاجران

همان‌گونه که طی دهه اخیر خصوصا چند سال گذشته شاهد بودیم افزایش هزینه خرید یا ساخت مسکن در کنار تورم موجب شده که نرخ اجاره‌نشینی روند افزایشی داشته باشد و روزبه‌روز سهم هزینه مسکن در سبد هزینه خانوار افزایش یابد و حتی در این مسیر، اجاره‌نشینی در مناطق حاشیه شهرها نیز رشد کند. در این خصوص دولت‌های مختلف نیز سعی دارند با اعمال سیاست‌های اقتصادی در حوزه مسکن فارغ از سیاست‌های اقتصاد کلان اما در ارتباط با آن، ترمز افزایش سرسام‌آور قیمت در این بخش را بکشند. اما یکی از مواردی که در ایران سبب شده تا این سیاست‌ها اثر نداشته یا در رسیدن به اهداف خود به حد خوبی نرسند عدم اطلاع دقیق دولت‌ها و دستگاه‌های مختلف حاکمیتی از موجودی و مالکیت مسکن به علت قولنامه‌ای بودن حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد از مسکن کشور بوده است چراکه اعمال سیاست و اقدامات حکمرانی در هر حوزه نیاز به داشتن اطلاعات و آمار به‌روز و متقن از آن بخش دارد. به‌عنوان مثال معمولا دولت‌های مختلف و در طرح‌های ساخت مسکن خود سعی دارند با استفاده از مشوق‌ها و امتیازات مختلف، هم سختی‌های مالی برای جامعه هدفی که متقاضی مسکن هستند را کاهش دهند و هم زمینه بهره‌مندی جامعه بزرگ‌تری از متقاضیان مستحق را فراهم آورند. اما تجربه چندسال اخیر و طرح‌های مسکن اجراشده نظیر مسکن مهر نشان‌دهنده آن است که به دلیل فقدان دسترسی دولت به موجودی و مالکیت مسکن در کشور یارانه‌های مختلفی که دولت‌ها در این خصوص اعطا کرده‌اند از یک‌سو به دلیل عمومیت در اعطا، هم انحراف بالایی داشته و هم نصیب افرادی شده که نیازی به آن نداشته‌اند؛ آن هم در شرایط سخت اقتصادی که افراد مستحق توان ایفای تعهدات خود را درخصوص طرح‌های مسکن ندارند. به عبارت دیگر این یارانه‌ها جنبه‌های مختلفی داشته‌اند؛ از اعطای زمین رایگان و کاهش یا حذف عوارض شهرداری تا اعطای حق انشعابات مختلف به این واحدها که در حالت عادی سازندگان مسکن متعهد به پرداخت آن هستند اما در طرح دولت‌های مختلف و به دلیل همان نیت خیر این یارانه‌ها به تمام افراد اعطا شده درحالی‌که ممکن است در ادامه این زنجیره افراد نیازمند از گردونه دریافت‌کنندگان نهایی مسکن یارانه‌ای حذف شوند و با خروج آنان افراد دارای توان مالی جایگزین آنان شده درحالی‌که مطابق با قواعد قانونی و عرفی، یارانه مربوطه نباید به آنان تعلق بگیرد. اما مساله مهم‌تر دیگر موضوع تخصیص یارانه‌های نقدی (یارانه‌های ماهانه) است. به علت فقدان اطلاعات مالکیت و موجودی مسکن، درحالی اغلب خانوارها به جز سه دهک اول همگی از یارانه نقدی یکسان بهره‌مند می‌شوند که در این میان فشار معیشتی روی مستاجران بسیار طاقت‌فرساست. به عبارتی، به دلیل نبود اطلاعات دقیق از مستاجران و مالکان در بهره‌مندی و استحقاق‌سنجی یارانه‌های نقدی دولت مالکیت مسکن را هنوز دخیل نکرده است درحالی‌که مسکن بین ۳۰ تا ۵۰ درصد از هزینه‌های خانوارهای مستاجر ساکن شهرها را می‌بلعد.

شنبه ۱۵ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۷۴
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

مدیرمسئول:
محمدامین ایمانجانی
سردبیر:
مسعود فروغی
تلفن وفکس:
۶۲۹۹۹۴۹۵ (۰۲۱)
کدپستی:
۱۱۳۵۶۳۳۸۱۶
چاپ:
چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی
نشانی:
خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری
روبه‌روی ساختمان بورس
ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم